

سال سوم، آبان ۱۳۶۳ (نوامبر ۱۹۸۴)

۲۵



نشریه دانشجویان هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در خارج کشور

اعتصاب غذای ۲۳ روزه مبارزین دربند با پیروزی

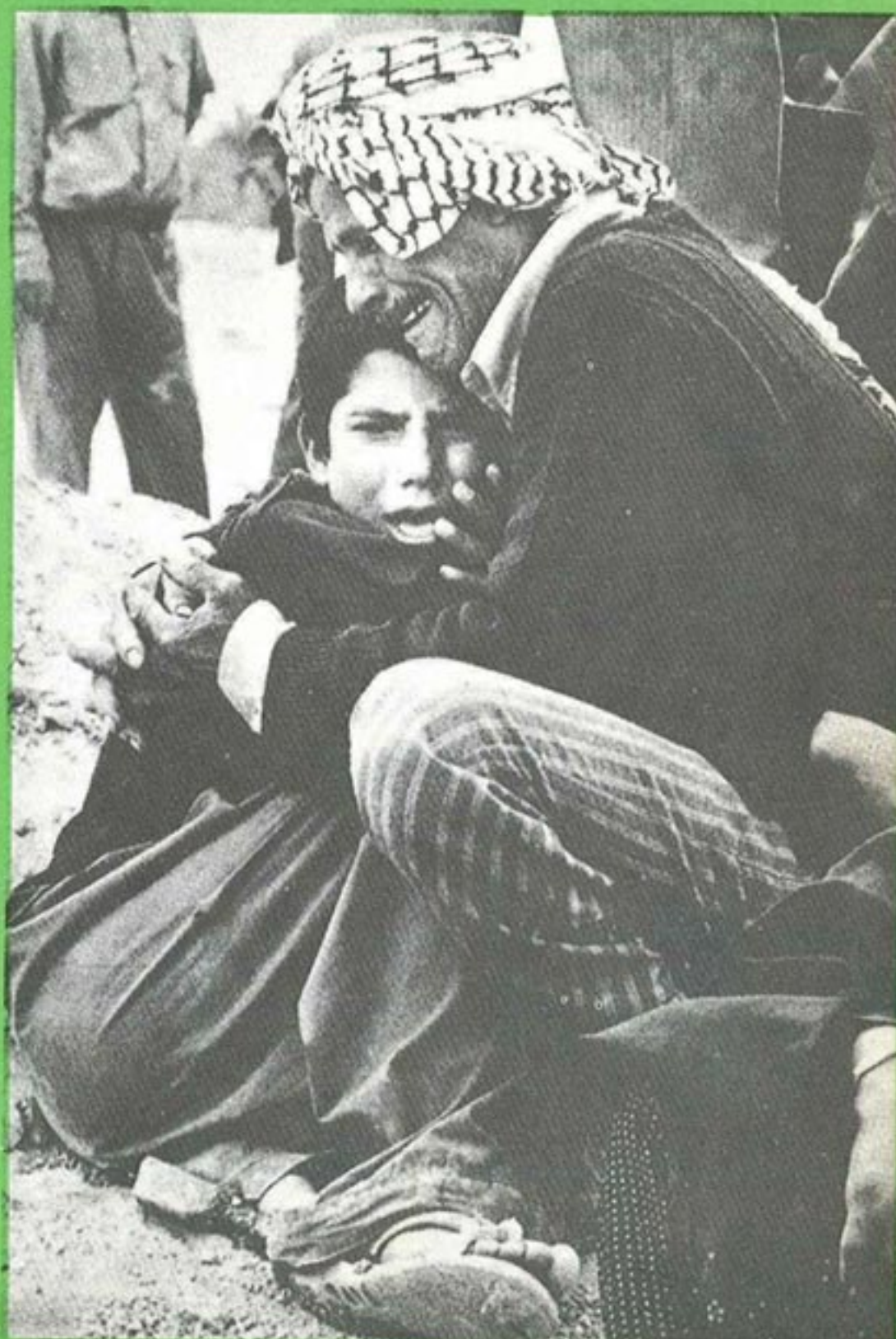
به پایان رسید

اعتراض به

کوچ اجباری

روستاهای کردستان

ادامه دارد



گزارش آکسیون‌های حمایتی از
اعتصاب غذای ۲۳ روزه هوا -
داران سچفخادر هلند در
صفحات ۲۳ - ۱۵

پیام رفقای زندانی در هلند در پی اعتصاب غذا

خلقهای سراسر جهان احزاب، سازمانها و نیروهای مترقی و انقلابی!

پنج سال سرکوب، سسانه رژیم جمهوری اسلامی، بمب، خمپاره، آتش کشیدن، برعب و وحشت های بیشمار و... هیچ کدام در اراکه فولادین خلق کرد کوچکترین خلائی وارد نیاورده است. خلق کرد همچنان در بنکارسی مان خود علیه ستم ملی، یکی از مظالم رژیم وابسته به آمریکا لیس جمهوری اسلامی است، همانند رودی خروشان پیش می رود و تمام رویا های تشبیت حاکمیت ولایت سفیها نه رایگور می سپارد.

و این بار سه دنبال به آتش کشیدن پنج روستای کردستان، رژیم مفتضحا نه سیاست تخلیه اجباری سبزاره ۶ روستای کردستان بالغ بر ده هزار نفر سکنه آنرا در برنامه خود گنجانیده است.

ما هواداران سازمان چریکهای فدائیک خلق ایران در اعتراض به این سیاست سبانه رژیم، بدنیال آکسیون سراسری هواداران در سایر کشورها، روز ۸۴/۹/۲۷ سفارت جمهوری اسلامی ایران در هلند را به اشغال خود در آوردیم.

مقامات دولت هلند بدون کوچکترین توجه به موازین بین المللی به اتهام بوج [سلب آزادی] و به پشتوانه روابط تجاری وسیع خود با رژیم جمهوری اسلامی حکم با زده است ما را مارد کردند. ما بار دیگر ضمن پشتیبانی از مبارزات برحق خلق کرد و ضمن، تاکید مجدد بر خواستهای آکسیون سراسری هواداران سازمان چریکهای فدائیک خلق ایران این سیاست غیر انسانی رژیم هلند را که چیزی جز همگامی و همکاری آن با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نمی باشد، محکوم کرده و از روز ۸۴/۱۰/۲۷ دست به اعتصاب غذا زده و خواستار معاف دزیر هستیم:

- ۱- محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی
- ۲- اعزام هیئتی از طرف سازمان ملل متحد جهت بازدید و رسیدگی به معجای رژیم در کردستان
- ۳- مواجبه مطبوعاتی با رسانه های گروهی بین المللی
- ۴- آزادی بدون قید و شرط خود

توفنده یاد رژیم دلاورانه خلق کرد.

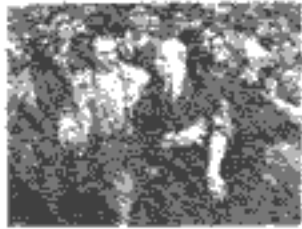
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق درود بر سازمان چریکهای فدائیک خلق ایران

هواداران سازمان چریکهای فدائیک خلق ایران

در

زندانیهای آمستردام و روتردام هلند

۸۴/۱۰/۱۱



سالگرد انقلاب کبیر
سوسیالیستی اکتبر
گرامی باد



۱۳ آبان
روز
دانش آموز
گرامی باد

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

www.adabestanekave.com



آکسیون های سراسری ۲۷ سپتامبر

و مسئله کوچ اجباری روستاهای کردستان

در سراسر ایران پیروزی را جشن میگیرند شاه را از شهدای جلادی های خمینی تفکیک خلق کردید دنبال بمباران سپاه پاسداران کنید.

وارثش در غم عزای عزیزان خود نشست
پیران رژیم جمهوری اسلامی ازبسی -
خلق کرد که با امید فراوان بسند
صدر گرفته تا خلخال دست بکار شدند تا
آزادی برای ایران و خود مختاری برای
از استقرا شروع نهاد دمکراتیک و -
کردستان در انقلاب بهمن شرکت جسته بود
قدرت ملی و محلی در کردستان جلوگیری
حتی فرصت نیافت که شهدای جلادهای نمایند.

سرکوب خلق کرد و تلاش در برپاکننده
نمودن آنان امر تازه ای نیست. این
سیاستی است که بورژوازی شوونیست
کشورهای منطقه، و از جمله بورژوازی -
فارس خاصه در دوران حکومت پهلوی -
همواره به پیش برده است. خلق کرد
برای دستیابی به حقوق ملی خود بارها
بپا خواسته است، لیکن علیرغم ارتقا
سطح جنبش قربانی سرکوبها و توطئه ها و
خیانت های مکرری گشته است.

رژیم جمهوری اسلامی کار تازه ای را -
آغاز کرده است این رژیم ستم و -
سرکوبی را که گذشته ای دیرینه دارد با
دشمنی و کینه ای آمیخته با تعصب
مذهبی، یعنی علاوه نمودن شوونیسم
مذهبی به شوونیسم سنتی و دیرینه -
بورژوازی فارس علیه خلق کرد، ادامه
میدهد. بی آنکه مهلت دهد خلق کرد پس
از پیروزی قیام بهمن، نفسی تازه کند و
طعم آزادی را بچشد از همان روزها تیکه
توده های مشووم نسبت به ماهیت خمینی



بمبارانهای اولیه رژیم، تا ماهها
پس از قیام بهمن، کاری از پیش نبرد و
مقاومت خلق کرده رچه بیشتر توده ای و
همه گیرتر شد. آنچه خمینی فرمای داد
۲۴ ساعت پایان باید، با تمام
تلاش رژیم و حتی صدور دستور جهانباز
فوج فوج مزدوران، لشکریان و بیروان -
کوردها و ناآگاه و عقب مانده، به جنگی
چندین ساله بدل گشت. جنگی که در یک -
سوی آن نیروهای مهاجم و ستمگر و سلطه
جو و ارتجاعی و ایسته به سرمایه فرار
دارد و در سوی دیگر آن مقاومت عادلانه
خلق تحت ستم و زحمتکش که خواهان -

فهرست مطالب

۱۹	رفقای دربند	۱۹	کشت و گذار: آوارگان ایرانی در
۲۴	اخبار جهان	۵	خارج از کشور
۲۴	در حاشیه انتخابات نیکاراگوئه	۷	اخبار ایران
۲۸	اعتماد بکارگران جنرال موتورز		آخرین گزارش عفوبینا لمللی در
۳۵	مجاهدین: شکست یک استراتژی	۹	باره شکنجه در ایران
۳۸	نمونه ای از ادبیات ویژه مجاهدین	۱۵	عملکرد رژیم از زبان مردم
۳۹	جنگ لبنان و انقلاب فلسطین (۳)	۱۱	در مجلس جمهوری اسلامی چه میگذرد
	آموزش واژه ها و مقوله های فلسفی		جنبش دانشجویی: انعکاس اخبار
۴۴	سیاسی و اجتماعی	۱۵	آکسیون سراسری در مطبوعات جهان
۴۸	پاسخ به خوانندگان		آکسیون سراسری در اعتراض به تخلیه
۵۵	شعر	۱۶	و تخریب روستاهای کردستان
۵۱	کدهای مالی		حمایت نیروها و شخصیت های داخلی
			وبینا لمللی از آزادی سازی

حقوق انسانی و اجتماعی و مدنی خویش است. نه گسیل های جهادوارانه اولیه و سلاخهای خلخالی، نه مذاکرات و رفت و آمدهای عناصر "پورژوا - سیرال" دولت با زرگان، نه گزگزی خواندن های بنی - مدری و چکمه پوشان زیر فرمان او، نه اعمال ضد انقلاپی ها گمنام - "توده ای و اکثریتی" و فراخوانهای تسلیم طلبانه آنها، و نه موعظه های رهبران مجاهدین به "پدر بزرگوار" و "امام ضد امپریالیست" دیروز و "دجال" و "جلاد" امروز، هیچکدام نتوانست جنبش ملی و مبارزات و مقامات و مشایخ حقیقت طلبانه خلق قهرمان کرد را درهم شکند.

پس از نافرجام ماندن کلیه تلافیهای سرکوب گرایانه رژیم، حربه جدید، - یعنی همراه کردن تحريم و محاصره اقتصادی کردستان با بمباران شهرها ادامه یافت، خلق کرد در مقابل محاصره اقتصادی نیز امتحان خود را پس داده و فراز مبارزه خونین را ادامه داد.

پس از یکبارگی سیاست تحريم اقتصادی، رژیم قتل عام روستا نشین را با گشتار جمعی ساکنین دهکده ها شبیه نظیر "قارنا"، "قله شان" و "ایندر فائش" - تعقیب نمود. صدها زن و مرد و کودک زیر آوار حاصل از خمپاره های رژیم اسلامی سوختند و جان باختند، اما تسلیم نشدند. رژیم برای درهم شکستن روحیه مقاومت مردم و جدا ساختن پیشمرگان قهرمان از دریای توده ها بهر حیل و شوشل شد.

پس از قتل عام روستا نشین و به آتش کشیدن محمولات دهقانان، رژیم درمدم برآمد که با اجیر کردن مزدوران و خاشاکین چاژ از زمین خود فروختگان کرد، ضرباتی از درون به جنبش مقاومت خلق کرد وارد آورد. علیرغم مجموعه این دسیسه ها و شوطه ها، جنبش مقاومت خلق کرد، با وجود تحلل ضربات زیاد پایداری و استوار و سرفراز باقی ماند.

قریب به شش سال بمباران، دسیسه و شوطه و انواع و اقسام تلاشهای ارتجاعی، رژیم در به تسلیم کشاندن خلق کرد ناکام مانده است. اکنون کوچ دادن

و تخلیه روستاها به منابه آخرین حربه کارگزاران رژیم در دستور کار قرار گرفته است. آنها قصد کرده اند که با پراکندن خلق کرد (۱) صفوف مبارزاتی آنها را تضعیف کنند، (۲) پیشمرگان قهرمان را از حمایت بی شائبه مردمش محروم سازند، (۳) و خلق کرد را در طولانی مدت در بطن خلقهای دیگر تحلیل ببرد، تا بزعم خود دیگر مسئله ای بنام خلق کرد وجود نداشته باشد، توطئه ای که در گذشته نیز بنوعی انجام گرفته بود. علاوه بر این رژیم قصد دارد با کوچ دادن بخشی از مردم کردستان به نقاط دیگر - در صورت لزوم جنگ فرقه ای و گروهی مردم

توطئه با شدت و جدت بخشیدن به مبارزات خود و با مطلع ساختن مردم سراسر جهان از عمق این فاجعه فدیشری چهره سنگین رژیم را رسواتر نموده - مانع این سیاست ارتجاعی گردیم.

بزرگترین و طولانی ترین اعتصاب غذای جنبش داینبشجویی در خارج از کشور

با جشن ارزبانی و هذنی بودک - هواداران سازمان چریکهای فدائی - خلق ایران در ۱۱ کشور جهان، بطور همزمان و بمنظور جلب افکار عمومی



عظیمه بگدیگر را بجای مبارزه حق طلبانه ملی بر علیه خود بنشانند. رژیم با تعقیب چنین اهدافی، سیاست کوچ اجباری روستا نشینان خلق کرد را در دستور کار قرار داده است. بهمان دلایلی که بر شمردیم جلوگیری از کوچ روستا نشینان، برای جنبش کردستان حائز اهمیت فراوان است. بر خورد به این مسئله، وظیفه ای سنگین به عهده نیروهای انقلابی می شه. اینچنینی است که باید مقاوم و بیگیر برای مقابله با این توطئه، بموقع و فعالانه کوشید. سکونت مادر خارج از کشور از بار و ظرافت مانسبت به این مسئله نمیگاهد. ما موظفیم که برای خنثی کردن این

جهان را گاه ساختن آنها از این توطئه - اکیسون سراسری دیگری را نتدارک دیدند. بدنبال یک برنامه ریزی دقیق و حساب شده در تاریخ ۲۷ سپتامبر، سفارت رژیم در هلند برای بار دوم به اشغال رفقای هوادار سازمان درآمد و همزمان با آن هواداران در ۱۵ شهر بزرگ جهان - عملیات مبارزاتی مختلفی را آغاز نمودند. (بخشی از این اکیسونها در جهان شماره ۲۴ درج گردیده است).

در جریان اشغال سفارت رژیم در هلند ۱۹ تن از رفقای مبارز توسط پلیس هلند دستگیر شده و ۳۳ روز در زندان دولت هلند زندانی گشتند. اما از بقیه در صفحه ۲۷

مسئله آوارگان ایرانی در خارج از کشور

"من و همسر و بچه دو ساله مان امن ترین مکان برای خود را جامعه و به صفاییهی از آوارگان ایرانی ۲۵ روز پیاده و یا سوار بر قاطر از سرمایه داری و بیمار آمریکا تشخیص پراکنده در سراسر جهان معلق شوند. کوهستانهای صعب العبور گذشتیم و دادند و در حال حاضر نیز شاهدیم که امروز آوارگی بصورت یکی از مهمترین خطرات بسیاری را بجان خریدیم تا خود بطور این باصطلاح "پناهندگان سیاسی" مسائل ایرانیان خارج از کشور درآمده را به ترکیه رساندیم."

"برای من دو راه بیشتر وجود آمریکا شده است بطوریکه در چند است. از زمان قیام بهمین ۵۷ تا به نداشت، یا در ایران بمانم و ایالت آنان را در داخل اردوگاههایی امروزه بیش از یک میلیون ایرانی از اجبارا توسط آنان به جبهه جنگ بروم محبوب کرده اند!

و یا اینکه از کشور بگریزم. من ولی در سیستم جمهوری جهل و اغلب دوستانم را در این جنگ خانمان خرافات همه چیز وارونه است. قیامی که توسط خلق های قهرمان ایران صورت گرفت بعقل مختلف و منجمله ضعف نیروهای پیشرو که در چندین دهه قبل از آن زیر شدیدترین فشارها و اعتناق شاهنشاهی قرار داشتند، بدست مشتی مرتجع و جنایتکار اقتصاد و از فردای روز قیام وظائف رژیم قبل از خود را بهتر ادامه دادند. فشار بر نیروهای انقلابی و هوادارانشان، دمکرات ها، شخصیت های آزادیخواه، زنان مترقی، دانش آموزان و دانشجویان آگاه، کارگران رزمنده و آگاه، روستائیان زحمتکش، خلق های مختلف ایران و اقلیت های مذهبی روز بروز شدیدتر شد و سیمانه ترین عملیات جنایتکارانه در دستور روز جمهوری جهل و خرافات سفیهان قرار گرفت. بیک کلام، رژیم جنگ خود را با نام سلام و دفاع از بشریت آغاز کرد و ادامه میدهد و در این راه تعداد بسیاری از بهترین فرزندان ایران که برای رهائی از قید ستم و استثمار و ساختن ایرانی آباد و آزاد مبارزه می کردند، توسط دژخیمان جمهوری سفیهان یا اعدام شدند و یا در زندان های قرون وسطائی شان بسر می برند و در چنین شرایط وحشتناکی، مبارزه همچنان خود را به خارج میرسانند. طبق

که پس از مشکلات فراوان و فقر و تنگدستی و گرسنگی خود را به خارج میرسانند تا از جهنم جمهوری سفیهان گریخته باشند.

در تاریخ چنین پدیده ای هرگز اتفاق نیفتاده است. شاهد بوده ایم که اغلب پس از پیروزی انقلابات طبقات مرتجع، ثروتمندان و مقامات بالای رژیم ساقط شده از کشورشان گریخته اند. ولی هرگز شاهد نبوده ایم که هنرمندان مترقی، نیروی جوان یک کشور، متخصصین، آموزگاران و استادان و زنان مترقی و پیشرو جزو کسانی باشند که پس از انقلاب در یک کشور از کشورشان خارج شده باشند. شاید آخرین نمونه آن کوبا باشد که در سال ۷۶ که رفیق فیدل کاسترو اعلام کرد که هر کس از سیستم موجود در کشور ناراضی است، میتواند کشور را ترک کند و سردمداران امپریالیسم آمریکا بخیال خودشان تبلیغات دامنه داری را براه انداخته و تصور میکردند که سیل مردم کوبا بطرف آمریکا سرازیر گردد و بدین ترتیب و جهت استفاده تبلیغاتی تسهیلات فراوانی را نیز برای کسانی که کوبا را ترک کنند، فراهم کردند. ولی چسبه

اتفاقی افتاد؟ کشتی های کوبایی مملو از قاچاقچیان، جنایتکاران، روسپیان، دزدان و ... بطرف آمریکا سرازیر شد زیرا بخوبی میدانستند که در کوبا به دلیل مختلف مجبور به طی مسیری که از سرنوشت آنان اطلاع در دست نیست جایی برای فعالیت آنها نیست و اپرمخاطره شده و از کشور خارج کردند

بروز داخه وسیعتری می‌باید، از هم-
اکنون برنامه ریزی کرد. باید نیروهای
پراکنده را جمع و متمرکز نمود و با
یک برنامه رزمنده مبارزه‌ای بی‌مان
عظیه جمهوری سفیهان را هرچه بیشتر
گسترش داد. باید مقامات رژیم را در
خارج از کشور متنازل کرد. همانطوری
که در سه آکسیون سراسری هواداران -
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
شاهد بوده‌ایم، باید اذهان جهانیان
را به آنچه که در ایران اتفاق
می‌افتد آشنا کرد تا به رژیم‌های
خود فشار آورند از روابط صحنه با
جمهوری سفیهان دست بردارند. باید
باز هم بیشتر و بیشتر رژیم را بی‌آبرو کرد.
در این میان بازم این وظائف
عمدتا بر دوش هواداران چپ انقلابی
قرار دارد. کمیته‌های مترقی که در
بسیاری از موارد با ابتکار و همت
هواداران فدائیان و عناصر دمکرات و
هواداران سایر نیروهای مترقی تشکیل
شده است و جریان‌های مترقی و موثری
چون جبهه همبستگی بین المللی (I.S.F.)
تا بحال توانسته‌اند در موارد متعددی
خدمات ارزنده‌ای در جهت رهائی‌مهاجرین
از زندانهای کشورهای مختلف، حمایت
و شکل پناهندگان بعمل آورند. ■

طبق مقاله‌ای که در روزنامه‌ی فراوان معیشتی روبرو بوده و فشارهای
لوس آنجلس تا یمز مورخ دوم سپتامبر روحی فراوانی را متحمل می‌شوند.
۸۲ درج شده است، در ماه اگوست فشارهای وارده از طرف مقامات اداره
سال جاری، ۱۳۳۰ نفر پناهنده ایرانی مهاجرت این کشورها نیز روز به روز
وارد کشور دانمارک شده‌اند در حالی که
در سال قبل از آن مجموعاً ۳۴۰ نفر
وارد آن کشور شده‌اند. در سوئد نیز
در ۶ ماه اول سال ۸۴، ۸۰۱ ایرانی
پناهنده شده‌اند در حالی که این کشور
در طول سال ۸۳ مجموعاً ۷۵۶ نفر
پناهنده داشته است. طبق این آمار،
در آلمان غربی نیز تعداد پناهندگان
رو به ازدیاد است و از ۳۳۰ نفر در
سال ۷۹ به ۱۱۹۰ نفر در سال ۸۳
رسیده است و در ۶ ماه اول سال ۸۴
تنها ۱۱۲۹ نفر پناهنده وارد آلمان
شده‌اند. وزارت کشور فرانسه نیز طی
آمارهای اطلاع داد که تنها در سال ۸۲،
تعداد ۱۲۹۵۱ نفر ایرانی به فرانسه
مهاجرت کرده‌اند. در اطریش تعداد
پناهندگان از ۱۱ نفر در ماه ژوئیه ۸۳
به ۶۴ نفر در ماه ژوئیه ۸۴ افزایش
یافته است. در انگلستان تعداد
پناهندگان از ۱۰۷ نفر در سال ۷۹ به ۶۱۷
نفر در سال ۸۴ رسیده است. میان ایرانیان خارج از کشور برده
هم اکنون در کلیه این کشورها شاد و از آنان در این جهت مددگیری
ایرانیان آواره و مهاجرین با مشکلات خود، می‌بایست برای این مسئله که روز

**آوارگان
و یک قربانی دیگر**
در آخرین ساعاتی که "جهان"
بزرگ چاپ می‌رفت، اطلاع یافتیم که
یکی از هموطنان آواره که چند ماهی
در زندان اداره مهاجرت نیویورک
واقع در مهستان زندانی بود، دست به
خودکشی زد. تعدادی از ایرانیان
آواره از جمله چندتن از هواداران -
سازمان که بطور "غیرقانونی" وارد
آمریکا شده‌اند، مدتهاست که توسط
ما مورین اداره مهاجرت آمریکا دستگیر
شده و در شرایط بسیار بد زندان
مهاجرت بسر می‌برند. یکی از این
افراد که حمید سیفیان نام دارد، روز
سه‌شنبه ۳۰ اکتبر در زندان اداره -
مهاجرت، پس از آنکه حکم نهائی
اخراج او از آمریکا و بازگشت دانش
به ایران صادر میشود، با قطع رنگ
دست خود، دست به خودکشی می‌زند.
مقامات زندان و اداره مهاجرت
نیویورک تا امروز در این باره سکوت
کرده و در پنهان داشتن این واقعه
کوشیده‌اند. اما با تلاش هواداران -
زندانی غیر به شکل هواداران سازمان
در نیویورک میرسد که آنها نیز غیر
این واقعه را در اختیار روزنامه‌های
ایرانی و آمریکائی می‌گذارند. ■

بفیه از صفحه ۲۷

**ماتریالیسم
دیالکتیک**

هایی میباشند که عیناً در هرشتی موجود میباشند و در-
پروسه رشد خود میباشند. حال آنکه تفادهای ممکن آن
تفادهایی هستند که با شکل گرفتنشان از دل تفادهای -
واقعی قابل پیش‌بینی است یا اینکه در نطفه واقعا شکل
گرفته‌اند ولی هنوز متولد نشده و نمودار نشده‌اند و از-
سوئی نیز واقعیت پیدا کردن نهائی آن هنوز منوط به -
چگونگی ضروری بودن آنها نسبت به شبکه تفادهای
ارگانیک آن شئی میباشد.

منابع:

۱. مورپس کونفورث، ماتریالیسم دیالکتیک
۲. نظریه شناخت
۳. آفاناسیف، فلسفه مارکسیسم
4. Marx, Engels & Lenin, Reader in Marxist Philosophy. International Publishers.
5. Progress, Fundamentals of Marxist - Leninist Philosophy.
6. Bottomore et al., A Dictionary of Marxist Thought.
7. Lenin, Philosophical Notebooks, Progress
8. Line of March, Fundamentals of Marxism-Leninism.

دیدار خا منه ای

با حافظ اسد

پس از ملاقات خا منه ای با حافظ اسد رئیس جمهور سوریه، تبلیغات زیادی در مطبوعات رژیم جمهوری اسلامی نسبت به این مسئله انجام گرفت. در همین رابطه، مقامات سوریه اعلام کردند که موضوعات محوری مباحثات دو طرف، وضعیت خاورمیانه، روابط دو جانبه و مسائل مربوط به منافع مشترک بوده است. ولایتی، وزیر امور خارجه، میاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش و رفیق دوست، وزیر سپاه پاسداران نیز خا منه ای را همراهی میکردند. حضور ۲ مسئول نظامی رژیم نشان میدهد که احتمالاً کمک نظامی سوریه به ایران جزء مسائل اصلی مورد مباحثه بوده است. در همین رابطه روزنامه آبرور چاپ لندن در ۹ سپتامبر نوشت سران دو کشور برای مبارزه خود علیه عراق و اسرائیل در لبنان سیاست مشترکی در پیش گرفتند. سوریه در صدد میانجیگری بین ایران و عراق نیست، بلکه حافظ اسد و سران ایران به توافق رسیدند که لازم است فشار به دشمن مشترکشان، یعنی صدام حسین را افزایش دهند. در ضمن حافظ اسد به ایران توصیه کرده به یک حمله زمینی علیه عراق دست نزنند زیرا خطرات شکست آن خیلی زیاد است. سوریه در عین حال از ایران خواسته است که جنگ را به کشورهای عربی خلیج فارس توسعه ندهد.

نقش خریدهای ایران از تالبوت

کمپانی تالبوت در ۶ ماه اول سال جاری (۸۴) مبلغ ۱/۹ میلیون لیره ضرر کرده است. در حالیکه مشابه سال پیش کارخانه ۱/۵ میلیون لیره سود داشته است. علت این امر، ظاهراً نرسیدن اعتبارنامه‌های بانکی از ایران که منجر به قطع ارسال قطعات اتوموبیل به ایران گردید، میباشد. اگر اعتبار نامه‌ها به موقع بدست کارخانه تالبوت برسد، آنگاه تالبوت میتواند کمبودش را جبران نماید. در سال ۸۳ کارخانه تالبوت ۸۷۸۴ قطعه وسائل اتوموبیل به ایران حمل کرد و قراردادی که ارزش آن در سال گذشته حدود ۲۱۵ میلیون لیره بود، ۱/۳ - میلیون سود خالص به همراه داشت.

تمایل ملاها

به اجناس لوکس

روز ۲ سپتامبر خمینی شدیداً به روحانیون برخورد کرد و به دور شدن آنها از مساجد و مداخله آنها در امور سیاسی اعتراض کرد. وی در سخنرانی خود در حضور ۱۴ عضو شورای نگهبان گفت: "بعضی از امامان و ملاها با مداخله بیجا در امور دولتی

"ایران خیلی آرا متر از جاهای دیگر است"

خمینی طی ملاقاتی به کارکنان ستاد تبلیغات جنگ اظهار داشت: "اگر اینجا یک هواپیما ربای می بینید، نباید فراموش کنید که این طور هواپیما ربایی‌ها در آمریکا و جاهای دیگر هم خیلی معمولی است. در دیدن یک طیاره کار ساده‌ای است. یک نفر بلند میشود، یک چاقو دستش میگیرد. در واقع در مواقعی شخصی حتی در مقابل یک تهدید تسلیم میشود. شکی نیست که خلبانان باید چنان مسافرها را حفظ کنند و با این گمان که هواپیما را ممکن است تهدید دروغ نمیکند، او باید اطاعت کند. امروز دنیا گرفتار هرج و مرج، جنگ، انفجار و هواپیما ربایی است. در مورد ایران، این‌جا خیلی آرا متر از جاهای دیگر است."

محدودیت‌های صادراتی آمریکا به جمهوری اسلامی

بنا به گزارش وزارت بازرگانی آمریکا، مقامات این کشور، بعد از جریان بعب‌گذاری در سفارت آمریکا در لبنان، محدودیت‌هایی را در مورد ارسال برخی از لوازم بدکی جنگی به ایران ایجاد کرده‌اند. بنا به گزارش وزارت کشور آمریکا از تاریخ جمعه ۱ اکتبر، آمریکا از ارسال هواپیما، هلی‌کوپتر، لوازم بدکی، کامپیوتر و موتورهای جنگی سنگین بقدرت ۲۵ اسب بخار یا بیشتر به ایران خودداری میکند. در همین رابطه، در چند هفته قبل از این خبر، روزنامه‌های آمریکا گزارش دادند دولت آمریکا در ارتباط به قولی که به جمهوری اسلامی مبنی بر آزادی گروگانها داده بود، ارساں وسائل نظامی به ایران را از سر گرفته است. انتشار این خبر ناخوشایند دیگری است بر نقش امپریالیسم آمریکا در حمایت از رژیم جمهوری اسلامی.

"مشکل جا معه"

حجاب است

آیت‌الله جنتی در خطبه‌های نماز جمعه قم گفت: "مسئولیت نسل اول انقلاب سنگین است. نباید انتظار میوه چینی از انقلاب داشته باشد... نسل اول انقلاب باید انتظار بدنه‌های سوراخ سوراخ، محرومیت‌ها، آوارگی‌ها، کمبودها، تلخی‌ها، و ناگامی‌ها را داشته باشد... برای پیاده کردن اسلام، مشکلات از آسمان و زمین می‌بارد بطور مثال یکی از مشکلات، مسئله حجاب است... می بینید که عده‌ای از زنها برای ارضا شهوت خود، اینچنین در خیابانها ظاهر میشوند و اینچنین در مقابل ارزش‌های انقلاب می‌ایستند!"

و با سلیقه‌های لوکس خود با عادت نارضایتی اهالی میشوند... اگر مردم از روحانیت سلب اعتماد کنند، نتیجه اش به اسلام ضرر می‌رساند. این مسئله مرا مشغول کرده و نمی‌دانم چطور حلش کنم. مذهب‌یون با عشق خود به اجناس لوکس، حرف‌کسانی که میگویند "استبداد مذهبی بر کشور حاکم است" را تأکید میکنند.

"مرگ بر آمریکا"

مرگ بر شوروی معنی ندارد

منتظری طی دیداری با معلمان عضو انجمن‌های اسلامی گفت: "کشور ما تا زمانی که از نظر علمی و صنعتی وابسته به شرق و یا غرب باشد نتواند شعارهای مرگ بر آمریکا و مرگ بر شوروی ملت ما مفهومی دارد و نتواند ادعای خودکفایی و استقلال کند. از اهداف بزرگ انقلاب ماست. "وی همچنین گفت: "ملت ما از نظر استعداد و قدرت مغزی بخاطر اعتدالی بودن منطقه زندگی خود از مردم نزدیک به قطب قوی تر هستند."



محاسبات بر کوتاه مدت کردن جنگ

هاشمی رفسنجانی طی ملاقاتی با اعضای سپاه پاسداران و بسیجی‌ها روز ۲۱ شهریور اظهار داشت: "محاسبات گاملاً سنجیده و بسیار دقیق در حال انجام است تا انشاءالله برای کوتاه کردن مدت جنگ و تا آنجا که ممکن است به حداقل رساندن تلفات نیروهای عزیز چو شما رزمندگان و به همین ترتیب به هلاکت رسیدن تعداد کمتری از نیروهای عراقی، اقدام قاطعی انجام خواهد شد. ما میخواهیم به نجات منطقه و مردم عراق از حزب شیطانیت یعنی دست‌پازیم و اقدامهای مهمتر را به انجام رسانیم."

معامله میلیاردر دلاری با آلمان غربی

در روزنامه اطلاعات ۱۸ شهریور، رژیم جمهوری اسلامی ضمن اعلام خبری از قول رادبو کلن نوشت: "درحالیکه عراق به سال پیش با وارد کردن سرمایه‌های ارزی بیش از هفت میلیارد مارک از آلمان فدرال، جزئی یکی از مهمترین همتهای بازرگانی این کشور بشمار میرفت، ولی امروزه این رقم وارداتی تقریباً با سطح یک سوم رقم سه سال پیش تقلیل یافته است و حتی پروژه‌هایی مانند سد موصل، فرودگاه بصره و با شبکه اتوبان‌های آن کشور که آلمانیها در اجرای آن شرکت و همکاری داشتند نتوانسته است بخاطر جنگ به اتمام برسد. وسیله‌ای داده می‌دهد: "در این میان عراق با مشکلات مالی روبرو شده و شرکتهای صادراتی آلمان فدرال نیز از حمایت مادی و اعتباری آلمان فدرال برای صادرات و تعهدات مالی قبول میکنند، در این مورد همکاری نمی‌کنند. رژیم جمهوری اسلامی با خریدی از جلب حمایت امپریالیسم آلمان و فشار به عراق، روابط بیشتری با آلمان غربی برقرار میکند. بنا به گزارش خبرگزاری رویتر جمهوری اسلامی با یک پیشنهاد ۵ میلیارد دلاری قصد دارد برای ایجاد تأسیسات موتورسیکلت‌سازی در ایران، کارخانه موتورسیکلت‌سازی "زوند آپ" آلمان غربی را خریداری کند. سخنگوی شرکت موتورسیکلت‌سازی "زوند آپ-ورگ" اعلام داشت: "مسئولین این شرکت سرگرم گفتگوهای با هیئتی هستند که رژیم جمهوری اسلامی به مونیخ اعزام داشته است. وی افزود به موجب بخشی از پیشنهاد آلمان، تمامی تأسیسات کارخانه موتورسیکلت‌سازی "زوند آپ" به آن کشور فرستاده خواهد شد. پنج هفته قبل از این مذاکره شرکت فوق اعلام داشت که ۱۱/۷ میلیون دلار - بدعکاری دارد و در نظر دارد تا پیش از پایان ماه جاری مسیحی، اعلام ورشکستگی کند.

بحران حزب کمونیست

انگلستان

مدتی است که تفاهدهای درونی در حزب کمونیست انگلستان بین جناح هوادار شوروی و جناح هوادار کمونیسم اروپائی، این حزب را تا بحران شدیدی روبرو ساخته بطوری که خطر تعطیلی نشریه روزانه این حزب را تهدید میکنند. بعد از سال ۱۹۶۸ طرفداران کمونیسم اروپائی در درون حزب که عمدتاً در رهبری قرار دارند به دفاع از رژیمیم و همکاری با حزب کارگر، کمیونیزم بورژوازیستی، اتحادهای فراطیفقاتی و تغییرات تدریجی پرداختند. جناح طرفدار شوروی نیز که اعضای غالبی حزب را تشکیل میدهند، از سیاست‌های بلوک شوروی دفاع نموده است. با اوج گیری اختلافات درون حزب کمونیست، حزب تعدادی از اعضا و هواداران خود را از دست داده است.



کارگران آگاه و مبارز

در هر کارخانه و کارگاه، در هر محله و در هر کجا که هستید کتبه‌های مثالی انصاف را ایجاد کنید، به جلب خواسنهای انقلابی کارگران و زمینکشان ایران در انقلاب بپردازید. ضرورت بهائی یک انصاف عمومی - سیاسی را در میان کارگران جلب کنید، با کارگران دیگر کارخانه‌ها تماس بگیرید، جوارزات خود را هماهنگ کنید و همه کارگران را به جوارزه علیه رژیم فراعوانید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی بر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران



کارگران و زمینکشان سراسر ایران

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، همانند رژیم شاه، رژیم مستغری ملی است. رژیم جمهوری اسلامی، حقوق و درخواستهای برحق و عادلانه طلبهای دست مست کرد، ترک و ترکمن و عرب و بلخ را پایمال نموده است.

کارگران و زمینکشان سراسر ایران! از جوارزات و درخواستهای برحق و عادلانه طلبهای دست مست دفاع کنید، باید حق تعیین سرنوشت برای کلیه ظل ساکن ایران برسریت شفاخته شود باید طلبهای دست مست ایران آزادانه تصمیم بگیرند و سرنوشت خود را تعیین کنند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی بر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران



معلمین و محصلین انقلابی و مبارز

خداوس را به سنگر جوارزه مداوم علیه رژیم تبدیل کنید. کتبه‌های مثالی انصاف و همتهای مثالی طاووت را سازمان دهید و نقش انقلابی خود را در انقلاب ایفا نمائید.

زنان محروم و تحت ستم ایران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی زنان را از تمامی حقوق اجتماعی و انسانی محروم کرده است. رژیم جمهوری اسلامی، ستم و تبعیض بر پایه جنسیت را به حد اعلا رسانده است. سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران که در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی پیگار میکند خواهان لغو هرگونه تبعیض بر پایه جنسیت و رعایت کامل حقوق اجتماعی زنان است.

زنان باید از حقوق اجتماعی برابر با مردان برخوردار باشند. هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت ملغی است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی بر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق ایران سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران



فلقهای سراسر ایران

امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، دشمن صوم کارگران و زمینکشان و فلقهای دست مست سراسر جهان است. امپریالیسم ایران را به یک کشور دست سلطه وابسته تبدیل نموده است. سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران که علیه امپریالیسم و سلطه آن پیگار میکند، در برنامه خود برای برانداختن سلطه امپریالیسم و قطع هرگونه وابستگی به آن، خواهان ملی کردن کلیه سرمایه‌های بزرگ داخلی، ملی کردن کلیه سرمایه‌های متعلق به استعمارات بین‌المللی، ملی کردن بانکها و ملی کردن صادرات غازی و امثال کفعل کارگری بر تولید و توزیع و خواستار انعام کلیه فرادادهای اسراربار است.

هنگامه مبارزه برای دمکراسی، جوارزه علیه امپریالیسم و سلطه آنرا شدید کنید.

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

شکنجه در زندانهای ایران

Los Angeles Times

Friday, November 2, 1984

طبق گزارش روزنامه لوس آنجلس تایمز مورخ ۲ نوامبر ۸۴، شکنجه در زندانهای ایران آنچنان وحشتناک است که بسیاری از زندانیان را برای بردن به جوخه‌های اعدام مجبورند یا برانکارند حمل کنند زیرا آنها بدلیل شکنجه قادر به ایستادن نیستند. این مطالب توسط یک زندانی سیاسی که اخیراً از زندان خارج شده اظهار گردیده است. جلیل ظلیل زاده شیرازی، ۲۶ ساله، بین انواع شکنجه‌هایی که شاهد آن بوده‌است، قطع دست، زندانی کردن زندانیان در سلول‌های بسیار کوچک، معانعت‌های طولانی از خوابیدن و شلاق زدن را نام برده است. وی اضافه نمود که در زندان تبریز زنان حامله شکنجه شده و پس از تجاوز به آنها اعدام میشوند. ■



کارگران انقلابی ایران، کردن پیشواز مبارزه توده‌ها

کمیته‌های منحل انصاف را برای پیروانی یک انصاف عمومی سیاسی ایجاد کند، کارخانه‌ها را به انصاف بکشید و خود را برای یک نظام صلح‌آمیز آماده کنید.

دوستان زمینکش!

شما سرتیپی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق هستید. پاسنگون در خواستهای انقلابی و دموکراتیک شما باشد. • بعنوان متحد تری یک طبقه، کارگر در انقلاب علیه رژیم جمهوری اسلامی بیا بخونید.

سرتیگون یاد رژیم جمهوری اسلامی

در قرار یاد رژیم جمهوری دموکراتیک خلق



کارگران، کارگران، اتحاد علیه سرمایه‌داران

کارگران ایران! تا وقتی که نظام سرمایه‌داری در ایران حاکم باشد، پیگیری، نظارت، گرسنگی، ستم و استثمار با پر جا خواهد بود. • با برانداختن نظام سرمایه‌داری و ایجاد جامعه سوسیالیستی هر پیگیری، گرسنگی، ستم و استثمار پایان خواهد یافت. • شما سوسیالیست‌ها باید پیش‌روانانی خواهید بود.

ترک پر سرمایه‌داران و استثمارگران و بندگان سوسیالیست

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

خبرنامه ۱۱ جمعه ۲۸ سپتامبر ۸۴
 سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان - انگلستان و قطر
 سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
 O.I.S. - BM KAR, LONDON WC1N 3XX

آخرین گزارش عقوبین الملل درباره شکنجه در ایران

روایسی توهین و ناسزا به زندانی و خانواده‌اش، تبعید به اعدام و سلاخه اعدام با عتق است. عقبه گزارش به مطالبی اختصاصی یافته است که چهار زندانی متجاوز در اختیار مسئولان الحلقه گذاشته‌اند. آنان بوقیات، دستگیری و سبب شکنجه‌های طولانی در ساجاها، پای رژیم و سلاخه فرار خود از زندان را بازگو می‌کنند. یکی از زندانیان کرد توشیح می‌دهد که با سواران بعد از دستگیری و انتقال وی به زندان، آزاد می‌خواهند که هرچه در باره حزب دموکرات گردستان می‌دانستند، مفاومتی با ستم می‌شود که شکنجه‌های وحشتناک شروع شود. در همان رژیم وی را سزیم زمین می‌زنند و روی شخصی می‌خوانند و باهای وی را می‌زنند. بر وی را می‌بوسانند تا غذای نرساده‌هایش خسته نشود. سپس با سوزنی‌های بلند کردن او را سوراخ سوراخ می‌کنند. سهرام، این شکنجه‌های جسمی قرون وسطایی، شکنجه‌های روانی مثل طرک‌بستی از خوابیدن نرسد او را بر روی وی اعمال می‌کنند. در اثر این شکنجه‌ها بوی نرسد قلع شد و همچنین به همراه افرادی خون نرسد می‌ماند. این زندانی توشیح می‌دهد که سلاخه‌های ۸۴ روز لانتکلیفی و تحمل شکنجه‌های وحشتناک به واسطه قلع شدن نشان‌های وی را برای یکسره‌داری ستم‌زندان شهر منتقل می‌کنند. وی در قرون وسطی موفق به فرار می‌شود. ■

آخرین گزارش عقوبین المللی که در ۱۷ اکتبر ۸۴ منتشر شد منتهی به شواهدی است که چهار زندانی سیاسی سابق که هم‌اکنون در خارج سربسته در مطامع آمده‌است که این زندانیان از عوارض حزب دموکرات گردستان، سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران و ساجاها می‌باشد. گزارش توشیح می‌دهد که معمول ترین شکنجه جسمی در زندانهای جمهوری اسلامی شلاق زدن است که سوزی کف است. ستم، اندامهای تشنه و سهرام انجام می‌گیرد. شلاق زدن پس از سبوش آمدن نرسد علت دردناک بودن و ساد کردن پاها، ایستادن با راه رفتن برای مدت‌ها نرسد ممکن می‌شود. گزارش می‌افزاید که بعد از دستگیری هر فرد بزرگی و انتقال به زندان، بلافاصله با وی گفت‌وگو می‌شود یعنی زندانی در وسط اتاق قرار می‌گیرد و ما مورین زندان از وی به عنوان توب گفت‌وگو استفاده می‌کنند. این امر باعث می‌شود که زندانی اعتماد به نفس خود را از دست بدهد و قتل از اینک اطلاعاتش سوزد. آنرا در اختیار جلادان رژیم قرار دهد. از این دستگر شکنجه جسمی که در گزارش عقوبین المللی آمده‌است، سوزان کردن ارسف و استکمال مختلف تجاوز جسمی است. گزارش همچنین می‌افزاید که علاوه بر شکنجه جسمی شکنجه روانی نیز وسعاً در زندانهای رژیم اعمال می‌شود. از مهمترین سبب‌های شکنجه



عملکرد رژیم جمهوری اسلامی در نظر مردم بسوا ییتروزنامه‌ها یرژیم

به شکایات این کشاورز استمداد رسیدگی کنید

اینجانب همسر علی کریمی یکی از کشاورزان قریه شویار از توابع شهرستان میانه هستم که با دارا بودن زمین نسبی ۴ هکتار و شش سر مالک مورد ظلم قرار گرفته و از ۴ سال پیش آواره شهرها و روستاها شدم. در این مدت شکایات متعددی نمودم که تا سافانه تاکنون به دردم رسیدگی نشده و همچنان با شش سر مالک آواره شهرها و روستاها هستم. علینذا از مقامات مربوطه تقاضا دارم به شکایت این کشاورز استمداد رسیدگی فرمایند. امیرعلی کریمی

آیا برای دادن کولر ۳ سال انتظار کافی نیست

حدود سه سال قبل برای کولر در پیچ اقتصادی مسجد از گل لاسوویی کرمان ، اما تاکنون نتوانستم کولر دریافت کنم . آیا سه سال انتظار برای دریافت یک کولر کافی نیست .

قابل توجه داروخانه ۱۳ آبان

بیمارانی که مبتلا به آمه هستند مجبورند هر یک روز یکبار برای دریافت دارو به پزشک مراجعه کنند . تقاضا داریم با همان نسخه قبلی بهایگونه بیمارانی داروی لازم داده شود و اینان مجبور نباشند هر یک روز یکبار همان دارو را نیز پزشک تجویز کنند . از تلقن بیمار مبتلا به آمه

فاقد آب آشامیدنی هستیم

ماهالی غیاپان ولنجک از غیاپان سیزدهم بیست فاقد آب آشامیدنی هستیم . لذا از سازمان آب تقاضا داریم در مورد آب آشامیدنی ما ساکنین نیز اقدام اساسی بعمل آورد . ساکنین غیاپان ۱۳ بیست ولنجک

به وضع این روستا رسیدگی شود

روستای ۱۵۰ خانواری سنگنو از توابع بخش شهرستان نوشهر که مهترین روستا از نظر کشاورزی و دامداری است. فاقد هر گونه امکانات بهداشتی و رفاهی است. اهالی این روستا از نظر مدرسه ، آبپهناشی ، برق ، حمام ، درمانگاه و وسیله آبیاب و نعیاب بشهر خائفه در مضیقه هستند تقاضای رسیدگی از مسئولان امر را داریم. اهالی روستای سنگنو

بیمارستانها ، بیمارانی را که امید به نجاتشان کم است قبول نمی کنند

یکی از مردم نابینای پزشکی در کشور ما اینست گسه تعدادی از بیمارستانهای دولتی و حتی بعضی بیمارستانهای خصوصی از قبول بیمارانی که بیماری مزمن، پیشرفته و اصولا امید کمی به نجاتشان هست قبول نمی کنند و اینگونه بیمارانی را جواب می کنند. در حالیکه فرسایر کشورها هر چه بیمار بدحالتر باشد فوراً او را بستری و به وضع رسیدگی می کنند. این موارد اصولاً به ضرر جامعه پزشکی بوده و خانوادها اینگونه بیمارانی را نسبت به گذر پزشکی و درمانی بهمین می کنند. لذا از وزارت بهداشتی تقاضا داریم در این مورد پیشنهادی به بیمارستانها بشود که اینگونه بیمارانی را در اولویت قرار دهند. نه اینکه آنها را جواب کنند. از تلقن پزشکان و خانواده بیمارانی بدحال به کیهان و شما

تکلیف ما کارکنان شهرداری را مشخص کنند

جنود ۵۳ نفر کارکنو کارگر از مناطق مختلف بیست گانه شهرداری تهران هستیم که روشن نیست روی چه اصلی حقوق ما را حدود ششماه است که توقیف کرده اند. بهر کجا مراجعه کردیم جوابی بهمانندمانند . از مقامات مسئول شهرداری تقاضا داریم با توجه به اینکه همه ما صاحب عائله هستیم، فکری برای ما بکنند. از تلقن به کیهان و شما

تکلیف کوبین‌هایی که در دست مردم است چه میشود

اخیراً کوبین ۲۴۸ برای گرفتن سهمیه برنج اعلام شده است. سؤال اینست که پس تکلیف کوبین های شماره ۱۵۲ تا ۱۵۰ که سابقاً قرار بود برای برنج اعلام شود چه میشود؟ کوبین‌های ۱۹۱ تا ۲۰۰ که در دست مردم ماندند است برای چه کالایی اعلام خواهند شد. از این گذشته کوبین نوبت چهارم را در هر دو برنج اعلام کردند بطوریکه پیمانز چیا کردن آن احتمال کم شدن بنیه کوبین‌ها میشود. تقاضا داریم مسئولان امر قبلاً اعلام مرتبانه کوبین بهائشانی این جنبهها توضیح بدهند. از تلقن به کیهان و شما

فکری بحال تامین آب آشامیدنی شود

ساکنین سراء افسریه تا بالایی هاشم‌آباد از نظر آب آشامیدنی در مضیقه هستند. تقاضا داریم فکری برای تامین آب آشامیدنی ساکنین این محلات بشود . از تلقن ساکنین هاشم‌آباد

سئوال از سازمان آب و برق ماهشهر

مدتها بود که سازمان آب و برق خوزستان منطقه ماهشهر در قبوض خود قسمتی داشت بنام عوارض که مقدار آن برابر ۱۰٪ درصد مبلغ قبض مشترک بود که نمی دانستیم که این عوارض بابت چیست و پس از مدتی نام عوارض را در خانه مربوطه موزن نمودیم و تبدیل به کلمه روشنایی شد پس خوشحال شدیم که با اطلاع دیدیم این عوارض بابت روشنایی است که از مردم سئوال وصول می شود ولی بابتی از سازمان آب و برق ماهشهر سئوال نموده که در این سه سال جنگ کدام روشنایی را کسبها تاکنون نموده اند که حال عوارضی را می گیرند؟

فکری برای آب ساکنین عظیمیه بشود
عظیمیه کرج در شبانه روز فقط شش ساعت آب دارد . چرا مسئولین نسبت به تامین کبود آب این شهرک افساسی نمی کنند . از تلقن اهالی عظیمیه کرج

تجربه توزیع در صنایع را در سازمان ببخشند
از ستاد پیچ اقتصادی تقاضا داریم توزیع مواد غذایی را که توسط ماسجد هرمزل انجام میشود در سازمان ببخشند . در حال حاضر مردم از سوء توزیع مواد ضروری ناراضی هستند و بهتر است این امر بایک برنامه دقیق و حساب شده در سازمان بیايد. راضیه سید جنتی

استمداد از مسئولین

از مقامات مسئول تقاضا داریم به مشکلات اسلامشهر رسیدگی کنند.
اهالی مستشف اسلامشهر با مشکلاتی مواجه شده اند که شاید روستاها با آن روبرو نباشند. بعضی از مشکلات این شهر بدین شرح است.

- ۱- در موقوع رأی گیری تعداد حوزههای رأی گیری زیاده می باشد بطوری که برای رأی دادن احتیاج به چند دقیقه وقت بیشتر نمی باشد اما برای دریافت کوبین بلیت کسی سهمیه تقسیم کوبین باید ساعتها در صف ایستاد.
 - ۲- در طول سال گذشته کلاً چهار بار مرغ به این منطقه داده شده است.
 - ۳- به یک خانواده ۵ نفره بین ۱۵ الی ۲۰ روز نیم کیلو گرم گوشت داده می شود.
 - ۴- در طول سال گذشته ۲ الی ۳ بار در محله ما تخم مرغ بیشتر توزیع نشده است.
- همین اسال با توجه به این که ستاد پیچ اقتصادی سهمیه گوشت و مرغ و تخم مرغ را افزایش داده است ما هنوز رنگ مرغ تخم مرغ را به خود ندیده ایم ستاد پیچ اقتصادی از بهبود کوبین مرغ به ما خودداری می کند به چه علت بر ما معلوم نیست و با اینکه امام جمعه محترم شهر ما حاج آقا نوروزی هم بارها به مقامات مربوطه نامه نوشته هنوز ترتیب اثر داده نشده است لذا از مقامات مسئول خواهشمندیم هر چه زودتر فکری به حال این محله مستشف و کارگرنشین بنمایند پس ملاحظه فرمودید یک نام و دوهوا، تاکی.....

اهالی شهرک اسلامشهر
شهرک کاروان فاقد امکانات شهری است
شهرک کاروان واقع در جاده خراسان نزدیک پاسگاه هاشم‌آباد فاقد امکانات رفاهی است. باینکه اهالی این شهرک را افراد مستشف تشکیل میدهند ، حتی از داشتن حمام بهداشتی و درمانگاه نیز محروم هستند . تقاضای رسیدگی بهوضع اهالی این شهرک را از مقامات مسئول داریم. از تلقن ساکنین شهرک کاروان - احتسوزولفی

سهمیه روغن نباتی را زیاد کنند
سهمیه روغن نباتی کفاف مصرف خانوادهها را نمیدهد. از مسئولان ستاد پیچ اقتصادی تقاضا داریم سهمیه سرانه روغن نباتی را اضافه کنند. ناصر رضایی

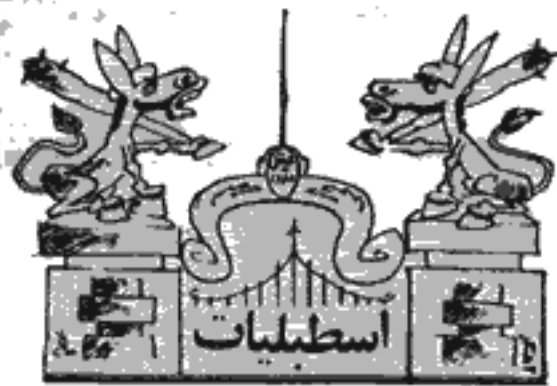
تقاضای از دولت در خصوص خارج از کشور

اینجانب دکتر ه کتری هستم متخصص در رشته بهوشیمی پزشکی که رشته هورمون شناسی جزئی از آن است با فوق تخصص در رشته علوم پایه پزشکی که کلیه تحصیلات و تحقیقات اینجانب در خارج از کشور بوده که به تاکید سفارت ایران رسیده و در ایران مدارک فوق وغیره توسط وزارت علوم ارزشیابی وتالیف گردیده است. پروانه صلاحیت بشماره ۵۷/۸۱۶-۳۲/۴۳۰ جهت تاسیس آزمایشگاه تشخیص طبی توسط کمیسیون قانونی وزارت بهداشتی صادر گردیده.

اکنون بیش از یکسال است که اینجانب متقاضی استفاده از جزئی از تخصص خود جهت تاسیس آزمایشگاه طبی ایروانه صلاحیت ۵۷/۸۱۶-۳۲/۴۳۰ هورمون شناسی و ارائه خدمات پزشکی به اقشار جامعه این مملکت میباشم لکن سرپرست دفتر آزمایشگاههای وزارت بهداشتی از اجرای قانون طفره رفته و بی اطلاع از درجات علمی تخصصی وغیره نظریات غیر منطقی غیر علمی وغیر قانونی ایراز میدارد. پس از مذاکرات و مکاتبات زیاد که بی نتیجه بوده لذا در روزنامه کیهان سوخ ۱۱۹۳۶-۶۲/۵/۱۸ ونامه اینجانب درج گردید که وزارت بهداشتی جوابی نداشته و ندارد که به این حقانز بدهد. لذا به آقای معاون وزیر بهداشتی در امور داروکی آزمایشگاهی وغذائی رجوع وبا ایشان ملاقات وبیش از بیست نامه نوشته وتقاضای اقدام قانونی وپسرخ قانونی نمودم. حال متخصصین ایرانی که با صرف یک عمر تحصیل وتحلیق و کسب تجربه در خارج از کشور و مستحمل شدن هزینه و مخارج سنگین حال که به وطن برای خدمت برگشتند نمیتوانند خدمات خود را عرضه نمایند بعلت ممانعت از عرضه خدمات متخصصین چنانچه اگر شما به موارد فوق وغیره واقف هستید؟ پس چرا اینهمه تلاش برای جذب نیروی متخصص مینمایند؟

ودر حالیکه متخصصین واستفاده از تخصص وزحمات آنها که حاصل یک عمر تحصیل وتحلیق و کساربا هزینه سرسام آور بدین طریق است؟
پاشکر- دکتر حسین-ج

شهرک صنعتی الوند از توابع قزوین با ۶۶ هزار نفر جمعیت مدرسه راهنمایی ندارد. با توجه به اینکه تعداد مدارس ابتدائی آن نیز به اندازه کافی نیست. جاده هایش فاکی است و با تردد اتومبیلها این شهرک در گردوخاک غوطه ور میشود و زمستانها در گل می ماند و این مسئله برای اهالی شهرک وبویژه دانش آموزانی که برای ادامه تحصیل به قزوین می روند، مشکلات فراوانی بیار می آورد. از این گذشته برای این همه جمعیت فقط یک پزشک و یک داروخانه وجود دارد. کم بودن سهمیه کالاها و ارزانی عمومی در شهرک الوند مشکل دیگر اهالی است که انشاءالله با توجه بیشتر مسئولین مرتفع خواهد شد.
ابوطالب قدیمی



طرح دانشگاه بین المللی اسلامی رژیم و مسئله زنان خارجی

برای اشاعه تبلیغات اسلامی، چندی پیش لایحه ای جهت تاسیس دانشگاه بین المللی اسلامی عرضه شد. در ماده ۵ این لایحه چنین آمده است: "وزارت فرهنگ و آموزش عالی پس از تأسیس شعبه پسران دانشگاه و در صورت آمادگی کامل میتواند به تأسیس شعبه دختران بطور جداگانه اقدام کند. این شعبه منحصرأ دارای رشته های الهیات و معارف اسلامی، پزشکی، دندانپزشکی، پیراپزشکی، علوم تربیتی و ادبیات و علوم انسانی خواهد بود." (مذاکرات جلسه ۵۵۶). یکی از نمایندگان پیشنهاد حذف کلمه پسران را داد. در موافقت با این پیشنهاد، معاون وزارت علوم چنین بیان کرد: "اگر این لغت 'پسران' در آن باشد، این یک الویت است، یک ترجیح بلامرجعی خواهد بود که واقعا هیچ توجیهی برایش در سازمان های جهانی و در کشورهای اسلامی در دنیا نداریم. این توجیه میشود که ما نمیتوانیم یک دختر مسلمان را که حاضر است همانطوریکه آقای هاشمی فرمودند از یک کشور اروپایی یا از یک کشور آفریقایی اصلا با اشتیاق به اسلام میخواید به ایران بیایند نمیتوانیم اداره اش بکنیم. پس اول میگذاریم 'پسر' بعد هر وقت محیط مان مان مساعد شد، یعنی الان محیط مان ناامن است."

در مجلس شورای اسلامی چه می گذرد؟

بر سر چگونگی تحقیر بیشتر زنان و افزایش فشار بر آنها، بین "علمای" مجلس اختلاف افتاد. در چند جلسه مجلس شورای اسلامی، بحثی پیرامون وضعیت زنان و راه حل های اسلامی آن بین نمایندگان رژیم در گرفت. چون این بحث ها و طرح ها دارای نکاتی شنیدنی است، ما به نقل پاره ای از آنها می پردازیم.

سال بوجود آمده از بین ببریم و بصورت ثواب و اسلامی بودنش را مطرح بکنیم و بعد مسئله صیغه متعه که یکی از قوانین اسلامی است آنرا بطور قانونی و از روی - عدالت اسلامی رواج بدهیم." (جلسه ۴۹۲ مذاکرات مجلس، تاکید از ماست)

دولت خودکفا یعنی چه

در رابطه با قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست

عبد خدائی، نماینده رژیم در مجلس اسلامی گفت: "دولت ما وقتیکه گفته میشود "خود کفا" همه اش بفکر پول درآوردن از افراد میافتد." مثلا در رابطه با شهرداری، وقتی ما میگوئیم خودکفا باشد، عوارض وضع میکند، حال اینکه نه، شهرداری نمیتواند با ایجاد پارکها، ماحب درآمدی بشود، در اینجا هم معنای خودکفائی این خواهد بود که ایمن زن بی سرپرستی را که میخواهند اداره اش بکنند، اولین وهله یک حق الثبتی از وی گرفته بشود و این صحیح نیست... اینها اگر پسرول داشتند که تحت سرپرستی و تکلیف دولت قرار نمیگرفتند." (مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، جلسه ۵۲۰)

طرح اسلامی دوزنی، چهار زنی و صیغه متعه در مجلس شورای اسلامی

در جلسه ۴۹۲ مجلس طرح تأمین زنان بی سرپرست که بقول شیبانی نماینده رژیم در مجلس "یک مسئله اجتماعی برای مملکت است، مسورد بحث نمایندگان قرار گرفت. در مخالفت با این طرح، رحیمی نماینده دیگری در مجلس رژیم طرح اسلامی خود را ارائه داد. وی گفت: "بعد از انقلابها، بعد از جنگها که عده ای از زنها به دو صورت بی سرپرست میشوند: یکی عده ای بی سرپرست میشوند که شوهرهایشان از بین میروند و معمولا هم میدانیم که مردها بیشتر در تصادفات، در جنگها در جاهای دیگر از بین میروند و زنها احتیاج به سرپرست دارند - به معنای واقعی و معنوی و حقیقی و عیال و شوهر بودن که لازم است حالا که چهار سال از انقلاب اسلامی گذشته است آن مسئله هایی که محمدرضا شاه خائن و اطرافیانش درست کرده بودند که اگر کسی زنا می کرد کارش نداشتند ولی اگر زنی را صیغه می کرد، او را جریمه میکردند و زندان می کردند ما باید دو زن، سه زن گرفتیم، چهار زن گرفتیم. با آن شرایط اسلامی آن قبلی را که در طول این چند

یکی دیگر از نمایندگان رژیم (هادی) پس از موافقت با حذف 'پسران' چنین تذکر داد: "ما دانشگاه را... میخواهیم که یک عده‌ای از دختران مسلمانی که در خارج از ایران در دانشگاه‌های اروپا، در دانشگاه‌های دیگر امکان تحصیل با حفظ عفت و عصمت و پاکدامنی ندارند، آنها را می‌خواهیم جذب کنیم و آنها در این دانشگاه بین المللی اسلامی بیایند... این است که بیایند ایران، ایثار و فداکاری و پاکدامنی و اینها را یاد بگیرند." در مخالفت با حذف 'پسران' دهقان گفت که این ماده این را گفته است که کلاً مردها بر زنها در بعضی از علوم تقدم دارند... ما اگر خواسته باشیم کل علوم را بیاید در باز و همینجور بدون هیچگونه قید و بندی دخترهای خارجیه را بپذیریم و بیایند در ایران با اینکه خودمان محدودیت‌های فراوانی داریم، با اینکه آمدن اینها وعدم رعایت موازین اسلامی و حجاب اسلامی و اینکه آنها در دانشگاه‌های ما حتی میتوانند خط‌هایی را بدهند، ما چه احتیاجی داریم که این جور در دانشگاه را باز بگذاریم که "هر که خواهی گویند و هر که خواهی گویند" گفته‌ایم اولاً این دانشگاهها پسرها را بپذیرد... این ماده آورده است که: دانشگاه اول اولویت را به پسرها میدهد، بعد از اینکه شعبه پسرانش دایر شد با قید میتواند دختر بپذیرد، آنهم دخترها را در رشته الهیات



که اگر دخترها آمدند ما اقل دلال مظلوم نشده باشیم. نماینده دیگری یکی از دلایل تبعیض بر علیه زنان را چنین توضیح داد:

"این محدودیت با توجه به واقع بینی و با توجه به هدف‌داری همه ما درست شده است. واقع بینی مسئله از این بابت که شما همین الان مشکلات مملکت را در جذب دختران در دانشگاه ببینید و مسئله خوابگاه اینرا خواهش میکنم بسک سری بزنید و ببینید چه جور این دخترانی را که در همین کنکور از شهرستانها بلند شدند و اینجا آمده‌اند در چه مسائل و مشکلاتی هستند و بعد مسئله محیط مختلطی را که همین الان مطرح است در دانشگاهها و بخصوص نداشتن معلم در دانشگاه برای دختران خودش مسئله است این آقایان خواهش میکنم که بکنگاهی اول به کلاسها بفرمایند بعد این را بفرمایند و بعد مسئله حجاب هم یک مسئله دیگر است. شما فکر نکنید که حال اینهایی را که از خارج وارد کشورمان میشوند، بمانند دختران ما به آن صورت خودشان را حفظ میکنند و از این قبیل... من فعلاً به عنوان هشدار عرض میکنم که اگر اجازه بدهید آقایان که این قسمت حذف بشود، خودبخود دانشگاه بین المللی اسلامی مختلط خواهیم داشت و در عوارض و مواجیش همه سهم خواهیم بود." (مذاکرات، جلسه ۱۵۵۶)

"وضع بد اسکان جنگ زدگان"

مقاتلی دزفولی: "وضع بد اسکان جنگ زدگان بخصوص در استان"

خوزستان نمیتواند بیننده را متاثر نکند و به فروش وادار سازد"

"یکی از مشکلات حوزه انتخاباتیه اینجانب علاوه بر جنگ که ساکنین آن را آواره شهرها و بیابانها کرده است، پدیده جنگ‌زدگی است که بعلل گوناگون از عواقب و آثار سو اسفبار آن غافل گشته‌ایم. آثار سو ناشی از اداره کردن جنگ - زدگان کشور نه تنها با هیچ‌دگرگونی قابل رفع نیست بلکه چندین نسل باید بگذرد تا وضع طبیعی خود را باز یابند."

"وضع بد اسکان جنگ زدگان بخصوص در استان خوزستان نمیتواند بیننده را متاثر نکند و به فروش وادار سازد. شهرک طالقانی در - سر بندر از مظالم بارز بنیاد جنگ زدگان است. در میان کپره‌های گلی و بوی تند فاضلاب که از همه طرف شهرک را احاطه کرده است همراه با تیش‌پشه و با تنها قوت لایموت. شهرک شهید رجایی یکی دیگر از حلبی آبادهای بنیاد جنگ زدگان است که در بیابان داغ نزدیک - ماهشهر مردمی مظلوم و فقیر را در خود جای داده است، و کمپها مظهر بیکاری و فساد و ناتوانی که بنیاد امور جنگ زدگان در آفرینش آن نقش دارد و شهرک وحدت در کنار شهرستان بهبهان هنوز هم مظهر چادر نشینی در گرمای داغ جنوب است و با این اسناد گویا کسی نیست از اینان بپرسد شما در عرض چهار سال با - صرف میلیاردها تومان بودجه بیت - المال کدامیک از مسائل اسکان و اشتغال را حل کرده‌اید؟ در دل شهر بوشهر به اردوگاهی سر زدم بنام دریایی که در آنجا جنگ زدگان در کثافت می‌پولیدند و سرپرست کل بنیاد که سری هم به آن زده بود تنها راه حل را تخریب اردوگاه و اشتغال ساکنینش به استان دیگر ارائه کرده است که ظاهراً این راه حل هم قابل پیاده شدن نیست." (مذاکرات مجلس، جلسه ۶۱۸، تاکیدا از ماستم.)

برخوردار است به علت گستردگی منطقه و استقرار مراکز ادارات، مراکز ادارات دولتی در شهرستانهای مجاور تلاش انجام امور اداری ساکنین منطقه عملاً غیرممکن و یا بدون صرف هزینه و اتلاف وقت زیاد میسر نمی شود. * (عرفانی، مذاکرات، جلسه

۶۲۲)

"۵۵ هزار معلم الان کمبود است"

آقای پرورش، وزیر سابق

آموزش و پرورش گفت:

"مشکلی که هست در رابطه با

کمبود لیسانس برای دوره دبیرستان است ... از استان باختران ۱۲۵۱

معلم و دبیر ما در مجموعه استان باختران کم داریم و این را

باید اینجا عرض کنم و به صراحت عرض میکنم به اعتبار تعطیل بودن

دانشگاهها چند سال و به اعتبار حقوق معلمین و لیسانسها بسیار

سطح پائین است مخصوصاً مزایایش و به اعتبار اینکه جذب مناطق محروم

نمی شوند لیسانسها به اعتبار اینک در وزارتخانه های دیگر یا

بخش خصوصی بهتر از آنها استقبال میکنند جذب آموزش و پرورش نمی شوند

و معلمین هم همینطور لذا مثلاً در خود آذربایجان غربی ۲۴۸۶ تا کمبود

داریم، در بخش فارس ۴۹۵۲ نفر کم داریم، در خود باختران عرض کردم

که ۱۲۵۱ معلم و دبیر کمبود هست که از این مجموعه فقط ۲۶۲

لیسانس در استان باختران که مورد بحثمان است، وجود دارد. در زنجان

۱۷۳۱ که این آمار خیلی زیاد است، در سال گذشته ۴۲۰ هزار دانش آموز

در مقطع ابتدایی اضافه ثبت نام کردند. اگر سال آینده فرزندان

انقلاب هم که بعد از انقلاب متولد شده اند بخواهند وارد مقطع ابتدایی

شوند که حتماً تعدادشان زیادتر است با بودجه ای که اختصاص داده شده،

به هیچ عنوان آموزش و پرورش



"درازا هر ۴ هزار نفر فقط یک پزشک وجود دارد"

است متأسفانه با وجودی که سکنیه

طالب به میزان ۲۴۰ هزار نفر تخمین

زده میشود سهمیه مایحتاج و کالاهای

اساسی بر مبنای ۱۸۰ هزار نفر

تعیین و توزیع میگردد که نتیجتاً

حدود ۶۰ هزار نفر از مردم این

ناحیه هر ماه از دریافت کالاهای

محروم میشوند. محرومیت در طالبش

بیداد می کند. اکثر روستاهای طالبش

فاقد آب آشامیدنی و برق و راههای

ارتباطی می باشند. به ازاء هر

۴۰ هزار اهالی طالبش فقط یک

پزشک وجود دارد. بخشهای بزرگی

عرفانی نماینده دیگر رژیم در مجلس

اسلامی گفت: فشار فزاینده تورم

و عدم تامین اجتماعی و اقتصادی

دهقانان و روستائیان و دامداران

زحمتکش این مرزوبوم را گمراخته و

دل و عشق و ایمان در راه خودکفایی

و بی نیازی کشور مسلمانان زحمت

می کشند، از هر طرف می فشارد هنوز

چنگل نشینان خطه بارور شمال از

داشتن گاشانه ای که با چوب چنگل

محل سکونتشان تهیه میشود محرومند

حال آنکه صدها درخت افتاده در حال

پوسیدن است و مقررات دست و پا گیر

اداری مانع از استفاده معقول

آنهاست.

"مشکلات و نارسایی ها در امر

توزیع عادلانه مایحتاج و کالاهای

موجود مورد نیاز طبقات محروم طالبش

به شکل چشمگیر و فزاینده ای نمودار

تظاهرات ضد رژیم

در تاریخ ۶۳/۷/۱۸ فرار بود که در میدان ورزشی امجدیه سابقه ورزشی بین دو تیم پرسپولیس و پارس انجام گیرد. قبل از آن دو تیم دیگر نیز سابقه داشتند. تعداد افرادی که برای تماشای سابقه رفته بودند، بیش از ظرفیت استادیوم میشوند. در مقطع شروع سابقه، جمع زیاد، بلندگو اعلام می‌کنند که امروز سابقه برگزار نمی‌شود و همین سابقه با بلیط مجانی در روز جمعه در استادیوم آزادی برگزار خواهد شد. بدنبال اعلام این خبر، جمعیت به خشم آمده، وارد زمین ورزشی میشوند و شروع به تخریب میکنند که برابر اخبار رسیده، معادل یک میلیون تومان خسارت وارد میکنند و از جمله شک‌های پرس را به آتش میکشند. مامورین آتش‌نشانی برای خاموش کردن آتش نقد ورود به استادیوم را داشتند که جمعیت مانع ورود آنها میشوند. سپاه و کمیته به کمک مامورین انتظامی می‌روند که گفته میشود سرهنگ جارا الهی، مسئول انتظامات به سپاه و کمیته اطلاع میدهد که اصلاً به صلاح نیست که آنها دخالت نمایند، چراکه درگیری میشود و جمعیت قابل کنترل نیست. بنا بر این سپاه و کمیته خود را کنار می‌کشند و شهرتانی که برای مدت کوتاهی سعی میکند نظم را برقرار کند، خود را قادر به این کار نمی‌بیند و کنار می‌کشد. جمعیت پس از دادن شعارهایی بر علیه مسئولین ورزشی، از استادیوم بیرون می‌آیند و به دسته‌های مختلف تقسیم میشوند و به راه پیمایی اعتراضی می‌پردازند. در ادامه این تظاهرات بود که تظاهرکنندگان شعارهای "مرگ بر پادشاه"، "مرگ بر خمینی" و "مرگ بر اسلام" سر دادند.

متر است و در این فاصله هم به شعاع این ۳۰ کیلومتر هیچگونه امکان تحصیلی دبیرستانی وجود ندارد. جمعیت این روستا هم حداقل با مهاجرین نزدیک ۳۰ هزار نفر است. من در نامه‌ام هم نوشته‌ام و حق من هست و حق مردم هم هست که بگوئیم این آقا بدون در نظر گرفتن حقوق مردم ... و بدون کوچکترین توجه و شناختی از مسائل اصلی مردم که فرهنگ و آموزش است و مخصوصاً این عزیزان محروم روستائی و جنگ‌زده آمده و بدون دلیل این دبیرستان را منحل کرده و در واقع ۹۰ استعداد را کشته ... این آقا آمده به بهانه‌ای که این مدارس و این دبستان‌ها و راهنمایی‌ها مختلط هستند و باید در جمهوری اسلامی دختر و پسر از هم جدا بشوند خواهر و برادرها را جدا کرده و خواهرها را در دو سه منطقه از تحصیل کردن محروم کرده است و این در شرایطی است که هیچ گونه امکانی، کوچکترین قدمی برای ادامه تحصیل و یا تحصیل اینها بر نداشته و صرفاً طرف قطع و نابودی آنها را در نظر گرفته است. (لطیف صفری، مذاکرات، جلسه ۱۰۶۱۰)



پاسنگوی نیازی که هست، نخواهد بود. برای اینکه اعتبار توسعه در سال ۶۱، ۱۲ میلیارد بود و در سال ۶۲ نه و نیم میلیارد و امسال که سال ۶۳ هست ۵/۵ میلیارد اعتبار طرح توسعه وزارت آموزش و پرورش است. با وجود این اعتباری که تقریباً نصف شده نسبت به سال قبل و سال ۶۱ و با وجود این استقبالی که عرض کردم جوابگو نیستیم. مخصوصاً برای دوره دبیرستان لیسانس بهیچ‌عنوان جذب نمیشود، حقوق‌ها خیلی خیلی پائین است ... الان در خود تهران برادران عزیز ما مدرسه به توبه داریم و این هم به این صورت شرمندگی است که من بخواهم توضیح بدهم ... کمبود دبیر و کمیبود لیسانس باید به جرئت عرض کنم طبق برآورد و آماری که گرفته شده ۵۰ هزار معلم الان کمبود هست.

در جمهوری اسلامی دختر و پسر

با پیدا ز هم جدا شوند

لطیف صفری، یکی از نمایندگان رژیم در مجلس گفت:

"دبیرستان گواور متعلق به ۴۴ روستا است به اضافه یک اردوگاه که در آنجا مهاجرین عزیز جنگ تحصیلی شهرستان گیلانغرب و قصرشیرین و ... سرپل نهاب حدود بیست و سه سال است که ساکن هستند، محلیتی که در این دبیرستان در آغاز سال تحصیلی اسم نوشته‌اند که اینجا صورتجلسه والدین و شورای اسلامی چند تا از روستا‌ها هست ۹۰ نفر برای سال دوم دبیرستان بوده‌اند. سال قبل همین دانش‌آموزان در همان دبیرستان درس خوانده‌اند که هم از نظر جا و هم از نظر امکانات تحصیلی حداقلی که بوده دست‌کم‌ش این بوده که اینها راضی بودند و از محروم بودن از تحصیل مبرا بودند و حداقل توانستند ادامه تحصیل بدهند و استعدادشان نمیرد. فاصله این دبیرستان تا اسلام‌آباد ۳۰ کیلومتر و تا گیلانغرب ۸۰ کیلومتر

Kurds in Netherlands seize Iranian embassy

THE HAGUE, Netherlands (UPI) — Twenty invaders, believed to be Kurdish separatists, seized the Iranian embassy here today.

Ambassadeur Iran weer aan hoofd gewond bij bezetting

De ambassadeur van Iran is gisteren gewond bij de bezetting van de ambassade in Den Haag door Koerden. Ze raakten de ambassadeur, die gewond werd, en de ambassadeur.

Iranian envoy to Netherlands hurt

THE HAGUE, September 27 (AFP) — The Iranian ambassador to the Netherlands, Mr Hossein Taghva, was slightly injured when a group of 20 Kurds occupied the embassy today for 10 minutes.

THE TORONTO STAR

Guerrilla theatre: Opponents in Canada of Ayatollah Khomeini's five-year rule in Iran conducted a mock execution at Bloor and Yonge Sts. during lunchtime yesterday to give their version of the domestic politics of Iran. The protesters portrayed an Iranian soldier killing a countryman.

Iranian students demonstrate against the five-year rule of Ayatollah Khomeini in the city of Toronto.

Iranian students demonstrate against the five-year rule of Ayatollah Khomeini

A group of Iranian students belonging to the Iranian Students Organisation (ISO) demonstrated in New Delhi on Thursday to protest against the allegedly anti-Kurds policy of the Iranian government.

Iranian students demonstrate against the five-year rule of Ayatollah Khomeini

Members of the Iranian Students Organisation in India demonstrated outside the Iranian embassy on Thursday in observation of worldwide protest day against the suppression of Kurdish people in Iran.

Iranian students demonstrate against the five-year rule of Ayatollah Khomeini

Young Iranians are also leaving the country in increasing numbers to avoid fighting in the war with Iraq that has claimed the lives of 100,000 Iranians.

Mock killing protest against Khomeini rule

Opponents of the five-year rule of Ayatollah Khomeini in Iran conducted a mock execution at Bloor and Yonge Sts. during lunchtime yesterday to give their version of the domestic politics of Iran. The protesters portrayed an Iranian soldier killing a countryman.

Iranian students demonstrate against the five-year rule of Ayatollah Khomeini

Members of the Iranian Students Organisation in India demonstrated outside the Iranian embassy on Thursday in observation of worldwide protest day against the suppression of Kurdish people in Iran.

Paris police cut Kurds from chains

A GROUP of Iranian Kurds chained themselves to the iron railings outside the Unesco building in Paris yesterday, where the Executive Board is discussing democracy, peace and human dignity.

Iranian students demonstrate against the five-year rule of Ayatollah Khomeini

Young Iranians are also leaving the country in increasing numbers to avoid fighting in the war with Iraq that has claimed the lives of 100,000 Iranians.

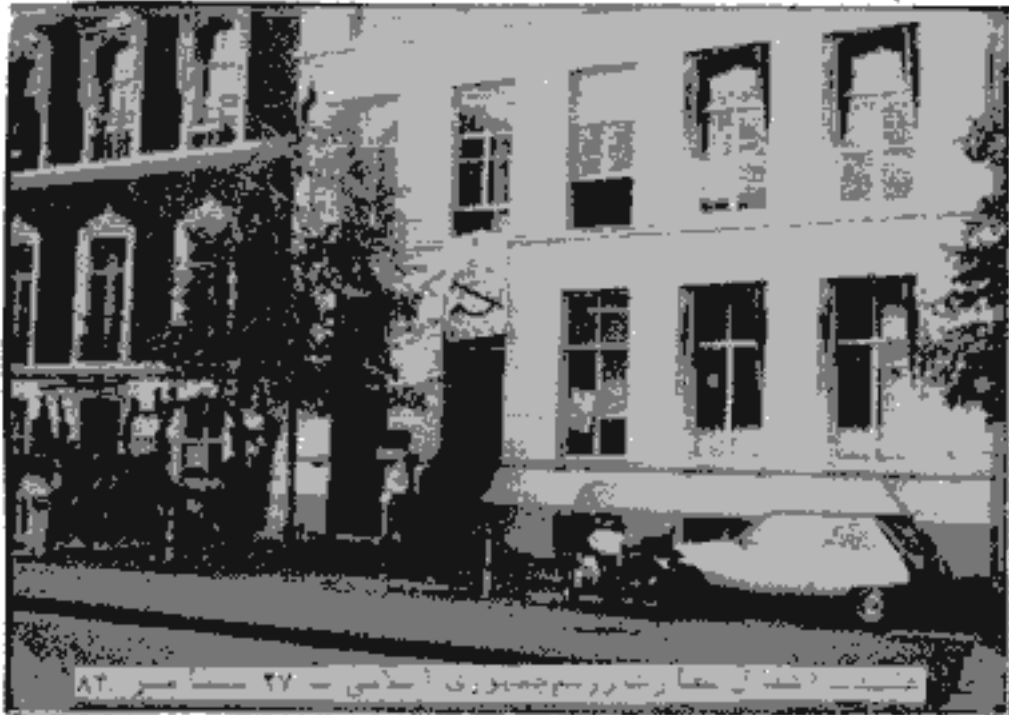


آکسیون سراسری در اعتراض به تخلیه و تخریب روستاهای کردستان

هند

تظاهرات گسترده علیه رژیم

روز ۲۷ سپتامبر در اعتراض به مسئله کوچ اجباری در کردستان، از طرف سازمان دانشجویان ایرانی در هند، هوادار سنجها، تظاهرات چشمگیری برپا گردید که مورد استقبال وسیع توده های هندی قرار گرفت. گزارش کامل این آکسیون در نشریه جهان شماره ۲۴ آمده است. در این تظاهرات تمامی شرکت کنندگان بلوز و ماسک سرخ رنگ پوشیده و پلاکاردهای سرخی را که حاوی شعارها و طرحهای متفاوتی در مورد وضعیت کردستان و ایران بودو به رنگهای سفید و سیاه مزین گشته بود، حمل میکردند و سه تن از رفقا که ملبس به لباس کردی و طناب پیچ شده بودند بعنوان سمبل مبارزینی که در کردستان بدست جلادان رژیم منحور جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده میشوند، در جلو صف تظاهرات حرکت میکردند. بگرتگی لباس و ماسک و پلاکاردها و حمل طرحهایی از اعدام دسته جمعی انقلابیون، همچنین صحنه زنده اعدام مبارزین کرد، همگی زیبایی و نمایی خاص به تظاهرات داده و موجب



کندال عمارت در روم جمهوری اسلامی - ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۲

پیام

همبستگی با رفقای مبارز در هند

رفقای مبارز

درودهای رفیقات ما به شما که با حرکت انقلابی خود، یکبار دیگر در افشای هرچه بیشتر جنایات متعدد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، برگ افتخار آزادی دیگری به تاریخ جنبش دانشجویی خارج از کشور، اضافه نمودید و رزمندگیتان بار دیگر نشان دهنده همبستگی جنبش دانشجویی خارج از کشور با مبارزات طبقه کارگر و خلق های قهرمان ایران میباشد. شما در شرایطی به چنین حرکتی دست میزنید که مبارزه و مقاومت همه جاتیه در سراسر ایران و بویژه کردستان قهرمان بر علیه رژیم فداکاری و نمدخلی جمهوری اسلامی جریان دارد و حرکت شما رفقا دقیقاً منطبق بر مبارزات تعرضی و اوج یافته درون کشور صورت میگیرد. در شرایطی شما آوای سرخ طبقه کارگر ایران و سازمان پراغتمدار چریکهای فدائی خلق ایران را به گوش جهانیان میرسانید که بسیاری از نیروها و عناصر سیاسی در خارج، به ورطه انفعال و پاس کنیده شده اند. برخی نیز در جهت نزدیکی با امپریالیسم جهانی و گرفتن پیام از کوری هارت ها و کندیها، اصولاً مدتهاست که از هرگونه عمل مبارزاتی و انقلابی فاصله گرفته اند. آری در چنین شرایطی است که سرود همبستگیان با طبقه کارگر ایران باعث دلگرمی ما و عز ایرانی حامی انقلاب میگردد. شما رفقای رزنده، با اعتصاب غذا در زندان با زهم نشان دادید که چگونه میشود از هر سنگری برای مبارزه انقلابی و افشای بیشتر جنایات رژیم جمهوری اسلامی و متحدین امپریالیستی آن سود جست. ما بدینوسیله یکبار دیگر اعلام میکنیم که مبارزه خود را در کنار شما، بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی و همچنین برای افشای زودبشدهای رژیم اسلامی ایران با امپریالیست ها ادامه می دهیم.

اتحاد - مبارزه - پیروزی

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق مستعکثر باد پیوند دانشجویی خارج از کشور با مبارزات طبقه کارگر و خلقهای سراسر ایران سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۱ اکتبر ۱۹۸۲



کنجکای و ازدحام عاچرین و تمرکز ترافیک در طول مسیر تظاهرات گشت در تمام مدت تظاهرات شعارهاستی در حمایت و همبستگی با مبارزات دلاورانه خلق کرد، در اعتراض به قتل عام مردم مبارز کردستان و انقلابیون سراسر ایران، در محکومیت رژیم مغفور جمهوری اسلامی و امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا به زبانهای انگلیسی و هندی طنین افکن بود.

هزاران اعلامیه که در محکومیت رژیم و بمناسبة این آکسیون تهیه شده بود، بین مردمی که مشتاقانه خواهان اعلامیه و شاهد تظاهرات بودند، توزیع گردید. ■



مصاحبه رادیوئی

اطریش - وین

گزارش مصاحبه رادیوئی یکسای از هواداران سچفا در وین - اطریش

در بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۷ سپتامبر (روز برگزاری آکسیون سراسری هواداران سچفا در اعتراض به سیاست ارتجاعی اخیر رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر کوچ اجباری زحمتکش کردستان) از سوی یکی از ایستگاههای اصلی رادیوئی اطریش ORF با سازمان دانشجویان ایرانی در وین - اطریشی هوادار سچفا تماس گرفته شد و دعوتی مبنی بر مصاحبه‌ای پیرامون وضع سیاسی - اجتماعی ایران و موقعیت جوانان در ایران بعمل آمد. در مصاحبه‌ای که یکی از رفقهای هوادار با این ایستگاه رادیوئی انجام داد، سیاست‌های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با بسته شدن دانشگاهها (انهدام فرهنگی) کنترل در مدارس و سایر مراکز

عمله چند تروریست به سفارت ایران در هلند

شبه ۲ مهر - ۲۹ سپتمبر
گروهی از ضد انقلابیون ایران و هلند تاجر با گذارده تروریست در یک انفجار وحشیانه صبح پنجشنبه به سفارت جمهوری اسلامی ایران در هلند حمله کرده و ضمن مجروح کردن دو تن تاجرگردون، سفیر جمهوری اسلامی ایران در لاهه مقادیری از مدارک و اسناد سفارت ایران را از بین بردند. بگزارش خبرگزاری‌ها از لاهه تعدادی از ضد انقلابیون در لندن نقد کردند و این بار نیز تعدادی دیگر از چکها و همچنین کارتهای شناسایی را دزدیدند. مدارک و جزوات سفارت را از حسین تاجرگردون را از ناحیه سرزخمی کردند. در جریان مقاومت در مقابل حمله وحشیانه ضدانقلابیون دو تن از کارمندان سفارت نیز به طور سطحی جراحتی برداشتند. براساس اشغال کنندگان را دستگیر این گزارش حسین تاجرگردون پس از زدن هوا بر سر وی از بیمارستان مرخص شده

تعدادی چک را به سرقت برده و در لندن نقد کردند و این بار نیز تعدادی دیگر از چکها و همچنین کارتهای شناسایی را دزدیدند. مدارک و جزوات سفارت را از حسین تاجرگردون را از ناحیه سرزخمی کردند. در جریان مقاومت در مقابل حمله وحشیانه ضدانقلابیون دو تن از کارمندان سفارت نیز به طور سطحی جراحتی برداشتند. براساس اشغال کنندگان را دستگیر این گزارش حسین تاجرگردون پس از زدن هوا بر سر وی از بیمارستان مرخص شده

تلف از وقوع این حادثه اعمال خشونت علیه سفارت ایران را بهمارستان در گفتگویی با خبرنگاران گفت: در پی این حادثه نگران سلامتی کارکنان سفارت ایران و خانواده‌های آنان را جهت تامین امنیت جانی در هلند می‌باشد. وی گفت اگر کارکنان سفارت ایران بعمل دولت هلند نتواند امنیت سفارت را تامین کند سفارت ایران قادر به فعالیت نخواهد بود. سفیر منظور انجام تجمیرات و منظم ایران تاکید کرد این مسئله کردن امور تعطیل شده است



FRIDAY, SEPTEMBER 28, 1984



تورنتو

Michael Peake, Sun

IRANIANS PROTEST WITH MOCK FIRING SQUAD

About 30 members of Metro's Iranian Students Association staged a mock firing squad yesterday to demonstrate what they said "has happened to 30,000 Iranians in Ayatollah Khomeini's pris-

ons." The protest at Yonge and Bloor Sts. coincided with world-wide demonstrations in support of the Iranian People's Fedaii Guerrillas, a resistance movement supporting Kurdish rebels.

دیروز حدود ۳۰ نفر از اعضای انجمن دانشجویان ایرانی در مقرو (تورنتو) طی یک نمایش اعدام، چگونگی آنچه بر سر ۳۰۰۰۰ ایرانی در زندانهای خمینی آمده است را نشان دادند. این نمایش اعتراضی در خیابانهای یونج و بلور، همراه بود با تظاهرات سرتاسری در دنیا که به حمایت از چریکهای فدایی خلق ایران، حامی جنبش مقاومت کردها، صورت گرفت. (ترجمه متن روزنامه)



تورنتو

حمایت نیروها و شخصیت های داخلی و بین المللی از خواست آزادی رفقای دربند

فرانسه - پاریس

بدنبال آکسیون سراسری ۲۷ سپتامبر و دستگیری ۱۹ تن از رفقا در هلند، انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه، هوادار سجعاً درممد برآمد تا با همکاری و جلب حمایت سازمانها نیروها و شخصیت های برجسته ایرانی و فرانسوی به حکومت هلند فشار آورده تا هرچه زودتر رفقها را از زندانهای هلند آزاد شوند. بدین جهت فعالیت های خود را در دو بخش دفاعی و تبلیغی متمرکز نمودند.

در بخش دفاعی، هدف افشاء اعمال رژیم در کردستان و فشار آوردن از هر طریق ممکن بر روی مقامات هلندی بمنظور آزادی رفقای دربند بود. بدین جهت متنی که شامل توضیحاتی پیرامون کوچ اجباری روستائیان کرد و ستمی که بر خلق کرد اعمال شده و سپس مسئله اسارت رفقها در هلند و آزادی زنان را مطرح می نمود، تهیه شد. متن فوق مورد تأیید بسیاری از شخصیت ها و چهره های معروف فرانسوی از قبیل خانم میش بودیلار، یکی از شخصیت های معروف فرانسوی که بمنظور دفاع از استقلال الجزایر در جنگ فرانسه و الجزایر به زندان افتاد، کلود بورده، یکی از چهره های سرشناس جنبش مقاومت فرانسه، علی سبسی، یکی از وکلای مشهور مرسر - فرانسوی که با بسیاری از جنبش های جهانی همکاری می نماید و بسیاری دیگر از وکلا، استادان، محققان، خبرنگاران قرار گرفت. آنها با ارسال پیام ها و تلگراف های متعدد به نخست وزیر هلند، و سفیر هلند در فرانسه، همبستگی و حمایت خود را با رفقای دربند و محکوم نمودن رژیم جمهوری اسلامی اعلام نموده و آزادی زنان را خواستار گردیدند.

همچنین بسیاری از نیروهای سیاسی و شخصیت های ایرانی نیز ضمن محکوم نمودن رژیم خواستار آزادی رفقای دربند شدند.

اعتراض جمعی

در مقابل سفارت هلند

روز دوشنبه ۸ اکتبر، هواداران سازمان با تئنی چند از هواداران - کومه له در مقابل سفارت هلند تجمع کرده و شروع به افشاء سیاست های رژیم در کردستان و خواهان آزادی رفقای دربند در هلند گردیدند. بهمین منظور ۲ تن از رفقای هوادار بسسه ملاقات سفیر هلند رفته و ضمن اعتراض به بازداشت رفقها در هلند متن های امضاء شده اعتراضی را در اختیار سفیر قرار دادند. در این رابطه سفیر هلند به اتفاق دیگر همکارانش بسسه

محل تجمع رفقا در مقابل سفارتخانه آمده و از نزدیک سئوالاتی در مورد وضعیت کردستان و شعارها جویندا گردید که پاسخ های لازم داده شد. سفیر هلند همچنین پذیرفت که متن اعتراضی و درخواست آزادی دانشجویان زندانی را به دولت هلند مخابره کرده و نتایج آنرا در اسرع وقت به رفقای نماینده گزارش نماید.

در ادامه همین حرکت، گروه های ملی های مشابهی در شهرهای لیسل و استراسبورگ در مقابل دفاتر و کنسولگری هلند برگزار گردید که در مجموع به صورت یک حرکت همه جانبه، فشار فزاینده ملاحظه ای را بر دولت هلند اعمال نمود.

تحصن

در دفتر عفو بین الملل

در روز ۱۷ اکتبر، با دریافت خبری مبنی بر وخامت حال یکی از اعتصاب کنندگان غذا در زندان، تعدادی از رفقای هوادار وارد دفتر عفو بین الملل گردیدند و با نصب پلاکاردها و شعارها، خواهان آزادی رفقای دربند گردیده و اعلام نمودند که هم اکنون جان یکی از آنها در معرض خطر قرار دارد و بهمین دلیل آنان خواهان رساندن صدای رفقای دربند بگوش افکار عمومی و مساحبه با خبرگزاری ها و کنفرانس های مطبوعاتی در محل دفتر می باشند.

مسئولین دفتر عفو بین المللی که از انجام کوچک ترین اقدامات انسانی در قبال افراد زندانی با توجه اینکه "دفتر تصمیم گیرنده عفو بین الملل در لندن است، و آنها هیچ اقدامی در این زمینه نمی توانند انجام دهند"، سعی در ظفره رفتن نمودند اما وقتی با تصمیم اعتصاب غذای رفقها در صورت عدم تحقق این خواستها در آن مکان روبرو گردیدند با خبرگزاری های مختلف تماس گرفتند و در نتیجه A.F.P. (آژانس فرانس - پرسی) علل و انگیزه این حرکت و برگزار کنندگان آنرا به تمام خبرگزاری ها جهان تلکس نمود و رفقها موفق گردیدند با خبرنگار خبرگزاری آسوشیتد پرس که در محل حاضر شده بود در این زمینه به مساحبه بپردازند. آکسیون در ساعت ۶/۵ با موفقیت با تمام رسید و رفقا دفتر را ترک نمودند. در طی این آکسیون، تعداد زیادی اعلامیه توضیحی و گارت پستال - هائی بزبان فرانسوی خطاب به وزیر و سفیر هلند مبنی بر درخواست آزادی زندانیان در اختیار مردم قرار گرفت که به نظامی سفارتخانه هلند در فرانسه و به وزارت امور خارجه هلند ارسال می گردید.

متن امضاء شده توسط

شخصیت های بین المللی

۹ اکتبر ۱۹۸۴

حدود ۵ سال است که رژیم جمهوری اسلامی جنگی خونین را به خلق کرد تحمیل کرده است. سیاست جدید رژیم در رابطه با کردستان اکنون عبارت است از ویران نمودن روستاها و وادار کردن اهالی به کوچ به نقاط دیگر از ایران. بر علیه چنین سیاست جنایتکارانه ای، هواداران سازمان چریک های فدائی خلق ایران در روز ۱۷ سپتامبر اقدام به انجام یک آکسیون سراسری از جمله به زنجیر کشیدن خود در مقابل مراکز جمهوری اسلامی و دفاتر سازمانهای حقوق بشر بین المللی، تظاهرات و غیره در چندین کشور دنیا نمودند.

در هلند، بدنبال اشغال سفارت جمهوری اسلامی توسط هواداران سازمان پلیس هلند ۱۹ نفر از دانشجویان را دستگیر نموده است. بدنبال آن، کاردار کنسولگری هلند در ایران بوسیله وزیر امور خارجه ایران احضار گردید و از او خواسته شد که دانشجویان را مجازات و یا حتی به ایران برگرداند.

با در نظر گرفتن سیاسی بودن این عمل، ما امضاء کنندگان زیر از مقامات هلند خواستاریم که در مقابل شانقاژ و فشار رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تمکین نکرده و همچنین خواستار آزادی فوری این دانشجویان می باشیم.

انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه، هوادار سازمان چریک های فدائی خلق ایران،

هواداران سابق پیکار،

چریک های فدائی خلق ایران،

حزب دمکرات کردستان ایران،

هواداران وحدت کمونیستی،

لوتی آدام،

میشل بوویلا، وکیل

اوگت فازه، هنرپیشه

پیرالیا، مورخ

آلبر پل لانتن، روزنامه نگار،

گرستاو ماسیا

کلود پرو

ژنرل ره بول

کریستیان توتن

مارک ووا، نویسنده و روزنامه نگار

CEDEFIM

- انجمن دانشمویان کردستان در خارج (بخش فرانسه)
- دوستی فرانسه - شیلی
- انجمن کارگران ترکیه A. T. T.
- انترناسیونال چهار (مرکز بین المللی با سازی)
- حزب کارگران کورستان P. K. K.



۸ اکتبر ۱۹۸۴

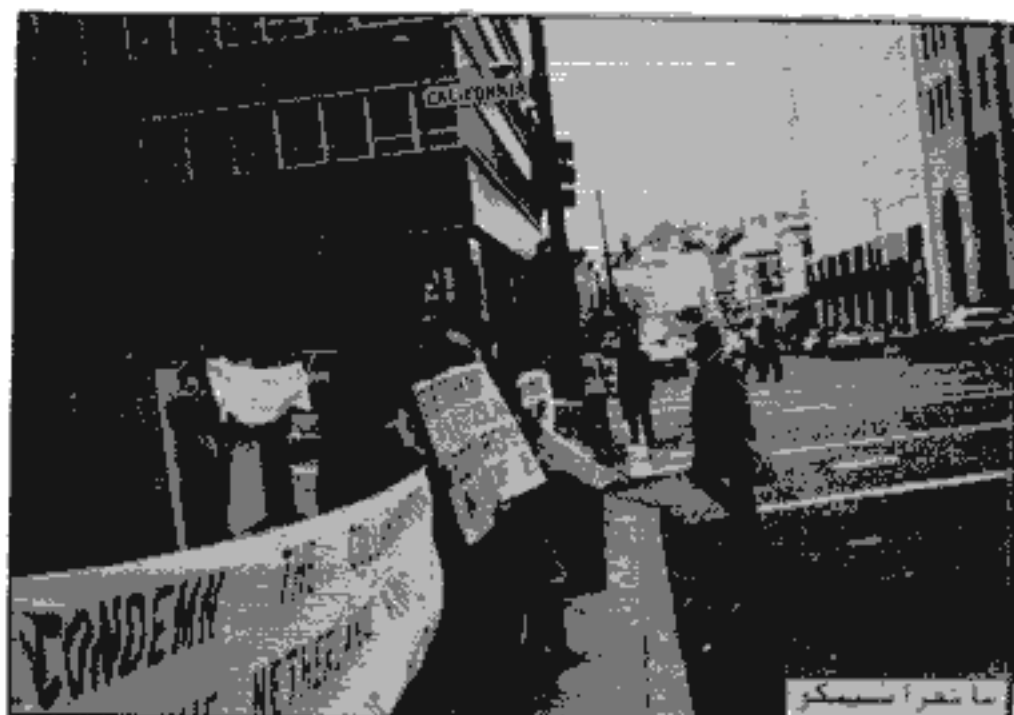
قابل توجه وزیر دادگستری

آقای وزیر،

محترمانه از دادگاهی که در روز دهم اکتبر ۸۴، نوزده ایرانی را محاکمه میکنند که به تاریخ ۲۷ سپتامبر ۸۴ بمنظور اعتراض علیه کشتار و تبعید روستاکیان کرد سفارت ایران را به اشغال خود درآوردند، تقاضا داریم که مورد ایشان را طبق سنیسن دمکراتیک با دقت و ادراک کامل مورد مطالعه قرار دهند، و بدون محکومیت آزادی به ایشان برگردانده شود. هدف آنها مشوش کردن وضع عمومی هلند نبوده است، بلکه آنها قربانیان دیگلتا توری همینی میباشند که وی - میتواند مسبب یک فاجعه جهانی گردد.

آقای وزیر، خواهشمندیم موارد احترامات بی شائبه ما را بپذیرید.

- میشل بوریلار، وکیل پاریس
- کلود بورده، چهره سرشناس جنبش مقاومت فرانسه
- فرانسواز کوتاه، وکیل پاریس
- روبرت داووزی، کشیش
- هوکت فازه، هنرپیشه
- پیر آلیا، تاریخ شناس
- آلبرت پیل لاتسن، روزنامه نگار
- علی سیلی، وکیل پاریس
- ماری فرانس شیدلن، وکیل پاریس
- لوسن میثولن، رئیس انجمن دوستی فرانسه - عرب
- زرمین تیون، مدیر مدرسه تحصیلات عالی علوم اجتماعی
- اوبرت ژاپو، وکیل پاریس
- ژان آدن، مهندس
- پیر آندره او، خبرنگار
- روبرت ویال، خبرنگار
- سرژ دومو، عضو دفتر انجمن دوستی فرانسه - عرب
- فیلیپ دوما، استاد دانشگاه مونپلیه
- پیر دشیمکر، کشیش
- موریس بوئن، وکیل پاریس
- ژان رابینو ویچی، روزنامه نگار
- ژرار گد فردا، خزانه دار انجمن دوستی فرانسه - عرب
- ژان پل شانپولو، استاد دانشگاه نانسی
- کلودین رومه او، استاد فلسفه دانشگاه پاریس
- هانری لوسل، استاد دانشگاه پاریس
- ژان فیلیپ میلری، رئیس انتشارات



سانفرانسیسکو

آکسیونهای مختلف جهت آزادی

رفقای دربند

سانفرانسیسکو

جمعه ۲۷ اکتبر ۸۴

نیورک

اعتراض در دفتر "حقوق بشر"

چهارشنبه ۱۵ اکتبر در این روز عده ای از هواداران به دفتر کمیسیون حقوق بشر در سازمان ملل رفته و با مقامات این کمیسیون به گفتگو و تشریح اوضاع دانشجویان زندانی در هلند پرداختند. مسئولین حقوق بشر در نیویورک قول رسیدگی و همکاری برای آزادی رفقا را اعلام داشته و همچنین خواستار تماس های بیشتر و اطلاعات جدیدتری در مورد دانشجویان زندانی شدند.

اعتراض

در دفتر عفوبینا لملل

۵شنبه ۱۶ اکتبر

در ساعت ۱ بعدازظهر این روز گروهی از هواداران سچفا به مقر دفتر سازمان عفو بین الملل در نیویورک رفته و خواستار صحبت با مقامات این سازمان گشتند. سپس مسئولین اجرایی عفو بین الملل در آمریکا، به همراه دیگر مسئولین با هواداران سازمان به صحبت پرداخته، در طی این گفتگو ابتدا اوضاع ایران، بویژه سیاست های اخیر رژیم در کردستان که آکسیون تسخیر سفارت در ارتباط با آن انجام گرفت، تشریح گشته، سپس توضیحاتی در مورد رفتار غیر انسانی مقامات هلندی با دانشجویان زندانی ارائه شد و درخواست گردید که عفو بین الملل بلافاصله به مسئله رسیدگی و برای آزادی رفقا همکاری نماید. مسئولین این سازمان نیز قول همکاری داده و بلافاصله تلکس را به مرکز خود در لندن مخایره و خواهان فعالیت برای آزادی هواداران سچفا از زندانهای هلند گشتند.

در پی دستگیری و اعتصاب غذای رفقای رزمنده در هلند، هواداران سچفا در شمال کالیفرنیا، در مقابل کنسولگری هلند در شهر سانفرانسیسکو اقدام به برگزاری تظاهرات ایستاده ای کردند. تظاهرات از ساعت ۱۲ بعدازظهر شروع شد. رفقا با همراه داشتن شعار، قطعنامه ای مبنی بر درخواست آزادی رفقای دربند را - به تعداد زیادی در میان حاضرین پخش کردند.

در ساعت ۲ بعدازظهر، یک نفر از رفقا بعنوان نماینده با سر کنسول هلند ملاقات نمود. در این ملاقات که ۴۵ دقیقه بطول انجامید، از طرف رفیق نماینده نکات زیر مطرح گشت:

- بیاضیه تظاهرات که بزرگان انگلیسی نوشته شده بود، تسلیم سرکنسول گردید.

- درخواست هواداران سازمان شمال کالیفرنیا مبنی بر آزادی رفقای دربند و نگرانی آنها در رابطه با سلامتی رفقا (اعتصاب غذا) در زندان شفاها اظهار گشت.

- در پایان اظهار شد که با توجه به جو خفقان و مسئله جنگ ایران و عراق، ایرانیان خارج از کشور مایلند نقض حقوق بشر و آزادی های دمکراتیک در ایران را بهر طریق ممکن به گوش جهانیان برسانند.

سرکنسول هلند در مقابل حاضر به اجرای مفاد زیر گشت:

(۱) ارسال بیاضیه رفقا به وزارت امور خارجه هلند،

(۲) ارسال تلگرافی با مضمون خواست رفقا مبنی بر آزادی رفقای دربند به دولت هلند.

اعتراض

در مقابل کنسولگری هلند

جمعه ۲۶ اکتبر

مدهای از هواداران سازمان در این روز در مقابل کنسولگری هلند در نیویورک اجتماع نموده و سپس نمایندگان انجمن و "جبهه همبستگی بین المللی در دفاع از حقوق دموکراتیک مردم ایران" خواهان ملاقات با سرکنسول هلند گشتند که با پاسخ مثبت مقامات هلند مواجه شد. در این دیدار علاوه بر سرکنسول هلند در نیویورک، وابسته مطبوعاتی این کشور نیز حضور داشت. ابتدا جناب آقای رژیم در ایران، بویژه در کردستان و مسئله کوچ اجباری روستائیان کرد که تسخیر سفارت در این ارتباط انجام گرفته، شرح داده شد، سپس رفتن غیرانسانی مقامات هلند و پلیس زندان و اعتصاب غذای رفقای زندانی تشریح گشت و از مقامات هلندی توضیحاتی در این مورد خواسته شد. مقامات سعی به ارائه پاسخهای دیپلماتیک نمودند ولی در پایان نمایندگان اعلام داشتند که برای آزادی هواداران سچفا در هلند، از هیچگونه کوششی فروگذار نخواهند کرد. همچنین در طی این دیدار و بنا به اعتراف سرکنسول هلند مشخص شد که رژیم جمهوری اسلامی به طرق مختلف فشارهای زیادی را بر دولت هلند، بویژه دادگستری این کشور اعمال کرده است. همچنین علاوه بر فعالیت های فوق، انتشار اعلامیه بزبان انگلیسی، ارسال تلگرام و تلکس، و تماس تلفنی با سفارت هلند در واشنگتن و کنسولگری این کشور در نیویورک از فعالیت های انجام شده بوده است. □

آکسیونهای مختلف جهت

آزادسازی رفقای دربند

لس آنجلس

فعالیت جهت آزاد سازی رفقای مبارزان در هلند

هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در لس آنجلس در پی دستگیری دانشجویان مبارز در هلند، اقدامات زیر را جهت آزاد سازی رفقا بعمل آوردند. در روز دوشنبه اول اکتبر به کنسولگری هلند مراجعه شد و ضمن افشای رژیم جمهوری اسلامی، حرکت کشور هلند مورد اعتراض قرار گرفت و از کنسول خواسته شد تا مراتب ناراضی و نگرانی ایرانیان مقیم لس آنجلس به دولت هلند اطلاع گردد.

در طول هفته رفقا با تلفتهای متوالی و ارسال تلگرام به کنسولگری و سفارت، خواستار آزادی رفقا شدند. همچنین به دفتر عضو بین المللی مراجعه شد و از طریق این دفتر، تلگرامی به دادستان مربوطه، آقای هلپتوس (Holthuis) و وزیر دادگستری آقای کورتالس (Korthals) ارسال شد.

در روز دوشنبه ۸ اکتبر، با شروع اعتصاب غذای رفقا در هلند، نظاهراتی ایستاده به همراه نمایندگان عکس از جنازات رژیم در کردستان، در مقابل کنسولگری برگزار گردید که گزارش آن به خبرگزاری ها مخابره شد و در روزنامه (LA Opinion) اسپانیایی زبان این شهر نیز مندرج شد. از روز هشتم اکتبر، جمع آوری امضا و ارسال نامه آغاز گردید. از روز چهارشنبه ۱۷ اکتبر، هر روز در مقابل کنسولگری هلند در لس آنجلس نمايشگاه عکس از جنایات

رژیم در کردستان و شعارهای بزرگ پارچه‌ای در دفاع از مبارزات خلق کرد و همچنین شعارهایی مبنی بر "رفقای ما را آزاد کنید"، گذاشته شد و هر روز صدها اعلامیه پخش شده و از عابرین امضا جمع آوری - گردید که در پایان روز یک نسخه آن به کنسولگری داده میشد. □

هند

دومین سالگرد شهادت رفیق عبدالامیر اهدار

بگذار بذر تیر
چون جنگلی بروید در آفتاب خون
فریاد گر شود
این بذرها به خاک نمی ماند
در قلب خاک می شکفتد چون برق
روی فلات میگذرد چون رعد
خوناست و ماندگار است.

به مناسبت دومین سالگرد شهادت رفیق عبدالامیر اهدار، هوادار سازمان پیکار (جناح انقلابی) و عضو انجمن دانشجویان ایرانی مقیم بنگلور، مراسم یادبودی از سوی این انجمن برگزار گردید. شرکت کننده کثیری از دانشجویان مبارز و مترقی در این مراسم، مشت محکمی بود بر دهان ارتجاع و زبوناں حامی آن. در این برنامه که زیر بارندگی شدید و بر مزار شهید اجرا گردید، به پاس احترام تمامی شهدای خلق، یک دقیقه سکوت اعلام و سپس شرحی کوتاه از زندگی او و مقاله‌ای در جهت افشای سیاست های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی قرائت شد. در ضمن برنامه، اشعاری از شعرای مترقی توسط رفقای شرکت کننده خوانده شد و در پایان پیام هواداران سابق پیکار، هواداران چریکهای فدایی خلق، انجمن دانشجویان مسلمان و سازمان دانشجویان ایرانی در هند، هوادار سچفا، بر پایه شعار اتحاد - مبارزه - پیروزی، با پخش چندین هزار اعلامیه انگلیسی و اطلاعاتی مطبوعاتی به روزنامه های محلی در تمامی این برنامه شرکت فعال داشت. ضمناً بهمن مناسبت، ارسوی سازمان دانشجویان ایرانی در هند، بیش از ۷۵۰۰ اعلامیه بزبان انگلیسی در شهرهای پونا، بمبئی، گانپور، میسور، جلیپور، حیدرآباد، روتک، دهلی، پوینال و ایندور بین نیروها، دانشجویان و توده های مشتاق توزیع گردید. □



شب همبستگی با خلق کرد

لوس آنجلس

برگزاری شب همبستگی با خلق کرد بمنظور اعلام همبستگی با خلق قهرمانی کرده و اعتراض به جنایات بیشمار رژیم جمهوری اسلامی، بویژه در رابطه با سیاست ارتجاعی کوچک روستا ثیان، پس از انجام موفقیت آمیز برنامه سراسری هواداران در اکتوبر جهان، و از جمله اشغال سفارت رژیم در هلند، هواداران سازمان در شهر لوس آنجلس علاوه بر شرکت در برنامه سراسری و انجام تحسن در محل سازمان عفوبین الملل و تظاهرات و پیکت لاین، برنامه‌های تحت عنوان شب همبستگی با خلق کرد در تاریخ ۱۲ اکتوبر ۸۴ برگزار نمودند. این برنامه که با استقبال هموطنان مبارز روبرو گردید با موفقیت کامل برگزار شد. در رابطه با کوچک روستا ثیان توسط رژیم سخنرانی درباره زمینه تاریخی این سیاست و هدف کنونی رژیم برای پراکنده نمودن خلق مبارز کرد ایراد گردید. علاوه بر سخنرانی، برنامه‌های هنری متنوع دیگری از جمله برنامه نمایش اسلاید از وضع زندگی زحمتکشان کرد و برنامه‌های موسیقی و دکلمه اجرا گردید. همچنین فیلمی مستند از وضع مبارزات خلق کرد و حملات وحشیانه مزدوران رژیم که توسط هواداران حزب دمکرات کردستان در اختیار ما قرار گرفته بود نمایش داده شد. رفیق هواداری از حزب دمکرات کردستان قطعه شعری درباره خلق کرد قرائت کرد. در محوطه خارج از سالن اجرای برنامه، علاوه بر میز کتاب و نشریات مختلف، نمایشگاه عکسی از اکسیون سراسری ۲۷ سپتامبر (اشغال سفارت هلند) در معرض دید شرکت کنندگان قرار گرفت.

شب همبستگی با خلق کرد سندیاگو

در همبستگی با جنبش حق طلبانه خلق کرد هواداران سازمان در سان دیاگو برنامه‌ای را بدین مناسبت برگزار کردند. برنامه با اعلام یک دقیقه سکوت بیا دو خاطر جاویدان شهیدای بخون خفته خلق آغاز گردید. سپس بیانیه مشترک سلفا و حزب دمکرات پیرامون کوچ اجباری ساکنین روستاهای کردستان و گزارشی اکسیونهای سراسری هواداران سازمان در خارج از کشور قرائت گردید. سپس دکلمه همیشه پیشروگان در سنگرند اجرا گردید پس از اجرای قطعه‌ای موسیقی برنامه با سخنرانی در مورد تاریخچه کردستان و ریشه‌های تاریخی مبارزات خلق کرد ادامه یافت و پس از پاسخ به سئوالات و مقدمه‌ای بر فیلم یسل (YOL) برنامه با نمایش فیلم یسل پایان یافت.

هلند - آمستردام

روزیانودهم سپتامبر تظاهراتی با شرکت سازمانهای سیاسی ترکیه و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران هلند



شب همبستگی

حرکت کنند که درخواستها پذیرفته شود این رفقا با رفقای هواداران - زمان حرکت کردند. همچنین چند تن از ایرانیان دمکرات نیز در این تظاهرات شرکت داشتند.

آکسیونهای مختلف

جهت آزادسازی رفقای دربند

هلند - آمستردام

روز ۲۶ اکتبر ۸۴ اکسیونهای مختلفی برای حمایت از دانشجویانسی که در زندانهای هلند بسر می‌برند در شهر آمستردام برگزار شد:

- کمیته پناهندگان دمکرات ایرانی در هلند از مرکز شهر آمستردام تساهل دفتر عفوبین الملل دست به یک راهپیمایی زدند.

- هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در هلند در مرکز کلیسای آمستردام، یک اعتصاب غذای نامحدود را آغاز کردند.

- کمیته صدقاسیت و دیگر سازمانهای دمکراتیک در هلند حمایت خود را از این دانشجویان دربند با فرستادن پیام و نامه به زندای اعلام کردند.

صورت گرفت در این تظاهرات که بمناسبت ۱۲ سپتامبر با روز برگزاری حکومت نظامی در ترکیه برگزار شد، عازمان سیاسی ترک شرکت داشتند. هواداران سازمان در این تظاهرات با آرم و پلاکارد شرکت کردند، روی پلاکاردها شعارهایی جهت محکوم نمودن حکومت فاشیستی ترکیه و حکومت ارتجاعی ایران و محکوم نمودن امپریالیسم نوشته شده بود همچنین درجین تظاهرات سرود انترناسیونال توسط هواداران سازمان (و چند تن ایرانی دیگر که شرکت کرده بودند) خوانده شد و شعارهایی به زبانهای هلندی و انگلیسی جهت محکوم نمودن حاکمیت ارتجاعی و وابسته ایران و ترکیه داده شد. در حین تظاهرات اعلامیه‌هایی با مضمون افشای رژیمهای ضد خلقی ایران و ترکیه به زبانهای هلندی و ترکی توسط هواداران سازمان بین مردم پخش شد.

لازم به تذکر است که رفقای راه انقلابی ترکیه بدلیل اینکه ۱۶ سپتامبر مراسمی بمناسبت محکوم نمودن حاکمیت فاشیسم در ترکیه داشتند در این تظاهرات شرکت نتوانستند شرکت وسیع نمایند. و چند تن از این رفقا درخواست کردند که با هواداران سازمان پشت آرم سازمان



شب همبستگی

توضیح و پیوست :

بدلیل نقل و انتقالات پستی، گزارش آکسیونهای موفق رفقا در ایتالیا بسیار دیر بدست مسئول این بخش جهان رسید. با توجه به اهمیت این آکسیونها خاصه در رابطه با اشغال سفارت هلند (آکسیون اکتبر) بدرج قسمت‌هایی از آن در اینجا میپردازیم.

۱- سازمان دانشجویان ایرانی در ایتالیا هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در تظاهراتی که از طرف سندیکای کارگری C.G.I.L. بمناسبت بزرگداشت اول ماه مه در شهر بلونیا انجام گرفت با غلظت شرکت کرده و با پیش‌پیش از ۴ هزار اعلامیه در مورد سیاست‌های ضدکارگری رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و شرایط زندانها و زندانیان سیاسی و بخش‌های دیگر ریزبان ایتالیا طی در طول مسیر راهپیمایی در خیابانهای شهر بلونیا به افشای جمهوری اسلامی پرداخته در شهرهای دیگر رفقا با پیش‌پیش اعلامیه‌ها رژیم جمهوری اسلامی را افشانمودند. یادآور می‌شویم که بمناسبت روز جهانی کارگری پیش از ۴ هزار پوستر از طرف سازمان ایتالیا در شهرهای ایتالیا بدیوار چسبانده شد.

۲- در تظاهراتی که روز ۲۴ مارس در شهر رم از طرف سندیکای کارگری C.G.I.L. در رابطه با دستمزدها انجام گردید و یکی از بزرگترین تظاهرات دهه اخیر به شمار می‌رود سازمان ایتالیا هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با پیش‌پیش از ۱۶ هزار اعلامیه و پیش‌پیش برنامه عمل سازمان به زبان ایتالیایی به افشای چهره گریه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پرداخت.

۳- بدنیال خبر با زداشت رفقا در رابطه با اشغال سفارت جمهوری اسلامی در هلند بلافاصله سازمان ایتالیا با انعکاس این خبر و هدایت اشغال سفارت و افشای سیاستهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی با احزاب و سندیکاهای کارگری و سازمان‌های مترقی تماس برقرار کرده و خواستار

همکاری آنها جهت آزادی رفقا گردید.

به همین مناسبت احزاب، سندیکاهای کارگری ایتالیا و سازمانهای مترقی با ارباب تلگرافهای اعتراضی به سفارت هلند در رم و شورای وزیران ایتالیا آزادی رفقا را خواستار شدند. همچنین یک هیئت نمایندگی از طرف سازمان ایتالیا به سفارت هلند در رم مراجعه کرده و در رابطه با عمل دستگیری رفقا نامه‌ای اعتراضی خود را تسلیم سفارت هلند نموده و خواستار آزادی فوری رفقا گردید.

اسامی بعضی از سازمانها و سندیکاهای کارگری که متن تلگرافها اعتراضی و پیامی آن تاکنون بدست ما رسیده شرح زیر است.

۱- حزب سوسیالیست ایتالیا فدراسیون

بلونیا

۲- سندیکای کارگران مسیحی A.C.I.L.

شهرستان بلونیا و حومه

۳- سازمان ملی تحت تعقیب شدگان سیاسی فدفا شیت شهرستان بلونیا و حومه

۴- سازمان ملی پارتیزانهای ایتالیا پالت امیلیا رومانیا سناتور لوتیجی اورلاندی

۵- سازمان ملی پارتیزانهای ایتالیا کمیته بلونیا و حومه سناتور لوتیجی گاباسی

۶- سازمان ملی پارتیزانهای ایتالیا کمیته مدنا و حومه سناتور چلمینی

۷- حزب دمکراسی پرولتاری فدراسیون بلونیا

۸- حزب کمونیست ایتالیا فدراسیون مدنا

۹- کمیته فدافتقایی در ایران - مدنا

۱۰- سندیکاهای متحدی C.S.I.L.

۱۱- C.G.I.L. U.I.L. پالت امیلیا رومانیا

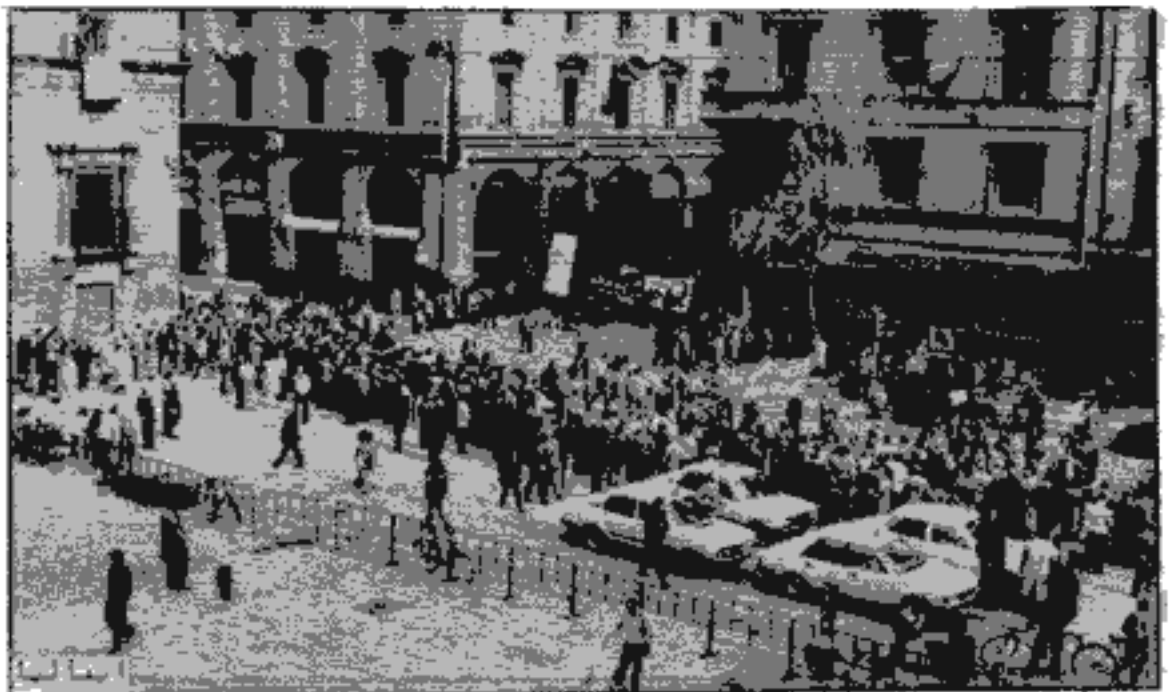


کانادا

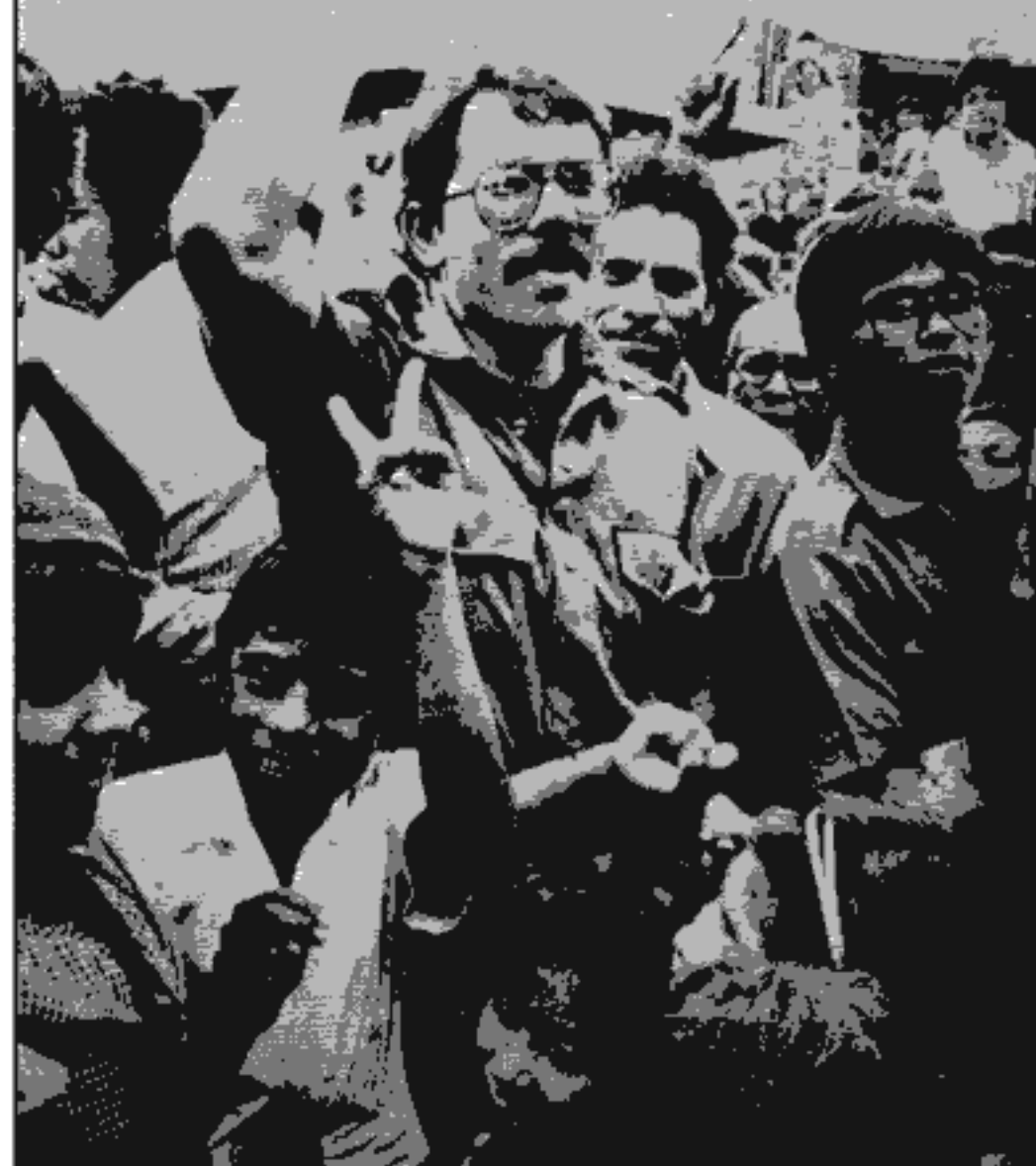
گرمیداشت نوزدهمین

سالگرد تاسیس سازمان میر

هواداران سازمان میر (شیلی) بمناسبت نوزدهمین سال بنیانگذاری این سازمان در تاریخ بیست و چهارم اوت برنامه‌ای در مونترال ترتیب دادند. در این برنامه، هواداران جبهه فارابوندومارتی (FMLN) از السالوادور، رفقای فیلیپین و همچنین هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و دیگر نیروهای آمریکای لاتین حضور داشتند. در این برنامه، پس از قرائت پیام‌های مختلف بزبان اسپانیایی، و قرائت پیام هواداران سچفا به انگلیسی سرودهای انقلابی توسط رفقای هوادار میر اجرا گردید. آنگاه شرحی از تاریخچه مبارزاتی سازمان میر، خصوصاً بر علیه رژیم دست‌نشانده آمریکا، پهنوشه داده شد.



...Daniel para Presidente



¡Seguimos de frente, con el Frente FSLN

مردم نیکاراگوئه شعار انتخاباتی FSLN (جبهه ساندینیستها) را تکرار میکنند، "ما همراه با جبهه پیشش میرویم"

همواره مسائلی از قبیل "رفرمهای سوسیالیستی در سرتاسر نیکاراگوئه"، "غیر نظامی کردن حکومت و به عوض دمکراتیزه کردن جامعه"، "احترام به حقوق تاریخی مردم نیکاراگوئه" و "بالاخره "احترام به مالکیت خصوصی" و... را دربرده ابهام بیان میدارد و مرتباً از حکومت ساندینیستها انتقاد میکند و آنها را به سکتاریسم و توتالیتریزم محکوم مینماید. کاندیدای این حزب، ورجیلوگودی که وکیل و وزیر کار سابق نیز بوده، میباشد.

رسانده، قدرت را بدست گرفت. این جبهه خود را جبهه‌ای فدا مهربالیست-دمکراتیک میداند که خواهان برقراری یک جامعه سوسیالیستی در نیکاراگوئه میباشد. کاندیدای این جبهه که فعلاً نیز در رهبری دولت است، دانیل-اورتگا میباشد. شیوه حکومتی ساندینیستها همواره این بوده است که راه حل مسائل را همراه با توده‌ها بیابند.

۲- حزب مستقل لیبرال PGI

این حزب در سال ۱۹۴۴ بعنوان یک آلترناتیو دمکراتیک در مقابل "حزب لیبرال" ساموزا بوجود آمد. این حزب یک جریان سانشریسم است که

در حاشیه انتخابات نیکاراگوئه

با سردی شدن انتخابات نیکاراگوئه که در چهارم نوامبر امسال صورت خواهد گرفت حیا با نه‌ای شهر ماناگوا پر از پوسترهای تبلیغاتی در رابطه با انتخابات شده است. ۲ حزب رسمی که در انتخابات شرکت مینمایند، فعالیت‌های گسترده‌ای را در زمینه‌های تبلیغاتی آغاز نموده‌اند طبق برنامه ساندینیستها، هدف از انتخابات ماه آینده، ۱- استقرار کامل انقلاب و تدوین قانون اساسی در چهارچوب یک جامعه نوین خالی از ظلم و استعمار، ۲- حفظ و دفاع از دستاوردهای انقلاب، میباشد.

قبل از اعلام کاندیداتوری حزب سیاسی، رژیم ساندینیستها امکانات زیر را برای فعالیت‌های انتخاباتی این احزاب از اوایل ماه اوت فراهم نمود:

۱- لغو محدودیت‌هایی که بموجب موقعیت اضطراری در نیکاراگوئه در ماه مارس ۱۹۸۲ اعلام شده بود. طبق این قانون، کلیه احزاب توانسته‌اند آزادانه به سازماندهی و تبلیغ نظریاتشان در میان مردم بپردازند.

۲- رژیم ساندینیستها همچنین ارگان مستقلی را که نقش مستقیمی را در انتخابات آینده ایفا میکند بنام Supreme Electoral Council بوجود آورده است. از طرف دیگر رای گیری بطریق آزاد، مستقیم و مخفی برگزار خواهد شد و کلیه کسانی که سن ۱۶ سال به بالا دارند و واجد شرایط برای دادن رای میباشند. هر حزبی میتواند در هر یک از ۵۷۰۰ ناحیه انتخاباتی یک بازرسی داشته باشد تا از تخلقات جلوگیری نماید و کلیه رای‌ها در حضور این بازرسی‌ن شمرده خواهد شد.

احزاب سیاسی شرکت‌کننده در انتخابات ماه نوامبر:

۱- جبهه آزادیبخش ملی ساندینیستها (FSLN)

این جبهه که در سال ۱۹۶۱ تاسیس شد، بعنوان پیشاهنگ مبارزه مسلحانه برعلیه دیکتاتوری ساموزا مبارزه را آغاز کرد و انقلاب ۱۹۷۹ را به پیروزی

احزاب درون نیکاراگوئه میباشد و در سال ۱۹۷۲ تشکیل شد که گروه بعثت اتحاد تاکتیک های غلط در مبارزه علیه ساموزا نتوانست در رهبری انقلاب نقشی را ایفا کند با این وصف در برنامه انتخاباتی خود را بعنوان یک حزب مارکسیست - لنینیست معرفی کرده و خواهان به پیش راندن انقلاب اجتماعی که در نیکاراگوئه در حال تکوین است، میباشد و در همین رابطه مسئله سازماندهی و دفاع نظامی قدرتمند تعدید رهبری سازمان اقتصادی، بهبود دستگاه های دولتی و پیاده کردن دموکراسی را طرح میکند. اختلاف این حزب با جبهه ساندینیستها اکثرا در رابطه با نوع تاکتیکها میباشد. کاندیدای این حزب برای ریاست جمهوری دومینگو سانچز سلاکادو میباشد.

۴- حزب سوسیال مسیحی خلقی (PPSC)
این حزب در سال ۱۹۷۶ از حزب ارتجاعی سوسیال مسیحی انشعاب کرد. این جریان معتقد است که "انقلاب آری ولی از نوع انقلاب مسیحی، سوسیال - مسیحی های خلقی ایده های سوسیالیسم را با ایده آلیزم مذهبی درهم آمیخته اند (مانند مجاهدین) بطوریکه در پلانفرم خود حتی از شرکت کارگران در مدیریت اقتصادی و طرح شوراهای محلی به جای کمیته های دفاع ساندینیستها سخن میگویند. کاندیدای این حزب، موریس دیاز است.

۵- حزب محافظه کار دمکرات (PCD)
این حزب از حزب سنتی محافظه کار که در سالهای اخیر در دستگاه حکومتی بودند، انشعاب کرده است. پلانفرم این حزب مبین "وحدت طبقاتی" حزب دمکرات به رهبری خرد بورژوازی (طبقه متوسط) میباشد. "وحدت اجتماعی بین سرمایه داری بخش خصوصی و کارگران - آنچنان که سرمایه داران کارگران را استثمار نکنند و در عین حال از امنیت کافی نیز برخوردار باشند." کاندیدای این حزب، سرچین گلامنته جیدو میباشد.

۶- حزب کمونیست نیکاراگوئه (PCN)
این حزب در سال ۱۹۷۰ از حزب سوسیالیست انشعاب کرد. حزب کمونیست معتقد است "ساندینیستها جریان سوسیالیستی خرد بورژوازی میباشد که کارگران را به دام انداخته اند". این حزب معتقد به نابودی و ریخته کن ساختن احزاب بورژوازی و سوسیالیزه کردن فوری اقتصاد است و انتخابات را دایمی برای رشد سرمایه داری ارزیابی میکند. کاندیدای این حزب آلن زامیرانسا میباشد که از اعضای اتحادیه کارگری است.

جنبش عمل خلقی (م.ل.) MAP-ML
این گروه در سال ۱۹۷۲ تاسیس شد که پایه آن اکثرا در بین دانشجویان بود. سازماندهی و پلانفرم این گروه شباهت زیادی به حزب کمونیست دارد. کاندیدای این حزب - ازبیر یونلز میباشد.
از احزابی که انتخابات ۴ نوامبر

را تحریم کرده اند حزب سوسیال مسیحی و حزب سلطنت طلب لیبرال و حزب سوسیال دمکرات میباشد. این احزاب نمایندگان الیگارشی قدیم و بعنوان دست راستی ترین احزاب سرمایه داری - نیکاراگوئه بحساب میآیند که رونامه ای بنام "Prensa Libre" را انتشار میدهند. این احزاب که گاملا طرفدار امپریا - لیسم آمریکا میباشد، در طی مدت ۵ سال، نقش مهمی در ایجاد تشکیلات داخلی و خرابکاری در نیکاراگوئه - بعهد داشته اند.

۷- حزب PSD ، PSC ، BLC
که شرایط شرکتشان در ۲۷ اوت بتصویب رسید، تحت رهبری آرتو کروز که قبلا سفیر نیکاراگوئه در آمریکا بود، هدایت میشود. این تشکیلات سعی دارد که تاریخ انتخابات را عقب اندازد تا از این موقعیت استفاده کرده و به جامع بین المللی بقبولاند که مسئله انتخابات از جانب ساندینیستها جدی تلقی نمیشود.

در همین خلال کابینه ریگان مدعی شده است که انتخابات نیکاراگوئه از نوع انتخابات بشواری است و "ساندینیستها بدینوسیله میخواهند حکومت خود را تثبیت نمایند." از طرف دیگر دولت آمریکا تنها نمایندگان به حزب ارتجاعی سوسیال مسیحی، حزب سلطنت طلب لیبرال و حزب سوسیال دمکرات را به رسمیت شناخته است که در مقابل ساندینیستها میتوانستند بعنوان آلترناتیو مطرح باشند. - ساندینیستها و کلیه احزاب شرکت کننده در انتخابات ماه آینده معتقدند که جریانات ارتجاعی فوق هیچگونه پایگاه اجتماعی در میان مردم ندارند و طرفداران آنها به سختی به ۱۰۰۰ نفر میرسند و این در حالی است که ساندینیستها بیش از ۷۰۰۰۰ عضو فعال دارند که در ماه سپتامبر خانه بخانه به مردم مراجعه کرده و به تشریح پلانفرم و برنامه انتخاباتی ساندینیستها پرداخته اند.

☆☆☆

بنا به گزارش روزنامه نیویورک تایمز مورخ ۹ سپتامبر، ضد انقلابیون مسلح نیکاراگوئه در ۶ ماه گذشته بیش از ۱۰ میلیون دلار از اشخاص و موسسات آمریکایی پول دریافت کرده اند. این کمک به PDN (تشکل ضد انقلابیون)، علیرغم کاهش حمایت مالی CIA از آن، فعالیت های نظامی این جریان را افزایش داده است. به احتمال قوی سیا به PDN توصیه کرده است که به جمع آوری کمکهای مالی بپردازد. ضد انقلابیون نیکاراگوئه از دولتهای ونزوئلا، آرژانتین، اسرائیل، گواتمالا و تایوان نیز کمکهای مهمی دریافت میکنند.

☆☆☆

از روز شنبه سوم سپتامبر ۸۲ فرمان شرمی پاپ رهبر کاتولیکهای جهان در مورد منع کشیشان از اشغال پست های دولتی به اجرا درآمد.

این فرمان عمده تحت فشار محافل محافظه کار کلیسای نیکاراگوئه و بمنظور منع برخی کشیشان نیکاراگوئه از همکاری با دولت انقلابی این کشور صادر شده است. قابل توجه است که در نیکاراگوئه سه تن کشیش جز "وزرا کابینه فعلی هستند و کشیش دیگری نیز سفیر نیکاراگوئه در سازمان دول (قاره) آمریکا است. هرچند هیچ یک از ایشان هنوز از جانب واتیکان دستور رسمی مبنی بر ترک مقام خود از دولت انقلابی ساندینیستها دریافت نکرده اند، اما محافل محافظه کار و دست راستی کلیسا میخواهند فرمان مزبور را بعمل آورند. سخنگوی کلیسا با اشاره به کشیشان انقلابی گفت: "آنها با ازبست خود استعفا میدهند و با خلق سلاح دینی خواهند." کشیشان خود معتقدند که فرمان اخیر به منظور حمله به دولت نیکاراگوئه تنظیم شده است. وزیر آموزش نیکاراگوئه، پدرو فرناندو گاردینال اظهار داشت: "حضور ما در دولت همواره ایمن حلات... را تحت الشعاع قرار داده است." وی مضمناً در پست خود باقی ماند و میگوید: "من تا عمر دارم به خدمت در راه این انقلاب ادامه خواهم داد." وزیر امور خارجه نیکاراگوئه پدرو میگوئل دواسکاتو نیز حاضر است کلیسا را ترک کند.

آرژانتین

روز ۱۰ سپتامبر ۴ ناو و یک زیر دریایی اتمی آمریکایی که همراه با نیروی دریایی شیلی دست به بست مانور نظامی زده بودند، در اتریش اعتراض اهالی ناچار شدند بنسدر Puerto Madryn را ترک کنند. در این روز حدود ۵۰۰۰ نفر دست به تظاهرات زدند و جلوی دو کامیون را کسب میخواستند برای ناوها سوخت برسانند گرفتند و مانع از سوختگیری ناوها شدند. در این روز ۲ پرچم آمریکایی نیز توسط تظاهرکنندگان به آتش کشیده شد.

ونزوئلا

بنا به گزارش روزنامه لوموند روز ۱۹ سپتامبر طی یک درگیری در دانشگاه کاراکاس ۱۶ دانشجو و ۴ "گارد ملی" مجروح گشتند. در همین روز دانشجویان در محوطه دانشگاه برای اعتراض به سرکوب پلیس دست به تظاهرات زده و خواهان استعفای رئیس دانشگاه شدند و کلیه کلاسها را نیز تحریم کردند. صبح همان روز بیش از ۲۰۰ دانشجو دانشگاه دامپزشکی و کشاورزی که در ۱۰۰ کیلومتری کاراکاس قرار دارد، جهت اراکله خواستهای خود به رئیس دانشگاه ۱۵ اتوبوس را متارزه کردند. در قسمت ورودی شهر کاراکاس "گارد ملی" درصدد جلوگیری از ورود اتوبوسها برآمد. اما اتوبوسها از روی افراد گارد رد میشوند و در نتیجه درگیری و تیر -



سازندگان FMLN-FDR که در مذاکرات با رئیس‌جمهور السالوادور شرکت داشته‌اند (از راست به چپ) روبن - زامورا، کیلر موز، آنکو، سانجو، کواردادو، لیدیا - دیاز، و فرمن - سین فیوگنی، ۱۵ اکتبر ۸۲

اندازی شدیدی رخ میدهد که به دستگیری عده زیادی منجر میگردد.

السالوادور

طبق موافقتی که در تاریخ ۵ سپتامبر بین رژیم خوزه ناپلیئون دوارته، رئیس‌جمهور السالوادور و چریکهای انقلابی این کشور بعمل آمده، برای اولین بار ملاقاتی بین دوارته و نمایندگان FMLN-FDR صورت گرفت. این ملاقات که در یکی از مناطق آزاد شده السالوادور در تاریخ ۱۵ اکتبر و به کمک ماموران حفاظتی طلب سرخ جهانی بوفوع پیوست، بمنظور پیدا کردن یکراه حل مسالمت آمیز برای پایان بخشیدن به جنگ داخلی السالوادور ترتیب یافته بود. در این ملاقات ۵ تن از رهبران گروههای چریکی السالوادور و لیبر موانگو (Guillermo Ungo)، رهبر جبهه دمکراتیک انقلابی با رئیس‌جمهور السالوادور دیدار کردند. طرفین در دو نوبت با یکدیگر ملاقات خواهند کرد و طرحهای ارائه شده از جانب دو طرف مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در زمینه این ملاقات و مذاکرات در جهان شماره آینده مطالب مفصلتری خواهد آمد.

شیلی

روز ۲ سپتامبر، رژیم دیکتاتوری پینوشه در سانتیاگو مقررات منع عبور و مرور را وضع کرد. این اقدام بعد از سرکوب وحشیانه روز اعتراض عمومی که ۴ کشته بجای گذاشته بود، صورت گرفت. پلیس از روز ۱ سپتامبر محله‌های مختلف شهر را محاصره کرده و به دستگیری و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم دست زده بود. تشکلهای اصلی شیلی یعنی "ائتلاف دمکراتیک"، "بلوک سوسیالیست"، "جبهه دمکراتیک خلقی" و "فرماندهی علم کارگران" -

تصمیم به برگزاری یک آکسیون اعتراضی در ۲ روز پیاپی میکنند. مشخصه اصلی ۲۴ ساعت اول این آکسیون، سرکوب کور از جانب دولت بود که هدف آن به وحشت انداختن مردم بود. در این مدت پلیس به زن و مرد، کودک، رهگذر و خبرنگاران به سختی حمله نمود. در محله‌های فقیر مردم برای مقابله با پلیس

اروپا

انگلستان

بنا بر گزارش روزنامه لوموند، اعتصاب کارگران بارانداز بنادر انگلستان که در روز ۲۴ اوت شروع شده بود، در روز ۱۸ سپتامبر در یک جو بی تفاوتی به پایان رسید. حدود نیمی از کارگران بارانداز در اعتصاب شرکت نکرده و به کار خود ادامه دادند. به همین دلیل این اعتصاب نتوانست به اهداف خود دست یابد. دبیر کل سندیکای اصلی باراندازان از رفتار بسیاری از سندیکالیستها اظهار ناامیدی کرده بود. در روز ۱۸ سپتامبر توافق در مورد آنچه که باعث شروع اعتصاب شده بود، صورت گرفت. در این توافق کارفرمایان پذیرفته‌اند که در صورت اعتصاب، کارگران دیگری را برای ادامه کارها شیاء وند ولسی سندیکاها هم پذیرفته‌اند که ذخایر حداقل کارخانه فولاد سازی منطقه آموس را تامین کنند. کارگران بارانداز به منظور حمایت از اعتصاب کارگران معادن، از تخلیه بار کشتی‌هایی که برای این کارخانه ذغال سنگ می‌ورند، خودداری نمودند.

آفریقا

آفریقای جنوبی

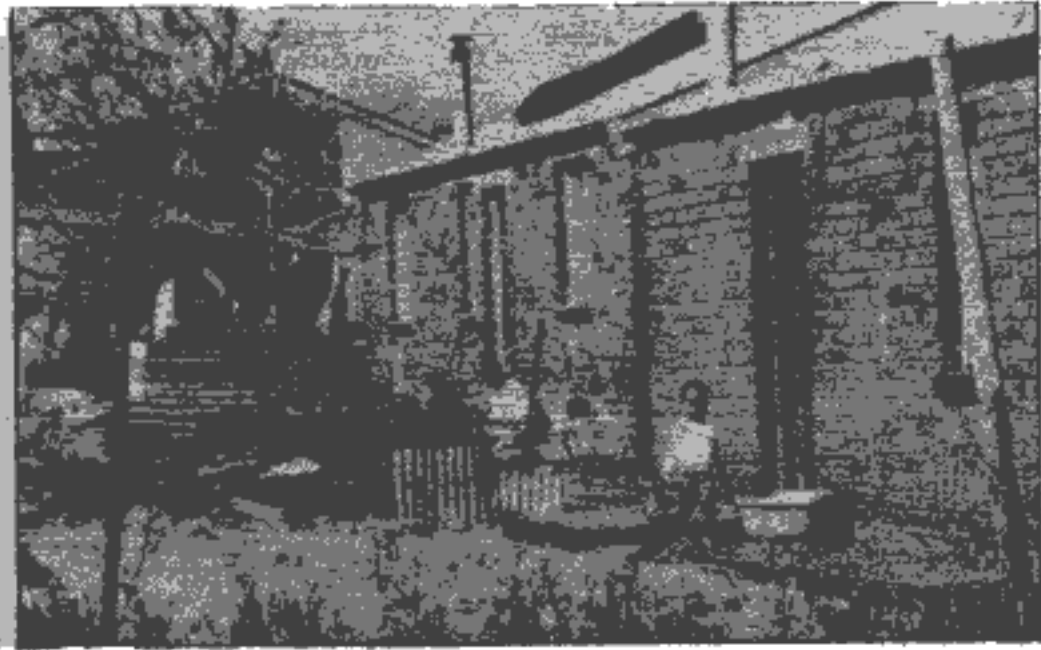
بنا بر گزارش روزنامه لوموند استریت زورنال مورخ ۱۸ سپتامبر، در روز ۱۷ سپتامبر سفنگوی پلیس چریکهای هندوراس یک ایستگاه رادیویی پورتوریا اعلام کرد که ۲ مرد سیاهپوست در پایتخت این کشور را به تصرف خود درآوردند و بیانیه‌ای مبنی بر اعتراض پلیس در محله سیاه نشین کشته شده‌اند. به اطاعت دولت هندوراس از آمریکا و در همان روز چند زن نیز که با حضور قوای نظامی آمریکا در این کشور گلوله‌ای در سر کشته شده بود، کشف بخش نمودند. چریکهای "جبهه آزادی -

بنای به گزارش روزنامه وال - استریت زورنال مورخ ۱۸ سپتامبر، در روز ۱۷ سپتامبر سفنگوی پلیس چریکهای هندوراس یک ایستگاه رادیویی پورتوریا اعلام کرد که ۲ مرد سیاهپوست در پایتخت این کشور را به تصرف خود درآوردند و بیانیه‌ای مبنی بر اعتراض پلیس در محله سیاه نشین کشته شده‌اند. به اطاعت دولت هندوراس از آمریکا و در همان روز چند زن نیز که با حضور قوای نظامی آمریکا در این کشور گلوله‌ای در سر کشته شده بود، کشف بخش نمودند. چریکهای "جبهه آزادی -

آرژانتین

در روز ۲ سپتامبر اولیوس اعتبار عمومی بر علیه دولت آلفونسین بنادر و کارخانه‌های مهم آرژانتین را فلج کرد. دولت اعلام کرده بود که این اعتصاب یک نوع "تجاوز به دمکراسی" است. نرخ تورم سالانه در آرژانتین به ۶۱۵٪ رسیده است. این اعتصاب همزمان با شروع مذاکرات دولت آرژانتین با هیئت نمایندگان صندوق بین‌المللی پول صورت گرفت. شرط اولیه صندوق جهانی پول برای دادن وام، وارد آوردن فشارهای اقتصادی روی مردم، یعنی اجسرای "برنامه فشار" از طرف دولت آرژانتین است.

هندوراس



حدود ۲۵ هزار کارگر معادن طلا دست به اعتصاب زدند که منجر به یک درگیری خونین ۶ ساعته با پلیس شد.

سولتو: وقتی که کرایه خانه ها را در مناطق سپاه نشین افزایش دادند، ساکنین منطقه با این شعار که "ما مخارج ستم بر خود را نمی پردازیم"، به اعتراض و امتناع پرداخت پرداختند.

آسیا یمن جنوبی

بنا به گزارش روزنامه کریمتین ساینس مونیخ مورخ ۴ اکتبر در جنگ قدرتی که بین دو جناح حکومت مارکسیستی یمن جنوبی در جریان می باشد، به نظر میرسد که "افراطیون" قدرتمندتر میگردند. هر دو جناح طرفدار شوروی هستند، لیکن "جناح معتدل" خواهان روابط خوب و دریافت کمکهای اقتصادی بیشتری از عربستان سعودی و سایر کشورهای ثروتمند نفتی میباشد، در صورتیکه "جناح افراطی" خواهان نزدیکی هرچه بیشتر به مسکو حتی به قیمت از دست دادن کمک های عربستان، کویت و امارات متحد عرب میباشد. علی ناصر محمد، رهبر "جناح معتدل" که در طی یک کودتای بدون خونریزی و پس از سرکوباری "جناح افراطی" فاتح اسماعیل در آوریل ۱۹۸۵ به قدرت رسید، هم اکنون رهبر کشور یمن جنوبی میباشد. اما "افراطیون" از ماه مه گذشته و به هنگامیکه ۴ تن از جمله وزیر دفاع، مسلم قاسم به پلیت بورو راه یافتند، قدرتمندتر گشتند. به نفع از وزرای جدید از طرفداران "جناح افراطی" میباشد. "قاسم" که در ماه اوت - گذشته با مارشال یوستیف، وزیر دفاع شوروی ملاقات نمود، از حمایت مسکو برخوردار میباشد. یمن جنوبی بخاطر اینکه بر سر راه تنگه باب - المندب و در یک منطقه نفتی قرار دارد، دارای موقعیت استراتژیکی مهمی میباشد.

عراق

بنا به گزارش روزنامه نیویورک تایمز (۵ سپتامبر)، در زدوخوردی که بین سربازان عراقی و حزب دمکرات کردستان عراق در تاریخ ۲۶ اوت رخ داد، ۱۵۵ سرباز عراقی کشته و بیش از ۲۷ سرباز زخمی شدند. بدنبال این حمله روز ۲۸ اوت سربازان عراقی مجدداً به مقر پیشمرگان کرد حمله کردند که طی آن ۹۷ سرباز کشته شدند.

هیئت نمایندگی اتحادیه حقوق بشر از زندانیان ۲- رسیدگی پزشکی به زندانیان سیاسی تا جاییکه وضعیت سلامتی شان بهبود یابد.

لیبی

در اواسط سپتامبر توافق بین دولت های لیبی و مراکش صورت پذیرفت که دو کشور در پی یک قانون اساسی مشترک با یکدیگر همکاری نمایند و بصورت یک کشور مشترک درآیند. البته این چندمین بار است که چنین توافق هائی در صحنه بین المللی از جانب لیبی طرح شده است ولی هیچیک از پیشنهادهای لیبی جدی تلقی نشده است. لیبی تا بحال بعنوان یکی از کشور - های که کمکهای زیادی به جنبش صحرای بطور اخص به جبهه پولیساریو میگرد ساخته شده بود. با این پیشنهاد لیبی دیگر کمکهای خود را به جنبش صحرای ادامه نخواهد داد.

قذافی بمناسبت یادهمین سالگرد بقدرت رسیدنش، طوسی بیگ سخترانی اظهار داشت که "توافق" و اتحاد او با مراکش باعث نشده است که "سارزه با امپریالیسم و رهاستی فلسطین و چاد را فراموش کند. قذافی زمانی این سخترانی را ایراد میکند که متخصصین آمریکائی نفت لیبی را استخراج و به بازار عرضه میکنند. تحقق طرحهای عظیم تنها بوسیله متخصصین کشورهای امپریالیستی در لیبی انجام میگردد. امروز تعداد مهندسین، تکنسین ها و مدیران آمریکائی در لیبی بیش از هر زمان دیگر است. دو سال پیش تعداد آنان ۵۰۰ نفر بود در حالیکه اکنون به ۲۰۰۰ تن رسیده اند. همچنین قذافی اعلام نمود که در مورد چاد، درسی بدتر از درس "دین بین نو" به فرانسویها خواهد داد. ولی بعد از مدتی اعلام کرد که بهبود روابط همه جانبه لیبی و فرانسه مهمترین امر سرنوشت چاد است.

شده است. در همین روز اعتراضات دانشجویان دانشگاه شمال (مخمسومی سیاهان) که از سه هفته پیش کلاس ها را تحریم کرده بودند، ادامه یافت.

از طرف دیگر اولین اعتصاب "قانونی" در آفریقای جنوبی، اعتصاب کارگران معادن طلا در روز ۱۷ سپتامبر با استقبال حدود ۲۰۰۰۰ کارگر معدن مواجه شد. این اعتصاب با یک اعتصاب دیگر در غرب ژوهانسبورگ در معدن گورهام - کلیپ تکمیل شد که این اعتصاب دوم از جانب دولت "غیرقانونی" اعلام شد.

روز ۲۲ سپتامبر، مذهبیت یکی از معادن آفریقای جنوبی اعلام کرد که درگیری خونینی در این معدن صورت گرفته است و طی آن ۲ نفر کشته و ۱۵۴ نفر زخمی شده اند. درگیری موقعی آغاز شد که کارگران شیفت شب به طرف پلیس سنگ انداخته اند و پلیس نیز با شلیک گلوله های کاشوچوشی به آنان حمله کرد. در مراسم تشییع جنازه کارگران، زدوخورد شدیدی بین مردم و پلیس رخ داد و پلیس بیش از ۵۰۰ تن را دستگیر کرد. موج ناراضی در آفریقای جنوبی از دو ماه قبل بشدت ادامه دارد و مردم وارد مبارزه رو- در رو با مزدوران رژیم پوتورپا شده اند.

مراکش

بنا بر گزارش روزنامه لوموند روز ۷ سپتامبر زندانیان سیاسی مراکشی که به مدت ۲ ماه در اعتصاب غذا بودند، در پی پذیرش برخی از خواسته هایشان توسط مقامات دولتی، اعتصاب خود را موقتاً قطع کردند ولی اگر این خواسته ها برآورده نشود از ۲۴ سپتامبر مجدداً اعتصاب را شروع خواهند کرد، مواردی که مورد توافق دولت قرار گرفته است عبارتند از: ۱- ملاقات روزانه خانواده های زندانیان با زندانیان سیاسی که در بیمارستان بستری شده اند، ۲- دیدار

علاوه بر تظاهرات توده‌ای وسیع ضد رژیمی که سالگرد قتل آکینو و بخصوص چندین تظاهرات رزمندگانه دانشجویی در طی هفته‌های اخیر، زدو خورد شدیدی نیز بین نیروهای کمونیست و سربازان فلیپینی در روز ۳۰ سپتامبر رخ داد که بنا به گزارش نیویورک تایمز، منجر به کشته شدن ۱۶ نفر از دو طرف گردید. رفیق کمپانی Cortez نیز در میان کشته شدگان بود. در این درگیری بیش از ۱۰۰ تن از اعضای "ارتش نوین خلقی" که با زوی مسلح حزب کمونیست فلیپین است، ۱۱ کشته بجای گذاشت. این زدو خورد هنگامی آغاز گشت که چریکهای "ارتش نوین خلقی" به سربازان محافظ کمپانی مزبور واقع در ۵۰ مایلی جنوب شرقی مانیل حمله نمودند و به درگیری با سربازان دولتی مشغول شدند.



دانشجویان مبارز فلیپینی در حال فرار از حملات گاز اشک‌آور و تیراندازی‌های پلیس، مانیل - سپتامبر ۸۲

اسرائیل

در اواسط ماه سپتامبر، دولت اسرائیل تصمیم گرفت مخارج بودجه‌ی سال جاری را به میزان ۱ میلیارد دلار (۵٪) کاهش دهد. از طرف دیگر ارزش - شکل (پول اسرائیل) نیز ۹٪ کاهش یافته است. وزیر امور مالی اسرائیل گفته است که این "اقدام اول" دولت است یعنی اینکه بزودی اقدامات مشابه دیگری صورت خواهد گرفت. میزان بیکاری در اسرائیل ۶٪ جمعیت فعال را شامل میشود. صور - ۲۹۲٪ (برای محصولات غذایی ۲۲۰٪) است.

در اواخر سپتامبر، سفارت انگلستان در چین اعلام کرد که دولت های چین و انگلستان پس از ۲ سال مذاکره در مورد آینده هنگ هنگ، به توافق رسیدند که طبق آن هنگ هنگ بعد از سال ۱۹۹۷ تحت حاکمیت چین قرار خواهد گرفت. چین اعلام کرده - است که بعد از سال ۱۹۹۷ نیز ساختار اقتصادی - اجتماعی هنگ هنگ تغییر نمی‌خواهد یافت و هنگ هنگ و چین یک کشور با دو سیستم اقتصادی - اجتماعی مختلف خواهند بود.

۶۵٪ از حقوق کارکنان اسرائیل بعنوان مالیات به جیب دولت میرود.

ویتنام

نگوین کونچ، وزیر امور خارجه ویتنام در مصاحبه‌ای با خبرگزاری واپنی گیز اعلام کرده که دولت ویتنام حاضر است بدون هیچ قید و شرطی در مورد مسئله گامبوج مذاکره کند و میانجیگری احتمالی کشور سومی نظیر ژاپن را نیز خواهد پذیرفت. وی اضافه کرد که یک کمیسیون کنترول بین المللی نیز میتواند بر حفظ صلح در گامبوج نظارت کند.

اعتصاب کارگران ۵۵۰ عقبه از صفحه مقابل

واقع باید گفت حل قطعی و همیشگی "امنیت شغلی" در چهارچوب سیستم موجود امری غیرممکن میباشد، چرا که بیکاری و نداشتن امنیت شغلی برای کارگران یکی از خصوصیات سیستم سرمایه‌داری میباشد. از طرف دیگر، پیشرفت تکنولوژی و استفاده از کامپیوتر و ماشین‌های اتوماتیک در خطوط تولید و خدمات باعث بیکاری شدن عده وسیعی از کارگران و زحمتکشان گشته و خواهد شد. واضح است که کارگران با پیشرفت تکنولوژی هیچ گونه مخالفتی ندارند، بلکه همیشه طالب و خواهان آن هستند. بنابراین برای حل تضاد بین استناد، از تکنولوژی پیشرفته در خطوط تولید و خدمات از یکطرف و بیکاری کارگران و زحمتکشان از طرف دیگر، اتحادیه‌ها باید یکی از مبارزات اساسی خود را بر مبنای تقلیل ساعات کار گذاشته تا مقدار کار موجود بین تعداد کارگران بیشتری (با همان حقوق قبلی) تقسیم شود و بدینوسیله بیکاری کاهش پیدا کند. اگرچه کارگران نتوانستند با اعتصاب خود به بخشی از خواست‌های خود برسند، اما بفاطمه اینکه میتوانند بیشتر از آن چیزی که بدست آوردند، دستاورد داشته باشند چون کارگران عمدتاً رهبری را در این مورد مقرر می‌دانند، میتوانند تغییراتی در رهبری را با خواست‌های رادیکال از ۱ میلیارد دلار احتیاج دارد و در تر در آینده انتظار داشت.

تاکنون موافقتنامه فوق‌الانتظار بیرونی پیدا نکرده است ولی منابع آگاه و برخی از رهبران اتحادیه‌ها اقا راتی کلی به مفاد آن نموده‌اند. در نظر دارد تا سال ۱۹۹۰ تعداد واردات اتوموبیل‌های کوچک را به ۱ میلیون در سال برساند و در نتیجه عده زیادی از کارگران بیکار خواهند شد. اتحادیه قصد داشت یک شروع محدودیتی را در این مورد به GM تحمیل کند ولی در عوض تنهایی ضمانت‌های رنگهداری قسمت تولیدات اتوموبیل‌های کوچک در آمریکا راضی گشتند. کل افزایش حقوق (دستمزد و امتیازات دیگر) به حدود ۲۰٪ برای سه سال آینده در نظر گرفته شده است و حتی در بعضی از بخش‌های مورد اختلافات، رهبران اتحادیه تن به کاهش امتیازات بدست آمده از قبل دارند (مانند "کمک معاش"). در عین حال GM راضی شد که بودجه‌ای در حدود ۱ میلیون دلار برای ایجاد "امنیت شغلی" بپردازد که این مقدار در مقایسه با تعداد کارگران و حقوق آنها مبلغ قابل - ملاحظه‌ای نیست. (حل حقوق و امتیازات متوسط یک کارگر اتوموبیل سازی در سال حدود ۵۰۰۰۰ دلار میباشد) بخصوص اینکه تعداد کارگرانی که در عرض چند سال آینده بیکار خواهند شد و همچنین دهها هزار کارگری که از این مجموعه تاکنون بیکار شده‌اند، هزینه‌ای بیش از ۱ میلیارد دلار احتیاج دارد و در تر در آینده انتظار داشت.

واحدهای مختلف اتحادیه از موافقتنامه مزبور ناراضی بودند. یکی از رهبران اتحادیه محلی (۱۶۰) اظهار داشت که "قرار بود امنیت شغلی مسئله اساسی ما باشد ولی این قرارداد یک ذره هم در کم کردن نیروی کار از جانب کارفرما به ما پاری نمی‌رساند. اگر این قرارداد به تصویب برسد (برای تصویب قرارداد، رای مثبت اکثریت کارگران لازم است - "جهان" اتحادیه را تضعیف کرده و دیگر قادر نخواهد بود آنطور که باید در مقابل شرکتهای چندملیتی مبارزه کند. بهرحال قرارداد پیشنهادی با مخالف کارگران زیادی روبرو شد و حتی چند اتحادیه محلی (بهراه رهبرانشان) پیشنهاد برگشت به کار رهبری مرکز را رد کرده و به اعتصاب ادامه دادند تا اینکه به دستور رهبری مرکز و با تهدید به تنبیه انضباطی آنها به سر کار خود برگشتند. قرارداد پیشنهادی اگرچه با مخالفت اکثریت کارگران روبرو بود، اما با اصرار رهبریت و بحث‌های شدید و طولانی، بالاخره رای لازم برای تصویب را بدست آورد. ۴۲٪ کارگران به این قرارداد رای مخالف دادند. در عین حال شاخه اتحادیه فووق در کانادا بلافاصله و بطور کلی توافق - نامه آمریکا را رد کرده و در حال حاضر و بعد از پایان قراردادشان در اعتصاب بسر می‌برند، و تا این لحظه به هیچگونه توافقی نرسیده‌اند.

اعتصاب کارگران جنرال موتورز



رئیس اتحادیه کارگران اتوموبیل (UAW)، واگن باپیر (فرد با عینک) و تیم مذاکره، توافق های اخیر خود را با جنرال موتورز (GM) اعلام داشتند

بیش از دهها هزار نفر کارگر کارخانه اتوموبیل سازی جنرال موتورز بعد از پایان قراردادشان، از سیمه شب جمعه ۱۲ سپتامبر دست به اعتصاب موضعی زدند.

چندین هفته قبل از پایان قرارداد، داده نمایندگان اتحادیه کارگران اتوموبیل سازی (UAW) و نمایندگان جنرال موتورز (GM) مذاکرات خود را برای رسیدن به موافقتنامه های جدید شروع کردند. طبق آخرین قرارداد که بین نمایندگان اتحادیه کارگران و کارخانه فوق در سال ۱۹۸۲ و در اوضاع وخیم اقتصادی و بر اثر فشار و تهدید مدیریت مبنی بر بستن کارخانه، بسته شد، کارگران حدود ۱۳/۵ بیلیون دلار متضرر گشتند بخصوص اینکه در این مدت یعنی در سال های ریاست جمهوری رونالد ریگان تمام سیاست های اتخاذ شده از جانب بورژوازی، ضدیت مریبان با کارگران و اتحادیه ها بوده، و توانسته اند حدود ۳ میلیون نفر را در سطح آمریکا از تعداد کل کارگران متشکّل در اتحادیه حذف نمایند. بنا براین مدیریت کارخانه GM در حالی به دیدار نمایندگان UAW میروند که قدرت اتحادیه ها در مجموع نسبت به قبیل تضعیف گشته است.

با اینکه امروز GM رکورد سود فروش (درواقع چیاول بیشتر کارگران و رحمتکشان) را شکسته است و مبلغ آن را بین ۸ تا ۱۲ بیلیون دلار برای سال ۱۹۸۲ تخمین میزنند، بنا براین پیشنهادانی پائین و در حقیقت بسیار درخواست عقب نشینی مجدد از جانب کارگران، بر سر میز مذاکره نشست. نمایندگان GM خواهان ثابت ماندن حقوق کارگران بدون هیچگونه افزایش، کاهش ۲۰٪ از "کمک معاش" (مفروضی که بر اثر مبارزه متحد کارگران در گذشته بدست آمده است)، و همچنین کاهش حقوق استخدامی کارگران جدید، شدند و در عوض پیشنهاد ۱٪ "پاداش" بجای افزایش حقوق را ارائه دادند. تاکتیک دادن "پاداش" بجای افزایش حقوق بدین منظور اتخاذ شده بود که اگر مبلغ فوق "پاداش" تلقی شود، در این صورت جزو حقوق رسمی و پایه های محسوب نگشته و بنا براین مزایای دیگری بر مبنای حقوق پایه های تعیین میگردد، ثابت خواهد ماند. در صورتی که اگر به حقوق اصلی اضافه شود، علاوه بر افزایش مزایا، در عین حال در طولانی مدت کارگران را در موضعی بهتر برای مذاکرات آتی قرار خواهد داد. همچنین GM تهدید کرد که بجای تولید در داخل کشور (آمریکا) واردات وسایل لازم و اتوموبیل های کوچک از کشورهای دیگر را افزایش خواهد داد. باید خاطر نشان کرد که این تهدید صرفاً تهدیدی توخالی نمیباشد چرا که بخاطر تولیداران تر

در کشورهای دیگر از جمله: ژاپن، کره جنوبی، مکزیک، اروپا و ... بیشتر کارخانه ها به خارج از آمریکا منتقل میگردد (دستمزد ارزان و - استثمار بیشتر در اغلب این کشورها دلیل عمده این عمل میباشد)، و این همه در حالی است که رئیس کارخانه GM آقای "راجر اسمیت" شخصاً مبلغ ۲۳۳۰۰۰ دلار بعنوان پاداش سالانه دریافت کرده است.

اما کارگران با آگاهی به این امر که GM قصد دارد برای کسب سود بیشتر و با استفاده از ماشین های اتوماتیک در عرض چندین سال آینده ۸۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ کارگر را اخراج نماید (در حال حاضر ۳۰۰۰ ماشین اتوماتیک در ۱۵۱ واحد GM کار گذاشته شده و در نظر است که تا سال ۱۹۹۰ تعداد آن ها به ۱۴۰۰ برسانند)، - "امنیت شغلی" را بعنوان یکی از مهمترین خواست های خود درکنار امتزایس حقوقی، محدود کردن واردات مربوطه، و مزایای دیگر مطرح نمودند البته پیشنهادات فوق تاکنون انتشار علنی پیدا نکرده و بنا براین بررسی "جز" به جز آن در حال حاضر ممکن نیست بدین ترتیب مذاکرات شروع شد. اما طرفین نتوانستند قبیل از اتمام موعد مقرر به هیچگونه توافقی برسند. سپتامبر ۱۹۸۲، حدود ۶۲۰۰۰ کارگر اتوموبیل سازی GM در ۱۳ واحد تولیدی وارد اعتصاب موضعی گشتند. در واقع تعداد کارگران کارخانه فوق که در UAW متشکل شده اند، حدود ۳۵۰۰۰۰ نفر که در ۱۵۱ واحد مختلف در سراسر آمریکا مشغول بکار هستند، میباشد. تاکتیک اعتصاب موضعی که از طرف رهبریت اتحادیه پیشنهاد و به - مورد اجرا گذاشته شد، آن چیزی نبود که مورد علاقه تمام کارگران باشد. اولاً کارگرانی که وارد اعتصاب گشتند مجبور بودند بجای حقوق هفتگی به ۸۵ دلار در هفته که از صندوق اعتصاب پرداخت میشد، بسده کنند. ثانیاً برخی از کارگران اظهار میداشتند که اگر تمام کارگران در آن واحد وارد اعتصاب شوند، با قدرت نمایی بیشتری قادر خواهند بود به اهداف خود برسند.

اما اشکالاتی که از جانب رهبریت برای اعتصاب همگانی عنوان میشد، بدین ترتیب بود که: ۱- توان مالی اتحادیه محدود بوده و طبق آمار رسمی حدود ۵۷۱ میلیون دلار بودجه برای اعتصاب در اختیار داشتند. بنا براین اگر تمام کارگران (۲۵۰۰۰۰ نفر) یک زمان وارد اعتصاب شوند (با توجه به اینکه هر کارگر باید هفته ای ۸۵ دلار دریافت کند)، طول مدت اعتصاب محدودتر از آلترناتیو اعتصاب موضعی بوده و شاید زمانی کافی برای پیشبرد مقاصد کارگران نباشد. در صورتی که با آلترناتیو اعتصاب موضعی اولاً حاسن ترین نقطه بهره وری مورد هدف قرار داده شده و در واقع ۶۰٪ مجموعه سود را شامل میگردد. ثانیاً با مشغول بودن باقی کارگران آنها قادر خواهند بود با پرداختن حق عضویت اتحادیه ای، به صندوق اعتصاب و در نتیجه اعتصاب کنندگان یاری رسانده و زمان اعتصاب را در صورت لازم طولانی بنمایند.

۲- انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نزدیک بوده و برخی معتقد هستند که رهبریت اتحادیه عمداً نمیخواستند به اعتصاب همگانی دست بزنند. تقریباً تمام اتحادیه های بزرگ از جمله UAW "والتر ماندل" را در مقابل "رونالد ریگان" تأیید کرده اند. بنا براین اگر آنها وارد اعتصاب همگانی میشدند، بالطبع توقف تولید اتوموبیل در قسمتهای دیگر اقتصاد جامعه تأثیر گذاشته و منجر به بیکار شدن افراد بیشتری میشد و در نتیجه بکنش "نظر سنی" نسبت به اتحادیه و در - نتیجه "والتر ماندل" پدید میگشت.

اعتصاب کارگران به مدت ۶ روز ادامه داشت تا اینکه در ۲۱ سپتامبر اعلام شد که بین نمایندگان طرفین توافق حاصل گشته و رهبران اتحادیه از کارگران خواستند که به سر کار خود برگردند. جالب توجه اینکه، هم رهبران اتحادیه و هم مدیریت GM و ارگان های سرمایه داری از جمله "وال استریت ژورنال" از این موافقت نامه به خوبی یاد کردند و آن را یک پیروزی تلقی نمودند. اما عده کثیری از کارگران و برخی از رهبران

آنکه ناموخت از گذشت روزگار نیز ناموزد ز هیچ آموزگار

توضیح

مسعود رجوی به مناسبت آغاز بیستمین سال بنیانگذاری سازمان مجاهدین، پیامی انتشار داده است که از جوانب مختلف در خور تأمل و بررسی است. این پیام تحت عنوان "پیام برادر مجاهد مسعود رجوی فرمانده عالی و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران بمناسبت آغاز بیستمین سال بنیانگذاری سازمان" در مجاهد شماره ۲۱۹، انتشار یافته است. بدلیل اهمیت این پیام، بخصوص از این زاویه که رجوی

ضمن بیشترین حمله به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، درصدد توجیه دریافت پیامهای اخیر از سران امپریالیسم و روابط خود با امپریالیستها برآمده است، در چند شماره "جهان" بدان خواهیم پرداخت. این پیام انعکاس آشکارتری است از راست روی مجاهدین، نزدیک شدن آنها به امپریالیسم و دور شدنشان از نیروهای انقلابی. ما قبل از بررسی جزئیات آن، تم حاکم بر این پیام را در مقدمه ای کوتاه ترسیم می‌کنیم.

مقدمه

پیام رجوی، اعتراف به شکست است. عاصی از درماندگی‌ها و ندانم‌کاری‌هاست. پیامی است عمیقاً از موضع ضعف. پیامی است جهت‌توجیه سازش‌ها که آنرا "دیپلماسی انقلابی" نام نهاده است و مشحون است از کنایه‌ها و طعنه‌ها علیه ما، فدائیان خلق. ما که بزعم ایشان "جامعتی" از بین رفته‌ایم. ما که "گروهک" هستیم. ما که "موجودیت" عینی و مبارزاتی نداریم. اما خود نمی‌دانند که چرا نزدیک به نیمی از این پیام خطاب به ما و علیه ماست؟! این دوگانگی ناشی از چیست؟ "ثورای ملی مقاومت"، این "تنها آلترناتیو"، بقول آقای رجوی آنقدر "بالغ" و "عاقل" است که به سطح هم‌نشینی با سران کشورهای امپریالیستی رسیده است! چرا دیگر مهمترین پیام سال و شاید چندین ساله خود را به "جامعتی" "نابالغ" و از "بین رفته" اختصاص می‌دهد؟ آقای رجوی طی این دوگانگی از یکطرف نغمه ناچیزی و نبود حیات فعال فدائیان را به‌مراه قافیه تنگ مانده "تنها آلترناتیو دمکراتیک" سر می‌دهد و از طرف دیگر انرژی و استعداد و توان خود را در نیمی از پیامش به حمله علیه ما اختصاص داده است. این دوگانگی نمایانگر این واقعیت است که علیرغم خواست سران مجاهدین، نمی‌توان عنصر اجتماعی با ریشه و شاخ و برگ‌دار و حیات‌دار و حیات بخش فدائی را نادیده گرفت. بعلاوه، این دوگانگی خود بر یک امر آشکارناپذیر دیگر نیز دلالت دارد و آن اینکه رجوی موجودیت ما را مانعی در راه دستیابی به اهداف فرمبستی خود می‌بیند. بهمین دلیل ضمن نفی موجودیت فعال ما، به‌بیشترین تلاش برای خنثی کردن اشارات آگاهگری‌های ما بکار می‌گیرد.

گذشته از مطالب فوق، پیام عمیقاً مذهبی، یا دقیقتر بگوئیم خرافاتی رجوی، بر پندار آنها شبیه هنوز بر این توهم‌اند که مجاهدین از مذهب تنها بعنوان پوشش و وسیله‌ای جهت جلب مردم مذهبی استفاده می‌کنند، مهر باطل می‌زند. این دسته از متوهمین استدلال می‌کنند که: مجاهدین برای مردمی که پشوانه مذهبی دارند و هنوز در تب خرافات مذهبی می‌سوزند و هر واقعه مهم و غیر مهم را ناشی از اراده "باری - تعالی" پنداشته و به توجیه آن می‌پردازند و سرنوشت خود را منوط به اراده "قوای بزدانی" می‌دانند و هنوز برنامه و عمل خود را بر فتوای مذهبی این و آن می‌نهند، از پوشش مذهبی استفاده می‌جویند و گرنه خودشان خواهان جامعه‌ای مدرن و پیشرفته، دمکراتیک، آزاد و خالی از خرافات مذهبی و عوام‌فریبی‌های ناشی از دین سالاری و غیره می‌باشند، و هرگز از عقب ماندگی و فرهنگ مذهبی مردم و نیز اصول مذهبی خود برای سرکوب مخالفین خود (همانند آنچه خمینی کرده است)، سود نخواهند جست. اما پیام رجوی که اعتقاد عمیق او را به مذهب و خرافات ناشی از آن روشن تر می‌کند، قدمی است به عقب نسبت به آنچه در گذشته در تکوین مذهب التقاطی خود انتشار داده بودند. مسلماً همانقدر که مجاهدین در مبارزه طبقاتی جهت‌گیری خود را به‌راست فرموله و توجیه می‌کنند، باید در چهارچوب عقیدتی و مذهبی نیز این تطبیق را بوجود آورند. بینش‌التقاطی مجاهدین نسبت به مذهب مربوط به دوره‌ای بود که پرچم مبارزه علیه بورژوازی و امپریالیسم را برافراشته بودند. امروز که این پرچم را به‌کناری می‌نهند و بزیر پرچم بورژوازی می‌خزنند، لازم است که در وجه فلسفی نیز تجدید نظر کنند، زیرا که در تعهدشان نسبت به خلق

و انقلاب نفسی عهد کرده اند.

پیام رجوی که با مقدمه‌ای انکارگرایانه و دین پناه مآبانه و رو به آسمان نگاشته شده است، قدمهایی است به عقب نسبت به دورانیکه مجاهدین "دست خدا" را تنها "در آستین شوده‌ها" می‌دیدند. در این پیام رجوی، مکرر و مکرر بخاطر بخشایش "خداوند" (کدام بخشایش؟! شکر و ستایش نموده است و می‌گوید که: "در پیشگاه پروردگار بکنا سجده شکر بجای می‌آورم. باشد که آیات رحمت و عزت او بر نسل ما بیشتر پدیدار گردد." (مجاهد ۲۱۹). (کدام رحمت و عزت! رژیم خمینی؟! رجوی که این چنین در ایده‌آلیسم مذهب غرق شده است و "خداوند" را بخاطر اینهمه "بخشایش!" به آنها ستایش و شکر کرده است، بدنبود که نه برای هواداران "آگاه"! خود، که برای "مخالفین ناآگاه" می‌نوشتند که چگونه اراده "خداوند عادل" بر حکومت پنجماله جهل و خرافات، قساره و اعدام، شکنجه، کشتار، فقر، بدبختی و بیماری، جنگ و آوارگی جمهوری اسلامی رأی داده است و "تنها" آلترناتیو انقلابی را که ناشر نعمات "خداوند" است، از حکومت مطلوب که لابد عین اسلام است، محروم ساخته است!

این پیام همانقدر که با مقدمه‌ای مذهبی آغاز شده است، پس از انجام وظائفش، یعنی حمله و پرخاش به سازمان فدائیان، توجیه نزدیکی به امیرالایم و همچنین باز کردن گوشه‌ای از دعوای داخلی مجاهدین با بنی صدر و برای اولین بار اتخاذ مواضع ۱۸۰ درجه متفاوت نسبت به گذشته در مورد او، با مناجاتی که غیر از درماندگی و عجز می‌دهد، پایان پذیرفته است. در این پیام، بجای هرگونه برخورد و ارزیابی مادقانه از حرکت اخیر سازمان مجاهدین، و بجای انتقاد و اعتراف نسبت به خطاها، پیشگوشی‌های غلط، تاکتیک‌های نابجا، شیوه‌های سازشکارانه (و از جمله همدستی با بنی‌صدر و اصرار حتی بر انتخاب مجدد او به ریاست جمهوری، بنی‌صدری که امروزه ناگهان توسط آقای رجوی "ردل"، "خائن" و "ارتجاعی" نامیده می‌شود)، و بجای درس‌گیری و درس‌آموزی از تجارب شکست خورده و ضربات وارده ناشی از این عملکردها، نوشته می‌شود: "بارخدا یا تقصیرات و لغزش‌ها و خطاهای زندگان ما را ببخش، زشتی‌هایمان را در پرتو جمال و کمال خودت بپوشان و به خیر و نیکی مبدل کن" - (مجاهد ۲۱۹). بجای توسل به یک برنامه انقلابی، گسستن از زده‌بندهای رژیمستی که با محافل امپریالیستی بعمل آورده‌اند و نتیجتاً جلب حمایت توده‌ها و تکیه بر این حمایت، و ارائه راه حل انقلابی و عملی و رها کردن تاکتیک‌ها و شیوه‌های جدا از توده، و سازماندهی سیاسی و مبارزاتی

توده‌هاشیکه از رژیم بریده‌اند، ندای مناجات به آسمان برمی‌دارد و می‌نویسد: بارخدا یا "ما را در کتف حمایت و رحمت خود بگیر و در خدمت به خلقت هرچه نایسته‌تر گردان. بارخدا یا انقلاب‌رها شیبش و نویسن خلق در زنجیر ایران را هرچه سریع‌تر به حاصل و ثمر نشان و... (همانجا)

مناجات رجوی، یادآور انسانهای مستأطلی است که قادر نیستند خود با نیروی تعقل و اراده بر مشکلات فاشق آیند، لذا برای رفع مشکلات و حل معضلات نیروی ماورالطبیعه را به یاری می‌طلبند. مناجات رجوی به درگاه "باری تعالی"، مناجات سازمانی است که خود را در تارهای شنیده بدست خود گرفتار می‌بیند و شهادت از هم دریدن و خلاصی از آن را ندارد. این مناجات سازمانی است که بجای غلبه بر مشکلات، مشکلات بر آن غلبه کرده است. این مناجات اعتراف ضمنی رهبران مجاهدین به عدم کارآیی شیوه‌های مبارزاتی آنهاست. این مناجات، انتظار دست‌گیری را می‌کشد که ندانم کاری‌ها و آرزوهای برنیاورده مجاهدین را پاسخ گوید. این مناجات، فراموش کردن قوانین تکامل بشری و مبارزه طبقاتی است. این مناجات، بهیچ انگاشتن قدرت توده‌هاست. این مناجات، نافی تمام ادعای کاذبی است که رهبران مجاهدین برای حفظ موقعیت خود به هواداران نشان تحویل می‌دهند. این مناجات، شاخص دیگری است از شکست استراتژی مجاهدین.

مجاهدین و آثار مارکسیستی

شاید بهتر بود آقای رجوی برای اظهار نظرسر بهرامون مسائل مارکسیستی از آقایان "کمونیست" ها - شیکه درون شورا با انتظار کسب "منصب" و "مقام" از هم امروز دور "شیرینی" حلقه زده‌اند، یاری می‌جستند. تا آنجا که ما می‌دانیم، آنها برای توجیه خدمتشان به "اسلام عزیز"، البته از نوع "دمکراتیک و ملی" آن، درشان را خوب خوانده‌اند! ما به توانایی‌های مذهبی آقای رجوی شک نمی‌داریم. ایشان از بسیاری از آخوندها در زمینه مباحث و مسائل اسلامی، روایات و حدیث و غیره تواناتر و خبره‌ترند. اگرچه به گرامام خمینی نمی‌رسند. ایشان خوب می‌دانند که چگونه دل افراد ناآگاه و اسلام‌زده را بدست آورند و حمایت آنها را جلب نمایند. رجوی خوب می‌تواند صفحات متعددی را سیاه کند بی آنکه نکته‌ای گفته باشد. او می‌تواند با

داستانها و ضربالمثل های عامه فهم به زبان ابتدائی و عامیانه بسیار افراد ناآگاه را بدنیا آورد. ولی ایشان باید بدانند که نمیتوان با سرکشیدن به آثار مارکسیستی و بیرون کشیدن کلماتی از یک متن و چسباندن آنها پشت سر هم، خود را مفسر متون مارکسیستی دانست. البته شاید اینگونه اظهار نظرها برای کسانی که در مورد مارکسیسم در سطح تبلیغات دشمنان مارکسیسم شنیده اند، از سرشان هم زیاد باشد و آقای رجوی را نیز آدم مطلعی در این زمینه بخوانند، ولی بد نیست برای ارزیابی اینگونه زست های فاضل ما بانه آقای رجوی از نوشته خود ایشان که علیه ما بکار برده است، مدد بجوشیم. ما می بینیم که حتی نقطه ای از آن کم و یا به آن اضافه نکنیم، جمله ایشان را در اینجا نقل می کنیم. ایشان می نویسند: "... بنظر میرسد عوام فریبی و دجالیت خمینی بر زمینهای از گمبود و آگاهی و دانش و بینش انقلابی و اجتماعی به خیلی های دیگر نیز سرایت کرده است." (مجاهد ۲۱۹) و سپس بدنیا ل این توهین، چند نقل قول بریده بریده از آثار لنین و مارکس می آورند تا بزعم خود مشکل کمونیست هائی را که هنوز مسئله زد و بند آنها با امپریالیسم برایشان حل نشده است، حل کنند. آنطوریکه گویا مارکس و لنین خود زده و بند با امپریالیسم را از اصول مارکسیسم دانسته اند! ادعای رجوی مبنی بر سرایت "دجالیت و عوام فریبی خمینی" به ما و برخورد و ادعای وی (رجوی) در مورد مسائل مارکسیستی بقول مارکس "معجون نفرت انگیزی است از بزرگی کلام و کوچکی منزه". ما مطابق معمول بجای برخورد به مثل، به ارشاد استدلال های خود می پردازیم. ابتدا به سوء استفاده رجوی از کتب مارکسیستی اشاره می کنیم.

"تئوری شکاف" و کپی برداری مجاهدین از حزب توده

لنین خود نوشت که "خواستار دموکراتیکی وجود ندارد که تحت شرایط معینی بعنوان ابزار در دست بورژوازی برای فریب کارگران خدمت نکرده باشند یا نکنند." (درباره مسئله خلقها).

همیشه جریانات رفرمیست و سازشکار استعداد خود را بکار می گیرند تا برای توجیه عمل خود و قانع کردن دیگران نقل قول هائی از متون کلاسیک مارکسیستی بیرون بکشند تا نویسندگان این متون را که مسوود قبول و احترام دیگران هستند، تائید کننده سازش خود جلوه دهند. حزب توده پر استعدادترین جریان بود که تلاش مکرر کرده است که حتی برای خیانت های متعددی که مرتکب شده است، آموزگاران مارکسیسم را به لسوت بکشد و طوری وانمود کند که سیاست های آنها عین آموزش های مارکسیسم است.

در این میان یکی دو نمونه برجسته و بسیار جالب توجه وجود دارد که ما در زیر بدان اشاره خواهیم کرد. اما اجازه بدهید قبل از آن، سه روش مشابهی که مجاهدین علیرغم فدیت هایشان با کمونیست ها، خود با استفاده از منابع مارکسیستی بکار می گیرند، اشاره کنیم.

سازمان مجاهدین در گذشته ضمن مرزبندی با رفرمیسم، خط مشی انقلابی را اتخاذ نمود و از آنجا شیکه بینش صرفاً مذهبی، تا آنجائیکه به اصول خدشه ناپذیر آن مثل قرآن مربوط می شود، پاسخگوی نیازهای بشریت متعین امروزی نیست و بکارگیری سنتی آن در عصر کنونی، چیزی جز رژیم جمهوری اسلامی و خمینی و نوع مدرن آن، بازرگانها از آب در نمی آید، بنیادگذاران مجاهدین با بهره گرفتن و عاریه از متون مارکسیستی، بکار بینش التقاطی بین مذهب و مارکسیسم را در فلسفه، اقتصاد و سیاست برگزیدند و در عمل به مبارزه انقلابی و خونین با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه پرداختند. نیاز مجاهدین به متون مارکسیستی آنها را کم و بیش با بعضی مسائل مارکسیسم آشنا و از آن متأثر نمود و تا زمانی نیز این آشنائی اشراکات مثبت خود را بر حرکت این سازمان بجا گذاشت اما بتدریج که این سازمان به انقلاب و راه انقلابی پشت کرده و راه سازی و رفرم را در پیش گرفته است، استفاده های انقلابی از آثار مارکسیستی را نیز کم کم رها کرده، همانند حزب توده در جستجوی توجیه حرکت رفرمیستی خود برمی آیند و از قضا به راهی کشیده می شوند که حزب توده سالها قبل تجربه کرده بود. در این میان بد نیست یادآوری شود که رجوی در آخرین پیام خود در توجیه دریافت پیام از سران امپریالیسم آمریکا، از میان ۴۵ جلد آثار لنین، با استناد به کتاب "چپ روی، بیماری کودکی" نقل قولی از او را مورد سوء استفاده قرار داده است که حزب توده سالهای متوالی سرلوحه خط مشی رفرمیستی و سازشکارانه خود قرار داده بود، بی آنکه اشاره کند که لنین در چه شرایطی و برای چه منظور و چه کسانی را مخاطب قرار داده بود. بهر حال در این نقل قول لنین اشاره می کند که برای پیروزی بر دشمن باید از هر "شکافی" در بین دشمنان، هر قدر هم که کوچک باشد، هر چه قدر هم ناچیز باشد، مشروط و بانهایت دقت و مواظبت و غیره استفاده شود. حزب توده با بیرون کشیدن این جملات از آثار لنین و نادیده گرفتن شرایط لازم و با نصب العین قرار دادن آن در صدر برنامه های خود، تا بدانجا پیش رفت که شمام استراتژی خود را بر نفوذ از طریق شکاف ها و تضادهای درون هیئت حاکمه قرار داد و دیدیم که چگونه همین استراتژی مورد استفاده حزب توده در زمان رژیم جمهوری اسلامی ادامه یافت و

سراشام چگونه حزب توده در لایبای شکاف های جناح های حاکم، ذوب شد. حال مجاهدین همین استراتژی شکست خورده را پیشه کرده و دریافت پیام از امپریالیست ها را استفاده از تضاد آنها قلمداد کرده اند. دریافت پیام از دشمنان قسم خورده بشریت را، که تمام جهانیان از دست آنان بستوه آمده اند و هر کجا آتشی علیه مردم برپاست، در آن دست داشته و دارند و مغفورترین رژیم های جهان، چون رژیم

قربانی را نجات دهند. آیا اختلاف و تضاد ایستادگان بر سر باید و نباید قربانی کردن است یا میزان ونحوه سهم بری از این قربانی ها. نقش مجاهدین در این کشمکش جناحین و بقول خودشان، از این "میان بازی" چیست؟ باید پرسید که آیا این شما هستید که می خواهید از امپریالیست ها استفاده کنید و با این امپریالیست ها هستید که می خواهید از شما استفاده کنند؟ حال ما تمیذانیم که وجه تشابه



برادر مجاهد مهدی ابریشچی عضو دفتر سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران در دیدار با هانس دیتریش گنشر معاون صدراعظم، وزیر امور خارجه و رهبر حزب لیبرال آلمان فدرال



از سوی دیگر روشن است که شناسایی شورای ملی مقاومت بشارت قطع امید و اعلام عدم مشروعیت رژیم های شاه و خمینی از جانب شخصیت ها و اجزای پارلمان ها و دولت های مربوطه است.

- ◆
- ◆
- ◆
- ◆ ملاقات گنشر با رفسنجانی در تهران



Less verbal abuse: Parliamentary Leader Rafsanjani confers with Genscher
Breaking through a ring of isolation to begin political dialogue with the West.

ملاقات گنشر، وزیر امور خارجه امپریالیسم آلمان در قاعه کوناهی با رهبران مجاهدین و رفسنجانی به چه معناست؟

خونخوار اسرائیل با حمایت بی قید و شرط ایستادگان، بویژه "دمکراتها"ی مورد نظر مجاهدین، چون کندی ها، سر پا ایستاده اند، چه نوع استفاده ای از تضادهاست؟ حتما رهبران مجاهدین میدانند که تضاد جناحین امپریالیسم نه بر سر پایان یا عدم پایان استثمار از نوع استثمار نوین، که بر سر چگونگی پیشبرد آنهاست. حال مجاهدین که خود را منادیان جامعه ای که قربانی دسیسه های این گرگان شده و میشود میدانند، چگونه می خواهند با کنار آمدن با جناحی از گرگان،

مجاهدین با رژیم صهیونیستی اسرائیل در کجاست که دمکراتهای آمریکا هر دو را مورد حمایت قرار می دهند؟ اگر این آقایان بزعیم مجاهدین طرفدار "ملح و آزادی و عدالت اجتماعی" بودند فروریختن این همه بمب و خمپاره بر روی آوارگان فلسطین آنهم طی چندین دهه و طی حمایت مستقیم و علنی از جلادان خلق فلسطین، از چه روست؟ آیا مجاهدین را برای این "معصا" پاسخی است؟ حتما مجاهدین خوب میدانند که همین حزب "دمکرات" امپریالیسم آمریکا چه بسا نقش فعال تری

در بمبارانهای جنون آمیز جنگ ۳۰ ساله مردم وینتنام داشته است. آیا رهبران مجاهدین از خود پرسیده اند که چگونه اینهمه جنایات را می توان با عدالت اجتماعی و دفاع از حقوق مردم یکجا جمع کرد؟ اگر بتوان با جناحی از امپریالیسم آمریکا کنار آمد، چرا نمی توان با جناحی از رژیم خمینی کنار آمد. فرق ما چرا در چیست؟ چرا مجاهدین نقل قول لنینین و تز "شکافها" را در مورد جناح های هیئت حاکمه رژیم خمینی بکار نمی گیرند؟ و چرا فقط بنی صدر فدا انقلابی و خاشن را که با کاربرد همین شیوه می خواهد با جناحی از رژیم کنار بیاید، سرزنش و محکوم می کنند؟ و مگر بنی صدر نمی تواند تحت لوای همین تاکتیک، گام های اخیر خود را در طی راه خیانت بارش توجیه نماید؟ و اصولاً مگر مجاهدین یکبار با نزدیکی به جناح لیرال رژیم خمینی یعنی همین "آقای رئیس جمهور" دیروز شورای ملی مقاومت، و عنصر "خاشن و ماهینا" ارتجاعی امروز" (مجاهد شماره ۲۱۹) که تحت همپس استراتژی استفاده از شکافها صورت گرفت، چه طرفی بسته اند که باز همچنان این استراتژی بی فرجام را ادامه می دهند؟

آری شما می خواهید از "فدائ" امپریالیست ها استفاده کنید و بنی صدر می خواهد از فداد جناح های رژیم خمینی استفاده کند. شما می خواهید با جناح دور اندیش امپریالیسم، و بنی صدر می خواهد با جناح دور اندیش جمهوری اسلامی کنار بیاید و شما بر سر این اختلاف سلیقه علیه یکدیگر پرخاش می کنید در حالی که ما می گوئیم تمام جناح های رژیم خمینی و تمام جناح های امپریالیست ها سراسر یک کرباس بوده و دشمنان قسم خورده مردم ایران و جهانند و انقلاب را با آنها کاری نیست. فرق ما با شما در همین است.

نهاد دمکراتیک یا

حزب دمکرات "آ" آمریکا

اما نکته بسیار در خور توجه، سوء استفاده های ناشیانه ای است که رجوی از نوشته های لنین کرده است. اولاً باید گفت روی سخن لنین، پرولتاریا و کمونیست است و ربطی به جریان نامتجانس و بی در و پیکری مثل شورای ملی مقاومت که تا غلبان مسعود اعتماد شاه جلاد را نیز در خود جا داده است، ندارد. ولی نکته جالبتر اینکه رجوی عوامفریبی را تا بدانجا پیش برده است که برای فریب هواداران "بسیار آگاه خود"، نهادهای "دمکراتیک" جامعه سرمایه داری را با حزب دمکرات امپریالیستی مساوی هم قرار داده و به نقل از لنین می نویسد: "امتناع از کاربرد نهادهای دمکراتیک جامعه سرمایه داری... (ا مری نادرس) (عبارتی که رجوی اضافه کرده است) و همانا تسلیم بی قید و شرط

در برابر فرصت طلبی است... (مجاهد ۲۱۹). ایشان نهادهای دمکراتیک جامعه سرمایه داری مثلاً "کاشون نویسنده گان"، "سازمان زنان"، "انجمن معلم گان"، اتحادیه های صنفی و غیره را با حزب دمکرات آمریکا که برای سرکوب و استعمار خلقهای جهان با رقیب خود حزب جمهوریخواه اختلاف سلیقه دارد، یکسان وانمود کرده و با بدک کشیدن نام لنین خواسته است پیام های دریافتی از سران جناحی از امپریالیسم آمریکا را توجیه نماید! حال باید پرسید آقای رجوی "عوامفریبی و دجالیت خمینی" بما سرایت کرده است یا به شما؟! آیا "حزب دمکرات" آمریکا نهاد دمکراتیک جامعه سرمایه داری است که شما می خواهید از آن "به شیوه لنینی" استفاده کنید؟ و آیا این شانکر این است که شما ابتدائی ترین درکی از این نکته لنینین نداشته اید یا اینکه عمداً خود را به بیراهه زده اید؟ راستی چرا برای اثبات ضد امپریالیست بودن خود و اینکه نزدیکیتان با جناح های از امپریالیست ها فقط "تاکتیک لنینی" و "استفاده از تضادهاست"، اینهمه راه دور می روید؟ شما می توانید در کنار شعارهای متعدد مرگ بر خمینی، مثل سابق، درست مثل سابق و نه بیشتر، شعار مرگ بر امپریالیسم را پای صفحات نشریه مجاهد بکنجانید و گاهگاهی هم با چاپ مقالاتی در آن، بخشی از جنایات بی شمار امپریالیست ها را در نقاطی مثل آفریقای جنوبی، السالوادور، نیکارا - گوئه، لبنان، فیلیپین و... افشا، و محکوم نمائید و از هواداران تنان بخواهید که مثل سابق در مبارزات خلقهای تحت ستم امپریالیسم و نظایرات فدا امپریالیستی متعددی که در شهرها و کشورهای مختلف از طرف نیروهای مترقی بین المللی برگزار میشود، شرکت جویند و اعلام همبستگی نمایند. تا برای ما هواداران "نا بالغ" فدائیان که درک مسائل و تاکتیک های پیچیده شما دشوار است! غیبت سیمتاتیک مجاهدین از این نوع مبارزات، ایجاد سؤال نکند.

شبا هت آقای رجوی با ما رکس

نمونه دیگری از عوامفریبی رجوی در این زمینه سوء استفاده او از نوشته مارکس است، او برای توجیه دریافت پیام از رهبران امپریالیست ها و بقسول خودش، "پیروزی های دیپلماتیک آلترناتیو انقلابی" که ارزانی شان باد، این نوشته مارکس را نیز مورد سوء استفاده قرار داده است. قبل از هر چیز اجازه بدهید عبارتی را که رجوی از مارکس نقل کرده، بهمان شکلی که او آورده است، در اینجا باز نویسی کنیم. "... این امر را که سرنوشت، ابراهام لینن - کلن فرزند وفادار طبقه کارگر را در این تبرد بی نظیر

در راه نجات این نسل در زنجیر و بازسازی یک دنیای اجتماعی نو برگزیده است. سمبل زمان های آینده می‌داند.

قبل از هر چیز، ذکر یک نکته در حاشیه لازم است. یادآور می‌شویم که برخلاف مجاهدین که هر آنچه در قرآن آمده است را مجبورند بی چون و چرا بپذیرند و آنرا اجرا کنند و گرنه "متناقض" و بسا - "التقاطی" نامیده میشوند، ما مارکسیسم را راهنمای عمل خود دانسته و برخلاف مذهب، آنرا متحول و پویا میدانیم و گرنه نیازی نبود که مارکسیسم به مارکسیسم عصر امپریالیسم، یعنی مارکسیسم - لنینیسم بدل شود و الا می‌باید بجای تدوین تئوری های جدید و رهنمودهای عملی نوین، همانند مذہبی ها دائماً به تفسیر "سوره" ها و "آیه" های آن می‌پرداختیم. این تفاوت علم (مارکسیسم) با مذهب است. افراد مغرور بورژوازی برای کوبیدن مارکسیسم، تمام گفته های مارکس در شرایط امروز اروپا را با امروز مقایسه میکنند تا نادرست بودن تئزهای مارکسیستی را ثابت کنند. افراد خرفتی هم هستند که در لباس دفاع از مارکسیسم، همان کار را می‌کنند.

اگر رجوی از ما توقع دارد که هرچه مارکس و لنین گفته اند، تبعیدی بپذیریم، آنوقت چرا مثل خود آنها مذہبی نباشیم؟ بنا بر این علیرغم نظر رهبران انترناسیونال اول، ما تصور نمی‌کنیم که لینکلن با تمام خدماتش به طبقه رنج کشیده آن زمان و خدمت در جهت تحول جامعه به دوران نوین و خدمت به شکوفائی سیستم سرمایه داری، فرزند خلف یا فسادار طبقه کارگر بوده باشد. اما آیا اساساً بحث ما با مجاهدین بر سر این است؟ هرگز. ما از رجوی می‌پریم زیاد احتیاجی نیست که به ۱۲۰ سال پیش برگردند و از کسی که به او اعتقادی ندارند، نقل قول بیاورند. سیاست و راه صدق را که تمثالش اتاق تان را مزین کرده است، اگر امروز می‌شود، می‌پذیرفتید؟ صدقی که در کابینه او علی‌امینی ها و بختیارها و سپهبدزاهدی ها بودند. فکر می‌کنیم جواب شما منفی است. حال اگر فرد خرفتی پیدا شود و شما بگویند شما که تمثال صدق را بر تارک خود نشانده اید، چرا با اعضای کابینه صدق، یعنی امینی و بختیارها همکاری نمی‌کنید، پاسخ شما چه خواهد بود؟

از این نکته حاشیه ای که بگذریم، به اصل مطلب می‌رسیم. اولاً این پیام برخلاف ادعای آقای رجوی، پیام تبریک مارکس نیست. دقیق تر بگوئیم، این پیام انترناسیونال اول است که زیر آن امضای حدود ۵۵ تن از رهبران انترناسیونال اول، از جمله شخص مارکس قرار دارد. اگرچه مارکس نگارش آنرا بعهده

داشت. این پیام علیرغم موضعگیری اغراق آمیز در مورد ابراهام لینکلن، در مجموع پیام درستی بسود. پیامی بسود بخاطر آنچه لینکلن ظرف ۴ سال ریاست جمهوری خود علیه برده داری انجام داده بود. حالاً بیائیم و پیام دهندگان به لینکلن و قصد آنها از ارسال پیام به شخص لینکلن، در جامعه برده دار آمریکا اواسط قرن ۱۹ را با پیام دهندگان به رجوی و پیام گیرندگان از رجوی (که گویا مجاهدین فعلاً مطمحست ندیده اند متن آنرا انتشار دهند)، اهداف پیام - گیرندگان و پیام دهندگان راء و نهایتاً، شرایط دهه های قرن ۲۰ سیستم سرمایه داری ایران، نقش امپریالیسم آمریکا در تکوین و تکامل این سیستم و ایستاده و غیره را مورد بررسی قرار دهیم تا دریابیم که رجوی دست به چه عوامفریبی بزرگی زده است. البته ما می‌دانیم که آقای رجوی اینگونه مطالب را نه برای ما، که مجموعه این فاکتورها را در نظر می‌گیریم، بلکه برای آندسته از هواداران شان که با این تئوریه سازی های صوری و توجیها ت سطحی قانع می‌شوند، می‌نویسد.

اما مطلب مربوط به نقل قول مارکس

قبل از هر چیز باید شناختی از جامعه آمریکا و نقش لینکلن در آن مقطع در دست داشت تا به نابجا بودن و عوامفریبانه بودن مقایسه آقای رجوی پی برد. در اواسط قرن ۱۹، در شرایطی که اروپا در شب انقلابات سیاسی و اجتماعی خود می‌سوخت و پرولتاریای کشورهای صنعتی اروپا سهمی گران در این تحولات ایفا می‌نمود، کمی قبل از دورانی که اولین حکومت کارگران در پاریس شکل بگیرد و به کمون پاریس مشهور شود، در ماورای بحار، یکی از بزرگ ترین و غنی ترین سرزمین های جهان شاهد نبرد سوداگران برده در جنوب و صاحبان صنایع و طرفداران الفای سیستم برده داری در شمال بود. لینکلن، رئیس جمهور حزب جدیدالتأسیس جمهوری خواه آمریکا از درون اختلافات اساسی حزب دمکرات در شمال و جنوب آمریکا، به ریاست جمهوری این کشور انتخاب شد. انتخاب لینکلن، کسی که در رأس برنامه اش الفاء برده داری و مبارزه با برده - داران را قرار داده و در عمل نیز بر اساس این اعتقاد حرکت کرده بود، تحول بزرگی به حساب می‌آمد. تحول تاریخی که به محض اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری امینی بر پیروزی لینکلن و حتی قبل از آنکه لینکلن رسماً در پشت میز ریاست جمهوری بنشیند، ایالات برده دار جنوب اعلام جدائی و نتیجتاً جنگ نمودند، جنگی که برای یکی از اساسی ترین اهداف جامعه بشری به مدت ۴ سال (۴۵-۱۸۶۱) بطول انجامید. البته این فقط بخشی از واقعیت است. در همان زمان سرزمین های جدیدی با غارتگری های

نظامی به سرزمین های تحت سلطه برده داران جنسوب اضافه میشد. ایالات شروتمند و غنی جنوبی آمریکا، آریزونا، تگزاس، نیومکزیکو، کالیفرنیا و ... طی همین دوره ها بزور اسلحه توسط آمریکا اشغال شده بودند با طرح و نقشه برده داران ایالات جنوبی، ساکنین بومی این ایالات (مکزیکه ها و سرخ پوستان) یعنی قربانیان جدید این سیستم، میبایست بردگان جدید آنکلو آمریکنها باشند تا در سرزمین های خودشان از بام تا شام

برای قاره آمریکا داشت، بلکه آفریقا، سرزمینی که تامین کننده انسان های به زنجیر کشیده شده سوداگران بود، و کارگران اروپا نیز از آن بهره میکشیدند. مبارزه لینکلن نه با برده داران، که با برده داری بود. مقابله لینکلن با سودای سوداگران برده، برای بریز انقیاد درآوردن سرزمین های جدید پایان بخشید. او سزاوار پیام انترناسیونال اول بود. ما برای روشن شدن بیشتر عوامفریبی آقای



شماره ۱۹۰

۲۰ بهمن ۱۳۶۲

توضیحات برادر مجاهد مسعود رجوی

آقای بنی صدر در پایان چهارمین سال انتخابات ریاست جمهوری (۵/بهمن/۱۳۵۸) پیامی خطاب به مردم ایران فرستاده و طی آن، نقطه نظرهای خود در این باره را اعلام کرده اند. چنانکه در ذیل پیام ایشان نیز ملاحظه می شود، براساس نظرگاهها و توضیحات مندرج در متن پیام، عنوان "رئیس جمهور" را مورد استفاده قرار ندادند.

علیهذا صرف نظر از دیدگاههای اخص مندرج در پیام آقای بنی صدر، بهرامون مسئله ریاست جمهوری، لازم به تاکید می دانم که در رابطه با شورای ملی مقاومت، همچون گذشته، ریاست جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران برعهده آقای بنی صدر بوده که طبعاً مشروعیت آن همانند سایر مقامات و مسئولیت های دولت موقت آتی، تماماً ناشی از "مقاومت" می باشد.



شماره ۱۹۶

۹ فروردین ۱۳۶۳

اطلاعیه شورای ملی مقاومت

از آنجا که در شرایط کنونی عملاً همکاری میان آقای ابوالحسن بنی صدر و شورای ملی مقاومت در چارچوب این شورا نامیسر می نماید، محضرت براین قرار گرفت که به ائتلاف سیاسی قبامین در شکل کنونی خاتمه داده شود.

آقای ابوالحسن بنی صدر و شورای ملی مقاومت امیدوارند همچنانکه همکاری و اتحاد آنها طی دو سال و هشت ماه گذشته سنت نیکویی در مبارزات مردم ایران بوده است، پایان محترمانه و دوستانه آن نیز سنت حسنه دیگری در تاریخ ائتلافهای سیاسی سپهن ما باشد.

بدیهی است آقای بنی صدر و شورای ملی مقاومت ضمن قدرشناسی متقابل از اقدامات و مبارزات گذشتهی یکدیگر در دفاع از آزادیها، دستاوردهای مشترک فعالیت ائتلافی گذشتهی خود در مسیر آزادی و استقلال و تمامیت ارضی کشور را مورد تأیید قرار داده و آنها را بسیار تحریخش می دانند.

شورای ملی مقاومت
۲/فروردین/۱۳۶۳



شماره ۲۱۹

۱۵ شهریور ۱۳۶۳

در این میان شگفت انگیزتر از همه وضعیت مدعیان چندملگتی است که در واقع سالوسان خیانتکاری بیش نیستند. آنانکه در "میانه ای" حلاوت و قربانی به موعظه! کردن قربانی اهتمام می ورزند و یا در "محاکمه" او می کوشند تا در قدم بعد بتوانند ماهیت ارتجاعی خود را هرچه سریعتر راز نموده و آشکارا اعلام کنند که خمینی را بسا از مجاهدین (و بویژه رهبری توتالیتر دست آنها) به خود نزدیکتر یافتند.



شماره ۲۲۳

۲۰ مهر ۱۳۶۳

و بنی صدر از شورا اخراج می شود.

مجاهدین و شورا "عذر" بنی صدر را درست بدلیل بازگشت به اصل خمینی گراپاندهی خود و ضدیت آشکار او با سیاست انقلابی صلح شورای ملی مقاومت، خواستند.

رجوی به خوانندگان نشریه جهان شومیه میگویم که پیام انترناسیونال اول به لینکلن و کتاب "جنگ داخلی آمریکا" نوشته مارکس را مطالعه کنند تا دریا بند که مارکس ضمن تحسین از عملیات متهورانه لینکلن در ایسین زمینه اصولاً جنگ داخلی آمریکا و مقابله با سیستم برده داری را چگونه ارزیابی می کرده است. دیسید مارکس از این تحولات را می توان در نقل قول زیر از متن پیام خلاصه کرد:

"کارگران اروپا اطمینان دارند همانگونه که

در مزارع برده داران کشت و کار کنند و در مقابل قوت لایموتی دریافت دارند. در چنین شرایطی انتخاب فردی مثل لینکلن (برای بار دوم) که در عمل نشان داد برای پایان این مناسبات، اگر چه به نفع صاحبان صنایع شمال، و به قیمت یک جنگ ۴ ساله باشد، پایدار باقی خواهد ماند، (و سرانجام نیز قربانی توطئه برده داران شده و ترور گردید)، از اهمیت تاریخی بسزایی برخوردار بود. مبارزه لینکلن علیه الیگارشی برده داران نه تنها نتایج بس گران باری

آکسیون های ...

آنجا شیکه هدف اصلی اشغال سفارت رژیم و آکسیونهای مختلف دیگر جلب نظر و حمایت مردم سراسر جهان بود، دستگیری رفقا و بخصوص مقاومت دلیرانه آنها در زندان خود مسئله خبرساز جدیدی بود که توانست اذهان مردم را بیشتر نسبت به شوطه های رژیم ایران جلب کند. همکاری و خوش رقصی های - دولت هلند در این میان، در مقابل - درآمدشاری که از فروش کالاهای خود به ایران نصیب میشود خالی از اهمیت نبود. دولت هلند در عمل ماسک انسان دوستی را کنار زد و لکه ننگ دفاع از خوشبختترین رژیم جهان را - برای خود خرید.

رفقای دربند علیرغم این همکاری با روحیه ای مقاوم، برای نشان دادن - تداوم مبارزه، و افشاکری بیشتر از - جنایات رژیم و مقاومت متحقی طلبانه - خلق قهرمان کرد، در مقابل عمل پلیس دست به اعتصاب غذا زدند. این - اعتصاب غذا به مدت ۲۳ روز ادامه - یافت. اعتصاب غذایی که در سراسر - عمر جنبش دانشجویی خارج از کشور - بسیار کم سابقه بوده است. مقاومت - ۲۳ روزه رفقای دربند حتی بعد از - اشتغال عده ای از آنان به بیمارستان

از یک سو و همبستگی سایر رفقا و هموطنان مترقی و متعهد در کشورها و شهرهای مختلف جهان، چه از طریق پیوستن به اعتصاب غذا، تظاهرات، تحصن در مراکز شهرها و نهادهای بین المللی، راهپیمایی و پخش اعلامیه، مراجعه به افراد و نهادهای دمکراتیک و انجمن دوست بین المللی جهت جلب حمایت آنها و ... موج - جدیدی از مبارزه را علیه رژیم دامن زده و بیش از پیش مسئله تخلیه روستاهای کردستان توسط رژیم - جمهوری اسلامی را در افکار عمومی جهان مطرح نمود.

مقاومت رفقای دربند از طریق اعتصاب غذای طولانی و نامحدود از - یکطرف و تلاشهای متعدد و مختلف رفقا و هموطنان مبارز و نیروهای بین المللی در سراسر جهان برای آزادی رفقا، - سرانجام دولت هلند را، علیرغم - فشارهای وارده از طرف رژیم ایران و ادار به عقب نشینی نمود. رفقا با وجود درخواست "داستان" دولت هلند برای ۴ ماه زندان، درسی و سومین روز - اسارت خود و در بیست و چهارمین روز - اعتصاب غذا در نهایت پیروزی و سر - ترازوی از زندان دولت هلند آزاد شدند.

ما بسیار خرسندیم که اعلام نمائیم - بخشی از وظیفه خود را در دفاع از خلق کرد و افشای توطئه رژیم بنحو احسن - انجام داده ایم. علیرغم حمایت وسیع از جانب نیروها و شخصیت های مترقی خارجی و ایرانی از رفقای محبوس در زندان هلند،

بکوت و عدم همکاری بعضی افراد و نیروها در خور تعمق است. در این رابطه برخورد رفقای راه کارگر، که بیشتر از هر کسی از آنها انضاط و حمایت میرفت، جدا مورد سوال و تأتف است. این رفقا نه تنها عملی برای آزادی ۱۹ رفیق زندانی که با تداوم طولانی اعتصاب غذا روزهای سخت و خطرناکی را میگذراندند، انجام ندادند، حتی از ارسال پیام همبستگی و امضاء تلگراف اعتراضی نیز بدون هیچ توضیحی خودداری کردند!

در این میان تنگ نظری و خود محور بینی سازمان مجاهدین که معمولاً چشم و گوش آنها را در برابر آکسیونهای مبارزاتی ما می بندد این بار آنچنان ابعادی یافت که درست در بحبوحه یکی از وسیعترین آکسیونهای ضروری می هواداران فدائیان، نشریه مجاهد با فحاشی های بی سابقه و ارزانتی - برین برخورد ها نسبت به فدائیان، انباشته گشت.

ما به وظیفه خود در دفاع از جنبش خلقها و زحمتکشان ایران بخصوص خلق کرد ادامه میدهیم و تبلیغات مسموم این دسته از نیروها را به قضاوت تاریخ میسپاریم. ما به مقاومت دلیرانه رفقا در زندان هلند و به تمامی مبارزات - ضار تجاری و ضدا امپریالیستی دانشجویان و هموطنان مبارز خارج از کشور درود - میفرستیم و این مبارزات را بخشی از دین عظیم خود نسبت به کارگران و زحمتکشان خلقهای تحت ستم، بویژه پیشمرگان - قهرمان خلق کرد، زندانیان سیاسی - دلاور و تمامی یاران انقلاب رها نسی بخش ایران میدانیم. ■

جنگ استقلال آمریکا، آغاز دوران جدید شعاعی طبقه متوسط بود، جنگ ضد برده داری آمریکا نیز چنین - آغازی برای طبقه کارگر می باشد. با این تحلیل و ارزیابی از اشراکات جنگ ضد برده داری است که پیام لنینیسم معنی می یابد. هرگونه مقایسه مکانیکی آنروز آمریکا با امروز، چیزی جز تجاهل نخواهد بود. آقای رجوی شرایط آنروز آمریکا و جهان را با شرایط امروز یکسان پنداشته است! و بهمین دلیل طبقه فاکتورهای معادله را نیز همسان گرفته است ایشان رهبران کنونی حزب "دمکرات" آمریکا را که در جنایت و استعمار و سرکوب خلقها فرقی با حزب دیگر ندارد، با ابراهام لینکلن، یکسان پنداشته و بالطبع خودش را نیز لابد با مارکس عوضی گرفته است! البته شباهت کنونی کندی ها و گری هارت با لینکلن همانقدر است که شباهت آقای رجوی با مارکس!

اما در خاتمه این بخش به نسبت که اهداف رهبران امپریالیسم را از اشغال پیام، با اهداف پیام انترناسیونال اول به لینکلن مقایسه کنیم:

۱) هدف رهبران امپریالیسم از پیام به مجاهدین دوگانه است اول برای تهدید خمینی، دوم برای جلب

هرچه بیشتر مجاهدین به جانب سرمایه. اهداف - مجاهدین از گرفتن پیام، استفاده از همان روش خمینی برای رسیدن به قدرت است. یعنی همان استفاده ای که خمینی از محافل امپریالیستی در سازش دادن ارش و بقایای رژیم شاه با خمینی و دارو پستهای کردند و ارگان سازش را بوجود آورده اند (در این زمینه در نشریه جهان شماره ۲۳ مفصلاً صحبت شده است).

در حالیکه قصد انترناسیونال اول از ارسال پیام به لینکلن، حمایت از عملکرد انقلابی او و جلب حمایت کارگران جهان برای تأبوی سیستم برده داری و کمک به رشد کمی و کیفی طبقه کارگر در آمریکا بود. ارسال پیامی از موضع قدرت و حمایت - نه دریافت پیامی از موضع درماندگی و چسبیدن به ریمان پوسیده امپریالیسم در قرن بیستم و مسدد جستن از آنها شیکه دشمنان کلیه خلقهای جهان، متجمله خلق ایرانند. آقای رجوی بخفا نزدیکی خود را با سران امپریالیستها با عنوان کردن اینکه فعلاً نمی توان از آلترناتیو پرولتری سخن گفت، توجیه میکنند. گویا مشکل نبودن کارگران ایران، ساخت و ساخت با دشمنان او را مجاز می شمارد. ادامه دارد

نمونه‌ای از ادبیات ویژه مجاهدین

آنچه که ملاحظه مینمائید، شمای از برخورد مجاهدین به مخالفان خود میباشد که در عین حال نمونهای بارز از ادبیات ویژه مجاهدین نیز بشمار می آید.

در "مجاهد" شماره ۲۲۳، مورخ ۲۵ مهر ۱۳۶۲، مقاله‌ای نگاشته شده است تحت عنوان "سوز و گدازهای ضد انقلابی و مواضع مشترک ضدانقلاب غالب و مغلوب و اپورتونیست‌های راستگرا علیه مجاهدین در قیبال پیروزی‌های دیپلماتیک شورای ملی مقاومت در سطح بین‌المللی". نیمه از این مقاله ۵ صفحه‌ای شامل کلیشه‌ها و بریده‌های نشریات مختلف و حدود یک و نیم صفحه از نیمه دیگر را، فحاشی، القاب و اعوان گوناگون خصمانه تشکیل میدهد.

از آنجا که مقاله فوق‌الذکر شایستگی برخورد، نقد و انتقاد را ندارد، برای اطلاع آن عده از خوانندگانی که از مظالمه آثار مبارزه با دشمنان و بیسبک مجاهدین بی نصیب مانده‌اند بخش‌هایی از آنرا عیناً نقل می‌کنیم تا خوانندگان خود قضاوت نمایند.

مجاهدین بجای هر گونه پاسخ-گویی به انتقادهای و چالش‌ها، به ناسزاگویی روی آورده‌اند. آیا مقاله "سوز و گداز..." مجاهدین و برخورد-هایی از این قماش، نمسایبانگر استیسمال و نداشتن پاسخی قانع-کننده برای توده‌ها نیست؟

با توجه به این شیوه برخوردها آیا ما حق نداریم پیش‌بینی کنیم که مجاهدین اگر قدرت داشتند، بجای هر فحش و ناسزاشیکه در اینجا نثار ما کرده‌اند، چوبه اعدام را راست می‌کردند؟ حتماً به جرم نوطئه علیه امنیت کشور، مگر امروز رژیم جمهوری اسلامی به چه دلیل انقلابیون را زندانی شکنجه و اعدام می‌کند؟ جز اینکه آنها ساقایق را بازگو میکنند و برای آگاهی توده‌ها از این حقایق تلاش می‌ورزند؟

سوز و گدازهای ضد انقلابی و مواضع مشترک ضد انقلاب غالب و مغلوب و اپورتونیست‌های راستگرا علیه مجاهدین در قیبال پیروزی‌های دیپلماتیک شورای ملی مقاومت در سطح بین‌المللی



شماره ۲۲۳

با ردیستان‌ترین موضعگیری ضدانقلابی. همان دعای بی‌صدر را تلم کرده و وفیجانه مجاهدین را منهدم می‌کند که مجاهدین حاضرند "بهر قیمت حتی معنی نفع رژیم عراق سر و نه قضا را بهم بیاورند" تا "سهم بیشتری از حمایت از حکومت عراق دریافت" دارند.

هر چند اقلیت چگونگی انجام این "روای شریک" کودکانی خود را نگفته است اما عمل منحصر و سیاست‌های ضدانقلابی‌اش که همدا با خمینی و راست‌ترین جناح‌های فاشیست سلطنت طلب بر مجاهدین می‌نارد، خود گویای بسیاری مسائل است. اینکه از راست‌ترین جناح‌های فاشیست سلطنت طلب سخن گفتیم نه عراق است و نه پیشگویی.

اینجا است که دیگر اقلیت با اصطلاح پرولترپناه باید به باغباندهی هواداران خودش پاسخ دهد که به چه بهائی اینقدر مورد اعتماد و مرحمت افاتیبستی‌ترین جناح‌های ضدانقلاب قرار گرفته است؟ و بطریق اولی چگونه اقلیت می‌خواهد تفاوت موضعگیری‌های ضدانقلابی خود با موضعگیری‌های جناح‌های مختلف ضدانقلاب بر علیه مجاهدین را برای "هواداران ساده‌اندیش" مجاهدین توضیح دهد؟

این موضعگیری‌های بی‌فایده ضدانقلابی امثال اقلیت و کومه است که بسا فراتر از مناطه‌گری امپریالیسم عملا پادوئی تبلیغاتی دوآتشه و به سهم خود عامل پیشبرد ضد مردمی‌ترین مطامع و هدف‌های ضدانقلاب غالب و مغلوب و راست‌ترین محافظ امپریالیستی است.

آری این جماعات علی‌رغم تمام زورزدن‌های چپ‌نمایانه‌ی خود نمی‌توانند دم خروس همسویی عملی خود با عقب‌مانده‌ترین و ارتجاعی‌ترین جریانات ضدانقلابی را پنهان کنند

عمیقاً راست و ضدانقلابی سیاست‌های خود را در ضدیت با شورای ملی مقاومت و مجاهدین، به مثابه نیروی محوری انقلاب میهنان و مشی انقلابی سلطنتی آن پنهان کنند؟

در این میان، موضوع حمایت ۸۲ تن از نمایندگان کنگری آمریکا و موضعگیری‌های جریانات فوق‌الذکر در این رابطه، آشکارتر از همیشه ماهیت ضدانقلابی و یکسان آنها را در ضدیت با مجاهدین و شورای ملی مقاومت بر ملا کرد.

وحدت نظر خمینی، ضدانقلاب مغلوب و اقلیت و امثالهم در این مورد ناآشنا چشمگیر بود که حتی در بسیاری موارد در بکار گرفتن عبارات هم با یکدیگر تفاوتی نداشتند.

همصدائی اقلیت و کومه و خمینی و سرمایه‌گذاری مشترک و ضدانقلابی آنان روی "هواداران ساده‌اندیش" و با "احتمالی" مجاهدین و تلاشی شورا و مجاهدین هدف اصلی و خواست مشترک سردمداران رژیم خمینی و اقلیت است.

اما امثال کومه و اقلیت که در جریان بیماری لاعلاج خود به مرض کودنی هم مبتلا شده‌اند

براستی چه راز و رمزی در این مسئله نهفته است که مجاهدین "تازشکار" و "مناطه‌گر" و قبیح امپریالیسم می‌شوند اما ضدانقلاب غالب و مغلوب در کنار و همگامی اقلیت و کومه قرار می‌گیرند؟ جز اینکه آنها علیه مجاهدین هر روز بیشتر از روز قبل در گرداب متفنن اپورتونیسم راست خود غرق می‌شوند و برای آبراز وجود به هر "حشیشی" مشتبت می‌گردند؟ آیا غیر از اینست که تنها تفاوتشان با ضدانقلاب غالب و مغلوب در ضدیت با مجاهدین در اینست که توپ‌های خود را با پای چپشان شلیک می‌کنند؟ و آیا غیر از اینست که فی‌الواقع در راست‌ترین مواضع ضدانقلابی با چپ‌ترین گفتمانی به مجاهدین "چشم‌روشنی" می‌دهند؟

اما آنچه در این میان بیشتر جلب توجه می‌کند وضعیت رفت‌وآمد اپورتونیست‌های راست-گرائی است که با آشکارترین و وفیجانه‌ترین شکلی همگام و همدا با ضدانقلاب غالب و مغلوب بر علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت و دستاوردها و پیروزی‌های دیپلماتیک آنان موضع گرفته و پیش از پیش با ارتجاعی‌ترین محافظ امپریالیستی، در ضدیت با انقلاب نوین خلقان همسو گشته‌اند.

از اینروست که افشای ماهیت عمیقاً راست-سیاست‌های ضدانقلابی امثال اقلیت و کومه یکی از وظایف مهمی انقلابیون میهنان می‌باشد. لذا ما وظیفه داریم تا تابلوی دکان چپ‌نمایان عمیقاً راستگرا را با شین کشیده و نشان دهیم که آنان که از میدان عمل انقلابی و کارزار رودررو و مستقیم با خمینی گریزان هستند چاره‌ای جز با شین اناطیلی چون اراجیف اقلیت و کومه ندارند.

بنابراین بسیار طبیعی است که از خمینی گرفته تا پختیار و امینی و رواسانی و بی‌صدر و اقلیت و کومه، "همه با هم" همدا و هم‌زبان به فغان درآیند و هر یک به زبانی وصف حال خود بگویند و بر مجاهدین بنازند و هر آنچه که در چنتای حقاقت‌بار خود دارند در ضدیت کوربا مجاهدین بکار گیرند.

یکی از برگ‌های عوام-فریبانه‌ی جدید حضرات که ضمن مواضع مشترک ارتجاعی و ضد-انقلابی آنان را نیز به بهترین وجهی برملا می‌کند، پیروزی‌های چشمگیر شورا در صحنه‌ی دیپلماتی بین‌المللی است.

اما چه کسی می‌تواند منکر شود که از خمینی گرفته تا سلطنت‌طلبان و اقلیت و کومه هر آنچه که بگویند و بنویسند و با هر مقدار رنگ و لعاب مختلف که به تبلیغات خود بزنند، به هیچ وجه قادر نخواهند بود جوهری

درس‌های سیاسی و نظامی جنگ



جنگ لبنان بسیاری از حقایق را که چندان قدیمی هم نبودند، آشکار نمود. نیروهای انقلابی و دمکراتیک باید این حقایق را بررسی و تحلیل کرده و از آنها درس‌های لازم را بگیرند تا بتوانند با تکیه بر آنها، وظایف آینده را با شیوه‌ای علمی و واقع بینانه مشخص کنند و با فراهم آوردن امکانات کافی برای به اجرا درآوردن این وظایف، وقوع پیروزی‌های مداوم در راه رسیدن به پیروزی نهایی برای توده‌های عرب را تضمین کنند.

اول

اولین واقعیت این است که توده‌ها و نیروهای مشترک فلسطین - لبنان موفق شدند به مدت تقریباً ۳ ماه در مقابل دستگاه نظامی قدرتمند صهیونیستی مقاومت کنند. همین امر باعث پیهم خوردن بسیاری از پیش-داوری‌های دشمنان و دوستان ما گشت. بنابراین افسانه جنگ بیرو آسیا که اساس استراتژی دشمن برای در اختیار گرفتن منطقه و نابودی نیروهای آزادیبخش بود، با برخورد به صخره مقاومت توده‌ها و نیروهای مشترک در لبنان و بخصوص در بیروت درهم شکست و نظریه مبتنی بر لزوم وجود یک موازنه نظامی کلاسیک بین دشمن و رژیم-های عرب، معنی خود را از دست داد.

دوم

مهمترین درسی که از این جنگ گرفته شد، همان‌سا حتمی بودن پیروزی بر دشمن صهیونیستی طی نبردی طولانی توسط توده‌های عربی که از نظر سیاسی و نظامی آمادگی دارند، میباشد.

جنگ لبنان حقایق زیر را روشن کرد:

- ۱- صهیونیسم بعنوان یک کلیت دارای ماهیتی نژاد - پرستانه و فاشیستی میباشد که هرگونه همزیستی با آن را غیرممکن میسازد.
- ۲- این کلیت در چهارچوب طرح کلی امپریالیسم دارای وظیفه مهمی است. نقش آن، نقش یک شریک میباشد و امپریالیسم درست بخاطر همین، تمام وسائل مدرن را برای از بین بردن جنبش‌های آزادیبخش در اختیار آن میگذارد.
- ۳- این کلیت برای سیر کردن اشتهای توسعه طلبانه اش نقش خادم و شریک امپریالیسم را بعهده گرفته است.
- ۴- این کلیت نقش ارتجاعی دیگری نیز در منطقه بازی میکند و آن عبارت است از کمک به مرتجعین منطقه

و حمایت از تمام طیف‌های جدایی طلب در جهت دایم زدن به تضادهای بیمارگونه برای ایجاد چند دستگی در جامعه و جلوگیری از پیشرفت، حمایت "اسرائیلی" از مارونیسم سیاسی و جنبه فاشیستی لبنان، تعلیم میلیشیای این جنبه و حمایت تکنیکی و مالی از آنها، چند نمونه در همین رابطه هستند. ضروری است هنگام بررسی طرح‌های مقابله با دشمن، از این نقش خطرناک آگاه باشیم.

این چهار واقعیت برای اولین بار درجه نژاد - پرستی و فاشیسم کلیت صهیونیستی را به تمام جهان نشان داد و همیشگی نقش این پایگاه مهم امپریالیسم را نیز روشن ساخت. بخصوص برای توده‌های لبنان و فلسطین این مسئله روشنگر شده است!! مبارزه ما با صهیونیسم، مبارزه مرگ و زندگیست و نه مبارزه‌ای برای تعیین مرزها. افکار عمومی جهان کاملاً به خواستهای توسعه طلبانه صهیونیسم و خواستهای امپریالیستی رهبران‌اش آشنایی پیدا کرده است و به همین دلیل این افکار امروز بیش از گذشته آماده حمایت از مبارزه راستین ما بر علیه دشمن توسعه طلب فاشیست است.

نبرد لبنان نشان‌دهنده یک حقیقت استراتژیستیک دیگر، یعنی وحدت دو خلق فلسطین و لبنان در برابر اشغال صهیونیسم بود. وحدتی که مقاومت را ممکن ساخت، این وحدت بطرز درخشانی در مقاومت مشترک و تسوده‌ای در تمام سنگرها، جبهه‌ها، شهرها و ... به چشم می‌خورد. محاصره بیروت بسیار شدید بود و باعث قطع شدن برق و آب، کمبود مواد غذایی و دارویی و بطور کلی تمام احتیاجات اولیه مردم گردید. شهر بیروت و ساکنینش هدف بمباران نیروهای دریایی و زمینی قرار گرفتند. محلات بسیاری غراب شدند و هزاران تن از ساکنین آنها از بین رفتند. علیرغم این حمله وحشیانه، بیروت با اتکا به وحدت فلسطین - لبنان و با دفاع از منافع ملی هر دو خلق، پا بر جا ماند و یکبار دیگر ثابت کرد که برای رسیدن به زندگی باید از موانع عبور کرد و بسدودن وحدت مقابله غیرممکن است.

دو جنبش فلسطین - لبنان با وحدت خود در طول مبارزات نشان دادند که تا چه اندازه تحکیم روابط بین انقلاب فلسطین و جنبش آزادیبخش عرب برای مقابله با خطری که تهدیدشان می‌کند، واجد اهمیت است.

تجربه مبارزات فلسطین در صحنه اردن ثابت نمود که یکی از تلاشهای اصلی انقلاب فلسطین، اتحاد بی‌شائبه جنبش ملی اردن و جنبش ملی فلسطین در مبارزه مشترک در مقابل دشمن صهیونیستی، امپریالیسم و ارتجاع میباشد. تجربه نبرد لبنان یکبار دیگر به روشنی لزوم گسترش روابط بین انقلاب فلسطین و عناصر جنبش آزادی - بخش ملی عرب در جهت اتحاد علیه دشمن و جلوگیری از اثرات منفی یک سری اعمال نادرست بر روی توده‌ها را ثابت نمود.

چهارم

حقیقت دیگری که از نبرد لبنان بدست آمد و باعث حیرت افکار عمومی فلسطینی‌ها، اعراب و جهانیان شده، همانا آشکار شدن تضادهای داخلی صهیونیسم بود. نیروهای مخالف رژیم با اعتصابات و اعتراضات و با جمع کردن امضاء و نامه‌های علنی، مواضع خود را با صدائی بلند اعلام داشتند. وسعت این حرکت بسطی بود که حتی به ارتش هم سرایت کرد و این امری بی سابقه بوده است. زیرا ارتش همیشه از تضادهای سیاسی در امان بود و با جدال در مبارزات سیاسی بین دولت صهیونیست و نیروهای مخالف، دخالتی نمی‌کرد. طی روزهای اول اشغال، هیچگونه اعتراضی نسبت به این تهاجم در درون صهیونیستها و در محافل یهود در سطح جهان دیده نمی‌شد. فقط نیروهای دمکراتیک یهود مخالف صهیونیسم، اعتراض می‌نمودند. مقاومت فلسطین تا نوسر زیادی در آشکار کردن تضادهای داخلی صهیونیسم داشت.

بدین شکل که هرچه جنگ طولانی تر میشد، تضادهای و اعتراضات هم بیشتر میشد. مقاومت نیروهای مشترک و توده‌های لبنان و فلسطین در جنوب، نقشی اساسی در فعال کردن نیروهای مخالف جنگ و نیروهای دمکراتیک و حتی نیروهایش که قبلا پیش‌داوری خاصی نسبت به جنگ داشتند، بازی نمود. تلفات وارده به دشمن از طرف نیروهای مشترک، تعداد زیادی از اسرائیلیها را وادار به ابرار مخالفت با جنگ و سیاست بگین و شارون کرد. صهیونیستها اصلا فکر نمی‌کردند که جنگ طولانی شود و همین موضوع باعث شد که از نظر جانی تلفات زیادی به آنها وارد شود و تضادهایشان شدیدتر گردد. رابطه منطقی که بین ادامه جنگ و مقاومت و تلفات سنگین دشمن از یکسو و تشدید تضادهایشان از سوی دیگر وجود داشت، به ما این درس را می‌آموزد که ادامه مبارزه مسلحانه بر علیه دشمن در دراز مدت به توسعه و تعمیق اختلافات بین نیروهای صهیونیستی و نیروهای مخالف صهیونیسم در درون کلیت صهیونیستی، کمک خواهد کرد. طی مرحله اول جنگ، زمانیکه نیروهای دشمن شهرها و کمپهای جنوب را به شعاع ۲۰ کیلومتر مورد تهاجم قرار میدادند، اعتراضات بر علیه جنگ هنوز شدت نگرفته بود، ولی همینکه جنگ تا شمال (لیبانی) کشیده شد و تلفات دشمن نیز افزایش یافت، مخالفت‌های شدیدی بر علیه آن صورت گرفت. از همه مهمتر هنگامیکه نیروهای دشمن به دروازه‌های بیروت رسیدند و شهرها را محاصره کردند و به مقاومت نیروهای مشترک برخوردند، اختلافاتشان بالا گرفت و به تعداد زیادی از افسران و تشکیلات سیاسی نیز سرایت کرد. در پارلمان بحث‌های زیادی در گرفت که در نشریات منعکس شد. به دنبال بمباران بیروت از زمین، هوا و دریای تظاهرات توده‌ای بی‌شماری انجام گرفت که تظاهرات صدهزار نفری تل آویو مهمترین آنهاست و تمام نیروهای مخالف جنگ در آن شرکت کردند. مهمترین این نیروها، حزب کار به رهبری شیمون پرز میباشد. او بارها در جلسات فوق العاده پارلمان خواستار لغو رای اعتماد از دولت شد ولی علیرغم حرکت‌های متعددی که بر علیه دولت تدارک دید، در جهت مجبور کردن دولت به استعفا، عوفقیتهی بدست نیاورد.

البته ما بخوبی آگاهیم که هیچگونه اختلاف عمده‌ای در مورد خلق فلسطین و حقوق ملی او بین لیکود و حزب کار وجود ندارد و عاملی که باعث گرفتن چنین مواضعی از سوی حزب کار شد، همانا دلایل اپورتونیستی و انتخاباتی میباشد. با اینحال این مخالفتها با دولت لیکود، خود نمایانگر تضادهای عمیقی هستند که مقاومت فهرمانانه ملی در صفوف کلیت صهیونیستی بوجود آورد. این مخالفتها بحدی زیاد بود که حتی در صفوف لیکود و شورای وزراء نیز نفوذ کرد.

تضادهای داخلی کلیت صهیونیستی را میتوان در سه بخش نشان داد:

دمکراتیک از نقش دیگر نیروهای مخالف جنگ جداست. از این نظر که آنها فقط روی تلفات جانی و لطمه های سیاسی "اسرائیل" تکیه نمی کردند، بلکه توسعه طلبی، نژادپرستی و سیاست فاشیستی صهیونیسم را محکوم می کردند. تشویق توده ها برای تظاهرات و ابراز مخالفت بر علیه جنایات آشکار و افشاء کردن این جنایات در بحث های درونی پارلمان "اسرائیل" همگی گویای نقش برجسته و پر ارزش این حزب در طول جنگ هستند. سازمان های ضد صهیونیستی و مخالف با کلیت صهیونیستی باید از کمک و حمایت لازم از سوی انقلاب فلسطین برخوردار شوند. در مورد این سازمانها تنها موضع صحیح، اتحاد سیاسی با آنهاست، همان اتحادی که شعار محوریش، دولت دمکراتیک خلق فلسطین میباشد. این درسی است که باید

۱. بخش توده ای؛ موضع ضد جنگی و نفی آن بین بخشهای عظیمی از شهروندان کلیت صهیونیستی گسترش یافت بطوری که بر سر موضع گیری در مورد جنگ در این کلیت تفرقه افتاد، مسئله ای که هیچگاه سابقه نداشته است زیرا در جنگهای قبلی همواره وحدتی کامل در این کلیت حکمفرما بوده است. این عکس العملها در حد موضع گیری بر علیه جنگ محدود نشد و در سطح جامعه بسیاری مسائل را باعث گردید و نقطه عطف آن تظاهرات ۴۰۰ هزار نفری به دعوت نیروهای دمکراتیک و مخالف بود که بسیاری اعتراض به کشتار بینگناهان صبرا و شتیلا برگزار گردید. خشم و نفرت بحدی بود که حتی مشروعیت کلیت صهیونیستی را زیر سؤال می برد.

۲. بخش اقتصادی؛ بحران اقتصادی در درون کلیت صهیونیستها باعث مخارج هنگفت جنگ، تشدید یافتن و تاثیر زیادی بر روی زندگی روزمره مردم گذاشت. تورم سرسام آور، افزایش مالیات بر خي مواد، افزایش قیمتها و ۴۰۰۰ بحران بحدی رسید که یکی از وزراء صهیونیستها هشدار داد که منفعت نظامی با زیان اقتصادی همراه است.

۳. مخالفت و تضاد در صفوف تشکیلات نظامی؛ این نکته برای کلیت صهیونیستها بی سابقه بوده است. فرار از خدمت نظام، ترک پاسگاهها، سرپیچی از دستورات استعفا افسران مدال گرفته، پخش اعلامیه های مخفی در سربازخانه ها، هیئت های سربازان برای متوقف کردن جنگ و تقاضای حاکم شارون و ... در موارد بسیاری مشاهده شد. در سهایی که ما از این واقعیتها گرفتیم نه تنها برای جنبش ملی فلسطین، بلکه برای تمام جنبشهای آزادی بخش عرب و بین المللی قابل استفاده است. زیرا فقط ادامه و تشدید مبارزه مسلحانه بر علیه کلیت صهیونیستی منجر به تشدید تضادهای درونی آنها و نیرومند کردن اردوگاه ترقی خواه آن میشود. وظیفه ماست که در ضمن تحکیم و گسترش روابطمان با نیروهای ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی، از تضادهای درونی موجود در کلیت صهیونیستی استفاده کرده و برای عمیق کردن آن کار کنیم و همچنین باید برای استفاده از شکافی که بین نیروهای یهود و جریان صهیونیستی در سطح جهانی وجود دارد و از تضادی که بین این نیروها در مورد "اسرائیل" وجود دارد، تلاش کنیم و اینرا نیز باید بخاطر آوریم که از همان اولین روزهای جنگ نیروهای دمکراتیک در درون کلیت صهیونیستی نقشی مترقیانه بازی کردند.



اشغالگر مسلح صهیونیست در انتظار اتوبوس

از این بخش گرفت و لزوم تحکیم اتحاد و همکاری را با این نیروها نشان میدهد. البته در مورد موضع گیری نسبت به "اسرائیل" اختلاف اساسی بین ما و کمونیست RAKAH وجود دارد ولی مخالفت آن با صهیونیسم و امپریالیسم یلاتفرمی را تشکیل میدهد که میتوان بر اساس آن تحولاتی در جهت همکاری بر علیه سیاستهای نژادپرستانه صهیونیستها بوجود آورد.

پنجم

در سطح جهانی، جنگ لبنان ثابت کرد که اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیست و جنبه بین المللی ضد امپریالیستی، متحدین انقلاب فلسطین و جنبش آزادی بخش ملی عرب هستند و همچنین ثابت کرد که امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع سرخفشاره در پی ضربه زدن به این اتحاد هستند و یکی از اهدافشان هم از طرح اشغال لبنان همین بود. اینکه اتحاد شوروی متحد استراتژیکی و اصولی انقلاب فلسطین است، بدان معنی نیست که او میبایست هنگامیکه انقلاب مورد تهاجم قرار گرفت،

آنها در یک چهارچوب کلی، صهیونیسم را یک جریان ارتجاعی و نژاد پرستانه دانسته و با تمام سیاستهای دولت بگین مخالفت می کردند. این نیروها و در راستان، حزب کمونیست "اسرائیل" (RAKAH) در مخالفت با این سیاستها و افشای جنایات ارتش در خاک لبنان نقش برجسته ای بازی کردند. نقش RAKAH و نیروهای

مستقیماً دخالت می‌کند و سرباز و چتر باز پیاده می‌نمود و محاصره بیروت را می‌شکست و در کنار انقلاب فلسطین وارد صحنه میشد. چنین دخالت‌هایی پیامدهای خطرناک و مبهمی بدنبال خواهد داشت. حمایت اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از جنبش آزادیبخش ملی می‌تواند اشکال مختلفی بخود بگیرد. در مورد انقلاب ما، این امر چه هنگام اشغال و چه قبل و بعد از آن به ثبوت رسیده است. ما مطمئنیم که اگر وضعیت اعراب مساعدتر بود، حمایت شوروی بمراتب قوی‌تر و سریع‌تر می‌بود و اگر پایگاهی وجود داشت که شوروی بتواند روی آن حساب کند و وارد نبرد شود، حتماً این کار را می‌کرد. لازمه انکار ناپذیر تدارک یک استراتژی که باید در روشها و تاکتیک عملیاتی انقلابی منعکس باشد، همانا توصیف علمی و دقیق مفهوم حمایت شوروی از جنبش‌های آزادیبخش ملی و حد و درجه آن است. چون جنبه خلق برای آزادی فلسطین بخوبی با این واقعیات آشنایی داشت، موضعش در این سطح روشن و صحیح بود. آنها تکیه دیدی واقع بینانه در این مورد نداشتند، نتوانستند پیش‌بینی‌هایی منطقی در مسیور حمایت شوروی بکنند و همین امر باعث دل‌سردی آنها شد و در مورد مواضع و اتحاد استراتژیک شوروی با انقلاب فلسطین، دچار سردید گردیدند ولی این امر در مسیور جنبه بوجود نیامد.

ششم

نبرد لبنان نشان داد که ارتجاع عرب در گشتارهای توده‌های فلسطین و لبنان سهم است. این واقعیت در گشتار خلق ما از سوی رژیم اردن نیز بوضوح مشخص شده بود. در لبنان در زیر نگاه رهاشمند امپریالیسم آمریکا، ارتجاع عرب‌همپای دشمن صهیونیستی، در تمام گشتارها شرکت کرد. این جنگ برای آنها تکیه فکری نمی‌کردند ارتجاع عرب اینچنین در این حرکات سهم باشد، بسیاری از واقعیات را روشن نمود. جنبه در این مسیور موضعی روشن و مشخص داشت. ارتجاع عرب و ارتجاع لبنان بخوبی خود را در جریان عمل نشان دادند. آنها نشان دادند که دشمن انقلاب هستند و برای سرکوب آن از هیچ جنایتی رویگردان نمی‌باشند. درسی که باید از این وقایع گرفت و ارتجاع عرب بعد از کنار نهادن نقاب از چهره اش آن را بوضوح ثابت کرد، این است که امروز نیروهای ارتجاعی نقش تکمیل کننده طرحهای دشمن را بازی نمی‌کنند، بلکه نقش شرکافی را دارند که فعالانه در توطئه بر علیه جنبش آزادیبخش عرب شرکت دارند.

هفتم

مقاومت فلسطین پایگاههای نظامی محکمی را در لبنان بوجود آورد. ولی بر اثر شرایط خاص مربوط به تحولات لبنان، مجبور گشت پایگاههای کوچک نظامی در مسیور

گروههای کوچک متحرک ایجاد کند و بخاطر واقعیت‌های موجود و امکاناتش، مقاومت فلسطین نمی‌توانست دست به ساختن پایگاههای نظامی عظیم نظیر ارتش‌های کلاسیک دولتی بزند. بهمین دلیل هنگام آغاز جنگ، نیروهای انقلاب فلسطین مانند نیروهای جنبش ملی لبنان قادر نبودند به مدت طولانی در مقابل ارتش اشغالگر کسه از امکانات نظامی بسیار پیشرفته و در مناطق اشغال شده از کمک‌هواپی بر خوردار بودند، مقاومت کنند. نبردی که در جنوب و در کوهستان در گرفت این امر را ثابت می‌کند. در این مناطق دشمن پس از نبردی برق آسا توانست با سرعت پیش‌رود و بخشهای زیادی را اشغال کند. ولی در شهرها و کمپ‌های فلسطینی با شرایطی متفاوت روبرو گردید و پیشروی نیروهایش آهسته‌آهسته و تلفاتش بیشتر شد. در اینجا دشمن برای پیشروی مجبور به پذیرش نبردی بسیار شدیدتر و تحمل خرابی‌های زیاد گردید. مطلبی را که باید در اینجا به آن اشاره نمود این است که با وجود ساختن پایگاههای در تمام لبنان و گسترش مقاومت در هر کوی و برزن از طرف جنبش فلسطین، ما مینبایست دست به ساختن پایگاههای مخفی مقاومت و تهیه بسیاری امکانات دیگر برای یک جنگ طولانی می‌زدیم.

هشتم

نبرد لبنان بدرستی لزوم وحدت نیروها و داشتن طرح نظامی مشترکی در چهارچوب اتحاد ملی کاملاً نشان داد و ثابت کرد که لزوم به حساب آوردن تمام فرضیه‌های موجود از طرف رهبری نظامی چقدر حائز اهمیت است. ما با دشمنی برخورد کردیم که از نیروهای متحد و هماهنگ برخوردار بود و این در مورد انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان صادق نبود. علیرغم تلاشهایی که برای از بین بردن این ضعف‌ها، بعلمت وجود رهبری‌های متعدد و اقدامات جدا از هم، نتایجی بسیار محدود بدست آمد. یکی از شکافهای جنگ لبنان که ما آن را لمس کردیم، عدم هماهنگی بین نیروهای رزمنده و عدم وجود یک نقشه جنگی متحد بود. در عوض دشمن با یک نقشه نظامی که رهبری نظامی پیش‌بینی اش را نکرده بود و حتی احتمالش را هم نمیداد توانست انقلاب و جنبش ملی لبنان را غافلگیر کند. این نقشه در نظر داشت مواضع را محاصره کند و آنگاه بدون پاکسازی مناطق اشغال شده، پیشروی کند و قصدش هم از اینکار تمغیه سریع نیروهای محاصره شده بود. همینطور نیروهای مقاومت احتمال رسیدن نیروهای دشمن به بیروت و کوهستان لبنان (MONT-LIBAN) را اصلاً در نظر نگرفته بودند. بغیر از اینها، این جنگ احتیاج به جمع آوری وسیع وسائل و امکانات نظامی و بسیج توده‌ای داشت، ولی وضعیت رهبری مشترک فلسطین - لبنان و تصمیماتی که میگرفت،

نهم

جنگ ثابت نمود که عامل ذهنی، یکی از عوامل اساسی و تعیین کننده در درگیریها است. هرچند این واقعیت جدیدی نیست، ولی جنگ مفهوم عمیقتری به آن بخشید. اساسی بودن و اهمیت عامل ذهنی در برخی مراحل تاریخی و یا جنگی به اثبات میرسد و در این موارد این عامل، عاملی تعیین کننده میگردد. از جمله در آخرین جنگ اینچنین بود. در برخی مراحل دیگر، در چهارچوب رابطه دیالکتیکی بین این دو عامل، عامل عینی اولویت پیدا میکند. شرایط و اجزاء سازنده یک مرحله بخصوص از جنگ و عوامل اساسی که روی این مرحله تاثیر میگذرانند، اولویت یکی از این دو عامل را بر دیگری، در تعیین عمل انقلابی، مشخص میکنند. مقاومت نیروهای مشترک در بیروت عاملی اساسی بود که دشمن را از حمله بدرون شهرها بازداشت. زیرا دشمن به مدت ۲ ماه میکوشید تا "حمله نهائی" خود را بر علیه شهر آغاز کند ولی مقاومت نیروهای مشترک و تلفات زیادی که به نیروهای اشغالگر وارد آورد، دشمن را وادار به قبول راه حل اواسط ماه اوت کرد.

دهم

جنگ لبنان همچنین درستی و اهمیت عملکرد تاکتیک های ابتکارخواه روشن نمود. از این نظر که اینکار به انقلاب این فرصت را داد که خود را تقویت کرده، از اشتباهات ناموجه پیشگیری کند. یکی از این تاکتیک ها، مذاکراتی بود که در مجموع سالم بود. بدین ترتیب نیروهای انقلاب بر لزوم رسیدن به یک راه حل از راه مذاکره در مورد حضورشان در بیروت، آگاه بودند. توازن قوا در میدان نبرد، لزوم گرفتن تصمیمی مبنی بر تخلیه بیروت برای حفظ بیروت و ساکنینش را به ما تحمیل کرد. از سوی دیگر، گرفتن موضعی آگاهانه و معقول با در نظر گرفتن توازن قوا بدان معنی بود که رهبری میبایست بهترین تاکتیک نظامی - سیاسی را انتخاب کند. تاکتیکی که از به بن بست رسیدن انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان و از دادن امتیازاتسی به دشمن جلوگیری نماید. جنبه نقشی مثبت در جهت مذاکراتی که حفظ شهر و تامین جان افراد نظامی و غیر نظامی آنها تضمین میکرد و تخلیه ای آبرومندانه را در نظر داشت، ایفا نمود. رهبری مشترک به اتفاق تصمیم گرفت که تسلیم را رد کرده و به جنگی تمام عیار برای دفاع از بیروت ادامه دهد. با ادامه جنگ یک توازن تاکتیکی قوا بوجود آمد و دشمن را مجبور کرد که شرایط را بپذیرد.

جنگ لبنان نشان داد که جنبه از جمله سازمان هائی بود که دید روشنی از وسعت اشغال صهیونیستی

داشت. هرچند در مشخص نمودن چگونگی اجرای نقشه امپریالیستی - صهیونیستی - ارتجاعی در جهت نابودی انقلاب دچار اشتباه گردید. تحلیل های جنبه تا قبل از ژوئن ۱۹۸۲ جنگی به این بزرگی را پیش بینی نمیکردند و بیشتر روی عملیات نقطه ای و مقطعی نظر داشتند. این ارزیابی تا زمان اولین حمله های هوایی و علیرغم اطلاعاتی مبنی بر احتمال چنین حمله وسیعی که به مقاومت میرسد، باقی ماند. ارزیابی های جنبه نسبت به وسعت این تهاجم اشتباه بود. از این نظر که ما حتی در بدترین شرایط هم تصور نمی کردیم که این تهاجم از اطراف زهرانی فراتر رود.

این ارزیابی های غلط به ما درس مهمی دادند. علاوه بر این، جنگ لبنان اهمیت یکپارچگی سیاسی، تشکیلاتی و نظامی حزب را، بخصوص هنگام نبرد، روشن نمود و همچنین اهمیت وجود انضباط و از خود گذشتگی که مبارزین حتی در لحظات دشوار و بحرانی از خود نشان میدادند را ثابت کرد. جنبه نشان داد که بنواسطه یکپارچگی سیاسی نظامی و تشکیلاتی و انضباط و از خود گذشتگی رزمندگان و درستی مواضع سیاسی اش در طی جنگی وحشتناک که انحرافات زیادی در درون بسیاری از سازمانهای ملی و مترقی فلسطینی و لبنانی بوجود آورد، یک جهش تشکیلاتی و ایدئولوژیکی مهم در عمل و نه در حرف، داشته است. این بدان معنا نیست که ما در تمام طول جنگ از هر گونه اشتباهی میرا بودیم، بلکه به این معنی است که در مجموع، کارمان در هنگام نبرد مثبت بود.

یازدهم

جنگ آخر نمایانگر ضعف انقلاب در بسیج توده ها، با در نظر گرفتن ماهیت دشمن، اهداف تهاجمی وی و مصمم بودنش در نابودی انقلاب بود. اگر بسیج در حدی لازم صورت میگرفت، مقاومت در برابر نیروهای اشغالگر، وسیعتر و طولانی تر میشد و لطافت بیشتری را به دشمن وارد میکرد.

طی جنگ، انقلاب فلسطین به روابطش با توده های لبنان ارجحیت زیادی بخشید. ارجحیت دادن به صحنه لبنان، با در نظر گرفتن وضعیت انقلاب، اشتباه نبود ولی میبایست به صحنه های دیگر هم توجهی بسیار میکرد. باید سریعاً و با جدیت در جهت بسیج بخشهای وسیع خلق فلسطین اقدام شود و برای اینکار باید از درسهای گرفته شده و تمام اشتباهات گذشته استفاده کرد. یک چنین جهت گیری که باید جزو وظایف اولیه انقلاب فلسطین و تمام مراجع و سازمانهای مختلف آن بشمار آید، مطمئناً مستلزم انتقاد از خود و رفع اشتباهات در درون این سازمانها میباشد و باید به تمام صحنه ها توجهات لازم را نمود و نباید این روابط را تنها به یک صحنه محدود کرد. ■



هدف از اختصاص دادن صفحه "آموزش و آژه‌ها و مقوله‌های فلسفی، سیاسی و اجتماعی" در نشریه "جهان"، دستیابی به نوعی زبان و فرهنگ تئوریک مشترکی است که بتواند در خدمت ایجاد نوعی دیالوگ برای تسهیل ارتباط فکری در جنبش چپ قرار گیرد. بدلاوه، این صفحه میتواند در ارتقاء دانش تئوریک و آموزش سیاسی هواداران - سازمان و کلیه علاقمندان مفید واقع شود. در هر شماره "جهان"، ما واژه یا مقوله‌ای را مورد بررسی قرار میدهیم. این صفحه حاصل مطالعه و تحقیق رفیق یا رفقای تهیه کننده آن میباشد و تحت نظر هیئت تحریریه "جهان"، درج میگردد. از کلیه خوانندگان "جهان" میخواهیم تا واژه یا مقوله مورد سؤال خود را برای ما بنویسند و ما در فرصت مناسب آنرا در این صفحه خواهیم گنجاند.

"جهان"

ماتریالیسم دیالکتیک

خلاصه - ماتریالیسم دیالکتیک را میتوان در خلاصه - ترین شکل خود به مجموعه مفاهیم ذیل بسط داده و آنرا توضیح داد:

ساده‌های درونی ناشی از تضادهای گوناگون کلیت ارگانیک هر شیئی مادی و عینی، علت تعیین کننده رشد آن به فرم کمی/کیفی و به طریق نفی در نفی و همچنین چگونگی انعکاس ذهنی این رشد میباشد.

تاریخچه - انسان در تولید و بازتولید حیات طبیعی خویش از یکسو و در ساختن حیات اجتماعی خود از سوی دیگر، همواره در تلاش برای رشد حیات فکری خویش در جهت کشف عام‌ترین قوانین حاکم بر رشد و تغییر طبیعت، جامعه انسانی و دنیای فکری خود بوده است. ویژگی تیره انسان در همین پراکسیس یعنی وحدت پراتیک تولیدی - اجتماعی و فعالیت تئوریک وی نهفته است. شناخت عام‌ترین قانونمندیهای تکامل عالم هستی، خصوصاً جامعه انسانی، با گذار جامعه اولیه انسانی به جامعه طبقاتی، برای طبقات تحت استثمار و در حال مبارزه برای رهائی از یوغ بهره کشی انسان از انسان، ضرورتی صدچندان یافته فلسفه علمی عالم هستی نهایتاً توسط مارکس و انگلس، با بنیان ایدئولوژی طبقه کارگر مبتنی بر یک نگاه طبقه پیگیر در براندازی نظام سرمایه داری بعنوان آخرین شکل تاریخی جامعه طبقاتی و در ایجاد شرایط تاریخی برای محو کامل همه طبقات و - برقراری جامعه کمونیستی، ایجاد شد. این فلسفه علمی در "فقر فلسفه" و "گای پیتال" (مارکس) و "آنتی دورینگ" (انگلس) تکوین یافته و بعدها "ماتریالیسم دیالکتیک" نام گرفت. با اینحال بنیان آن، این فلسفه را "پردوش" دستاوردهای علمی طبیعی و اجتماعی - فکری گذشته و معاصر خود بنیان نهادند. اما با ماتریالیسم دیالکتیک سنتزی انتقادی از دو فلسفه بورژوازی بود: ماتریالیسم مکانیکی فوئرباخ

و دیالکتیک ایده‌آلیستی هگل. مکانیکی بودن اولی - ناقص دیالکتیک و ایده‌آلیسم دومی ناقص ماتریالیسم بود. نتیجه این استخراج انتقادی بر مبنای پیشرفته‌تریسن دستاوردهای معاصر علمی زمان مارکس و انگلس یک جهان بینی بود. بقول انگلس "جهان بینی کمونیستی": مجموعه - ای تئوریک که مبین حقیقی واقعیت مشخص در کلیت آن بوده و بگونه‌ای علمی مطرح میگردد، یعنی بصورت نوعی فلسفه طبیعی که نتایج علوم خاص را در پروسه بلوغ شان تعمیم داده و توسط آنها اثبات میگردد؛ این شامل علم اجتماعی ماتریالیسم تاریخی نیز میگردد.

تئوری. حال به بسط بیشتر خلاصه فوق‌آراشه شده از ماتریالیسم دیالکتیک میپردازیم. از آنجا که درک هر جزء از تعریف از درک کلیت تعریف جدائی ناپذیر است، هر مفهوم بسط داده شده را موقتاً از کل جدا ساخته و به بسط و بسط آن میپردازیم.

۱. عینی بودن ماده،

علت تعیین کننده و چگونگی انعکاس ذهنی

هیچ موجود غیر مادی در عالم هستی وجود ندارد. عین وجه مقابل ذهن و هر آنچه است که مستقل از ذهن انسان (و آن هم همه انسانها) بصورت اشکال مختلف مادی وجود دارد. عین نسبت به ذهن "خودرشد" است بنا بر این عامل تعیین کننده. رشد عین در خود عین نهفته است. ذهن تنها و تنها با انعکاس حقیقی قانونمندیهای حرکت عین و **تداخل** در آن بصورت پراتیک است که قادر به تاثیرگذاری بر حرکت عین میگردد. در نظر گرفتن "خودرشد" بودن عین، در واقع - ابراز مفهوم "ماتریالیسم" است نتیجه آنکه پراتیک **انسانی** خود جزئی از عین میباشد. در نتیجه نباید عین را صرفاً بعنوان ماده طبیعی بلکه در شکل ماده انسانی - اجتماعی نیز حساب آورد. انسان با پراتیک در عین عمل

میگردد... لنین جهانشمول ترین تعریف از ماده را بدین صورت ارائه داد: "ماده یک مقوله فلسفی است که بیانگر آن واقعیت عینی میباشد که توسط حواس انسانی به انسان شناسانده شده و توسط حواس وی در حالتیکه [ماده] مستقل از وی است کپی برداری، عکسبرداری و منعکس میگردد."

۲. تضاد

تضاد واحد سلولی کلیت اشیا عالم هستی میباشد. شناخت اشیا عالم هستی از شناخت ساده ترین شیئی آن، یعنی تضاد آغاز میگردد. تضاد یعنی تداخل *interpenetration* اعداد. تداخل اعداد بیانگر دو گونه رابطه متقابل همزمان و مکمل بین دو قطب تضاد است: وحدت و مبارزه. هر تضاد - بعنوان ساده ترین شکل اشیا عینی دارای عماره کلیه قوانین رشد عالم هستی است بنا بر این "دیالکتیک همان تضاد است. بقول لنین: "بطور خلاصه، دیالکتیک میتواند - بعنوان دکتترین وحدت اعداد معرفی گردد. این چوهر دیالکتیک را در بر میگیرد، ولی محتاج توضیحات و بسط بیشتر است" در شناخت هر تضاد بعنوان تداخل اعداد میبایست رابطه قطبین، جهت دخالت شدت و نوع تضاد را تمیز دهیم: ۱- رابطه تضاد بیانگر فعلیت تداخلی است که بصورت وحدت و یا مبارزه بروز میکند. ۲- قطبین تضاد بیانگر دو جزه یا وجهی است که از طریق خواص خود تضاد را با خود حمل میکنند. ۳- جهت تضاد - بیانگر این است که کدام قطب تضاد رشد یافته است و کدام زوال یافته ۴- حالت تضاد - بیانگر مرحله رشد تضاد است الف - آیا بالقوه است، یعنی هنوز - وحدت غالب است که بصورت توافق، همگونی و تطابق ظاهر میگردد. وحدت همواره مشروط، موقتی، گذرا و نسبی است. ب - آیا بالفعل (عمده) است یعنی مبارزه غالب شده است که بصورت اختلاف، تعارض و تناقض ظاهر میگردد. مبارزه - همواره مطلق است ۵- شدت تضاد - بیانگر درجه شدت حل تضاد است که بر دو نوع است: انتاگونیستی، غیر آنتاگونیستی. ۶- نوع تضاد - اینکه تضاد درجه جایگاهی در عالم هستی و درجه ارتباطی با تضادهای دیگر قرار دارد. انواع تضادها در بخش تضادهای گوناگون توضیح داده خواهد شد.

۳. کلیت ارگانیک هر شیئی

عالم مادی بصورت مجموعه‌هایی از تضادها وجود دارد. ماده دارای ساخت ناهمگون، لایتنامی و از بین نرفتنی است. عالم مادی دارای سازمان بوده و بصورت کلها wholes وجود دارد. هر کل مجموعه‌ای است از اجزاء (دارای خواص و گرایشاتی) که بطور خاصی به یکدیگر مرتبط اند، بطوریکه از این طریق آن کل را از روابط بیرونی خود متمایز میسازند. روابط بیشمار بین اجزاء هر کل با خود و با خارج بیانگر تضادهای بیشمار آن کل میباشد. هر شیئی مفروض یا یک کل است و یا یک جزه از کل دیگر. بدین صورت -

است که عالم مادی از کل های "تودرتو" تشکیل میگردد. بنا بر این مبنای کل یا جزه بودن یک شیئی نه یک امر دلخواهی است بلکه مبنای عینی دارد. لازم بتذکر است که یک شیئی مفروض A بعنوان یک کل، تنها در کیفیتش متفاوت بعنوان جزئی از کل دیگر، مثلا شیئی B بشمار میرود مثلا یک "کارگر" بعنوان یک کالاهواره جزئی از کل سیستم سرمایه داری است. حال آنکه بعنوان یک انسان دارای سیستم بیولوژیک یعنی در کیفیتش متفاوت یک کل مصوب میشود. "کلی" بقول لنین، جهانشمولترین مقوله است چرا که خصوصاً در عین حال هم میتواند جزه و هم کل باشد. "کلیت ارگانیک هر شیئی" یا کلیت ارگانیک خود آن شیئی - بعنوان یک کل است یا کلیت ارگانیک کل کیفیتش و شیئی که آن شیئی جزئی از آن را تشکیل میدهد. هر شیئی بعنوان یک کل دارای تضادهای ذیل است: تضادهای بیرونی با کل های دیگر، تضادهای درونی شامل تضاد کل و جزه، تضاد اجزاء با هم و تضاد درونی هر جزه. هر شیئی بعنوان یک جزه دارای تضادهای ذیل است: تضادهای بیرونی با کل های دیگر، تضادهای درونی شامل تضاد با کل خود، تضاد با اجزاء دیگر و تضادهای درونی خود. کل و جزه تنها و تنها از طریق تداخل در یکدیگر است که موجودیت مییابند. تغییر هر جزه از تغییر کل آن جداشی ناپذیر است و بالعکس تغییر هر کل از طریق تغییر اجزاء آن میسر است.

۴. تضادهای درونی، علت تعیین کننده

کدامیک از تضادهای بیشمار یک شیئی مادی عینی در حیات آن نقش تعیین کننده ایفا میکنند؟ بنا به تعریف، یک شیئی مفروض میتواند در عین حال یک کل باشد و یا یک جزه از یک کل متفاوت دیگر. اگر آن شیئی را یک کل محسوب کنیم تضادهای درونی آن همان کلیت ارگانیک آن شیئی بوده و بنا بر این واضح است که تضادهای درونی آن شیئی در این حالت علت تعیین کننده حیات آن شیئی مفروض کلی خواهد شد. ولی اگر آن شیئی مفروض را یک جزه از یک کل کیفیتنا متفاوت دیگر بحساب آوریم، مسئله قدری متفاوت است. آیا در این حال نیز تضادهای درونی این شیئی جزه علت تعیین کننده آن میباشد؟ متافیزیک به سؤال فوق جواب آری یا نه میدهد. با این مضمون که "اگر بگوئیم تضادهای آن کلی که آن جزه بدان متعلق میباشد تعیین کننده است بدین معناست که تضادهای درونی جزه تعیین کننده نخواهد بود. یا این یا آن، این پاسخ متافیزیک است. در حالی که پاسخ دیالکتیکی، دیالکتیک تضاد بین جزه و کل را همواره در نظر دارد. ما نباید تضادهای درونی یک جزه را، مستقل و جدا از تضادهای کل محسوب کنیم چرا که دیالکتیک جزه و کل، تداخل این دو سطح از تضادها را بیان میکند. تضادهای درونی شیئی جزه، خود بیان مجردی از تضادهای درونی کل میباشد. بنا بر این تضادهای درونی

شئی جز' تعیین کننده رشد آن میباشد ولی نه با مضمونی که متافیزیک بدان میدهد، چرا که دیالکتیک تضادهای - درونی شئی جز' را انعکاس و ادامه ویژه‌ای از کلیت است ارگانیک شئی کل محسوب میدارد. شئی جز' نه تنها حاوی تضادهای بیرونی و درونی شئی کل است، بلکه دارای - تضادهای منحصر بفرد خود نیز میباشد که مجموعه این ها - ماهیتی خاص به آن شئی جز' میدهد. شئی کل تا آنجا - میتواند در رشد یک جز' خود تعیین کننده باشد که در آن تداخل نماید یعنی تضادهای خود را به تضادهای درونی آن شئی جز' بدل سازد. بنا بر این میتوان نتیجه گرفت کسسه تضادهای درونی ناشی از کلیت ارگانیک هر شئی مادی - عینی، چه آن شئی خود یک کل باشد یا جزئی از یک کل - متفاوت دیگر، علت تعیین کننده حیات آن است. لازم به توضیح است که این واقعیت عینی را باید از تلاش ذهنی برای شناخت آن متمایز نمود. یعنی اینکه شناخت یک شئی مفروض بعنوان یک کل از درون خود قابل توضیح است حال آنکه یک شئی جز' را تنها در زمینه جایگاه خاصی که آن شئی در کلی که بدان متعلق است اشغال میکند، میتوان توضیح داد.

۵. رشد

تضاد خود بیان مطلق بودن رشد، حرکت و تغییر است. همانگونه که ماده بدون تضاد غیر ممکن است ماده بدون رشد نیز غیر ممکن میباشد. رشد تضاد مند ماده در زمان و مکان صورت میگیرد. زمان تناوب و تفاعل مراحل پروسه رشد تضاد است و مکان بستری آن. اگر تضادهای درونی ناشی از کلیت ارگانیک تضادهای هر شئی عینی، علت تعیین کننده رشد آن میباشد، این سؤال مطرح میشود که این تضادها و در نتیجه این رشد در چه نرم و به چه طریقی صورت میگیرد؟ برای پاسخ به این سؤال کافیست ما چگونگی نرم و طریق رشد یک تضاد مفروض را دقیق تر بررسی کنیم.

۶. رشد کمی/کیفی

حرکت تضاد بمثابة علت رشد، در فرم کمی/کیفی صورت میگیرد. خواص قطبین یک تضاد در پروسه تداخل در یکدیگر موجب تغییرات کمی میگردند که انباشت این تغییرات کمی، آن تضاد را به یک تغییر کیفی جهشی سوق میدهد و موجب ایجاد تضاد نوین با کیفیت نوین میگردد. این تضاد خود تغییرات کمی نوینی را ایجاد میکند. فرم کمی/کیفی رشد هر تضاد را چنین میتوان بسط داد: تداخل خواص در قطبین هر تضاد با یکدیگر، زمانی که هنوز این تداخل در حالت وحدت بسر میبرد و خواص یک قطب (غالب) به خواص قطب دیگر (مغلوب) غلبه دارد، موجب ایجاد تغییرات کمی در خواص قطب مغلوب میگردد و خواص جدیدی را در آن - رشد میدهد. این خواص جدید قطب مغلوب بنوبه خود در - تداخل قطبین تضاد تا تاثیر گذاشته و روابط جدید، تداخل جدید و بنا بر این نطفه تضاد جدیدی را در دل تضاد کهنه -

شکل میدهند. تضاد جدید که دوسوی خود را در هر دو قطب تضاد کهنه می یابد، هنوز در مرحله شکل گیری است. رشد این تضاد جدید بتدریج تضاد کهنه را وارد مرحله مبارزه آن میکند بطوریکه تضاد کهنه از طریق قطب غالب کهنه و تضاد جدید از طریق قطب مغلوب کهنه در مقابل یکدیگر صف آرایی میکنند. در مرحله مبارزه، در حالیکه رشد تضاد جدید بصورت کمی به عالیترین درجه سرعت و حدت خود میرسد، در مقطعی بطور جهشی موجب تغییر کیفی تضاد کهنه گشته، با مرگ تضاد کهنه، تضاد نو متولد میگردد که بنوبه خود - تداخل نوین و تغییرات کمی نوینی را ایجاد میکند. والی آخر.

۷. نفی در نفی

اگر تضاد علت رشد را توضیح میدهد، اگر کمی/کیفی فرم رشد را توضیح میدهد، "نفی در نفی" توضیح دهنده جهت رشد تضاد میباشد. هر تغییر کیفی که صحبت آن در بالا آمد، یک نفی است "نفی در نفی" بر آن است که توضیح دهد: اولاً - نفی شدن یک تضاد، بمعنای ناپودی تمامی خواص - قطب غالب کهنه نیست بلکه این نفی همواره آن دسته از - کیفیات و خواصی را که تاریخیاً "ضروری" و "مترقی" و روبه تکامل میباشد را حفظ کرده و در کنار ناپودی خواص مغرب گرا و ایستا، آنها را رشد میدهد. آن نفی که موجب حفظ خواص مترقی تضاد کهنه و ناپودی خواص ارتجاعی آن گردد را نفی دیالکتیکی گویند. ثانیاً - چرا نفی در نفی؟ برای - دیالکتیکی بودن یک نفی، ضروری است که خواص نو و خواص کهنه ضروری و مترقی در قطب غالب تضاد نوین با یکدیگر ترکیب (سنتز) شوند. در حالیکه سیر عمومی رشد تضاد ها بدینگونه است که خواص قطب غالب تضاد نوین اولیه که از نفی تضاد کهنه شکل میگیرد، خواص مترقی کهنه را با خود ترکیب کرده و همراه میکند. ترکیب و یگانگی این دو گونه خواص (خواص نو و خواص مترقی کهنه) است که رشد نهایی تاریخ را تضمین میکند. اینجا است که نفی دوم - تضاد کهنه از طریق نفی مجدد تضاد نو (اولی) برای تکمیل نهایی رشد ضروری میگردد. نفی در نفی در واقع سنتز کلیه مراحل رشد یک تضاد میباشد. ثالثاً - رشد تضاد بطریق نفی در نفی، بنا بر این، از ساده به پیچیده بوده و مارپیچی spiral است. انباشته شدن هر چه بیشتر خواص کهنه و - نو مترقی موجب پیچیده تر شدن رشد تضاد میگردد. در همین حال همواره شاهد این هستیم که خواص مترقی یک تضاد - کهنه، پس از نفی در نفی آن، در سطحی عالیتر از تکامل، در تضاد نو بصورت کناری تکرار میگردد. این موجب غلظت - مارپیچی و نه دایره وار رشد تضاد است رابعاً - نفی در نفی بیان مراحل شکل گیری و تولد (نفی اولی)، رشد و مرگ (نفی دوم) در پروسه هر تضاد میباشد. لازم به توضیح است که چگونگی رشد تضاد بصورت نفی در نفی، مسئله رشد بسوی مترقی، گرچه عموماً همواره صحیح است ولی در شرائطی خاص

میتواند صورت نگیرد و به تأخیر افتد. بقول لنین
"این غیردیالکتیکی، غیرعلمی و از لحاظ تئوریک غلط است
که ماحرکت تاریخ جهان را تدریجی و همواره بسوی جلو
بدون جهش‌های موقتی عظیم به عقب در نظر گیریم."

۸. تضادهای گوناگون

حال که علت تعیین کننده، فرم و طریق رشد یک تضاد را توضیح داده و آن را موجب رشد هر شئی مادی و عینی دانستیم، لازم است انواع گوناگون تضادها را بشناسیم. انسان در پیرویه حیات خود در میلیاردها بار برخورد بسوی اشیاء دنیا توانسته است برخی از جهان شمول ترین انواع تضادهای آنرا شناسایی کند و آنرا با مقولات خاص خود بیان نماید. از این میان ما به مهمترین آنها اشاره میکنیم. ۱) تضادهای منحصربفرد، عام و خاص. در هر شئی، برخی تضادها هستند که برای آن شئی منحصربفرد، میباشد و در هیچ جای دیگر دنیای مادی یافت نمیشوند. بالعکس در هر شئی برخی تضادها هستند که عام و جها شمول بوده و بیسیان تضادهای عالمگیر میباشد. با اینحال باید توجه نمود که تضادهای منحصربفرد هر شئی بدون تضادهای عام نمیتواند وجود داشته باشد و بالعکس. بنا بر این کلیت ارگانیک - تضادهای گوناگون هر شئی همواره ترکیبی از تضادهای منحصربفرد و عام میباشد. تعامیت این دو نوع تضاد موجودیت خاص تضادها و آن شئی را فراهم میکنند.

۲) تضادهای علمی و معلولی. همواره در هر شئی عینسی تضادهایی هستند که علت و شکل دهنده تضادهای دیگر میباشد. اینکه یک تضاد علت تضاد دیگر است ثابت است یعنی تاثیر متقابل آنها را رابطه علت و معلول آنها را به هم نمیزند. و گرنه ما بطور غیر علمی به یک "همانگویی" دچار میشویم. با اینحال باید توجه کرد که در مطالعه یک رابطه علت و معلولی در بطن یک شئی همواره متوجه خواهیم شد که رابطه‌ای زنجیره‌ای وجود دارد بدین صورت که آن تضاد علمی خود معلول تضاد ثالثی است و آن تضاد معلولی خود علت تضاد رابع. مقوله "شرائط" توضیح دهنده رابطه بین تضاد علمی و تضاد معلولی میباشد یعنی اینکه همواره باید "شرائطی" فراهم باشد که یک رابطه علت و معلولی برقرار شود.

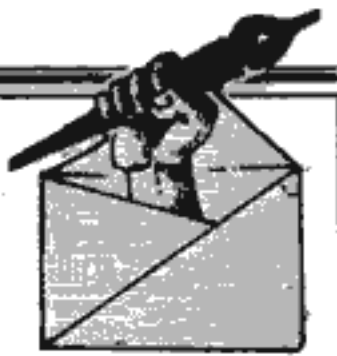
۳) تضادهای فرمی و محتوایی. فرم هر شئی مبین چگونگی سازماندهی کلیت ارگانیک تضادهای آن است. حال آنکه محتوای هر شئی مبین مجموعه خواص گرایشات و کیفیاتی است که در اجزای آن شئی یا کل که آن شئی بدان متعلق است یافت می‌شوند. مثلا در شیوه تولید سرمایه‌داری، فرم مجموعه روابط اجتماعی است که اجزای این شئی، یعنی نیروهای مولده را به یکدیگر پیوند میدهد. حال آنکه محتوای این شئی مجموعه خواص گرایشات و کیفیاتی است که در اجزای آن یعنی در نیروهای مولده وجود دارند. تضادهای فرمی در این مثال مبین تضاد بین روابط اجتماعی در تولید است حال آنکه تضادهای محتوایی تضاد بین تولید

کنندگان و طبیعت است. تضادهای محتوایی نسبت بسوی تضادهای فرمی علی هستند. در نتیجه رشد محتوا زمانی فرامیرسد که دیگر رشد تضادهای محتوایی ترمز شده و خود را در قالب فرم آن شئی محدود مییابند. تضاد بین محتوای رشد یافته و فرم کهنه منجر به تلاشی فرم کهنه و ایجاد فرم نو میگردد. با این حال باید توجه کرد که تضادهای فرمی نیز بنوبه خود بعنوان معلول، تا شری متقابل را در چگونگی رشد محتوا ایفا میکنند و میتوانند برای یک دوره بطور بلاواسطه تعیین کننده گردند.

۴) تضادهای جوهری و نمودی. تضادهای جوهری (ماهوی) یک شئی مجموعه تضادهای حاکم و نسبتا پایدار بر رشد آن شئی میباشد و رشد شئی بسته به رشد آن تضادها میباشد. این تضادها را تضادهای اصلی نیز میگویند و بدین طریق آنها را از تضادهای فرعی و غیر حاکم متمایز میسازند. در بین این تضادهای جوهری یا اصلی، آن تضادی که بنیان این تضادها را شکل داد و حیات کل شئی به محور رشد آن تضاد اصلی میچرخد را تضاد اساسی میگویند. تضادهای فرعی، یا پس مانده از تضادهای اشیائی هستند که شئی مفروض از دل آنان بوجود آمده یا تضادهایی هستند که بطور نسبی در دل شئی مفروض شکل گرفته و نطفه های تضادهای اشیاء آینده را تشکیل میدهند. رشد هر شئی بیان رشد تضاد های جوهری - اصلی/اساسی آن میباشد. شکل گیری تولد هر شئی با شکل گیری و تولد تضاد اساسی و دیگر تضادهای اصلی آن میسر شده و مرکب آن شئی نیز مضبوط به حل تضاد اساسی آن است. در پیرویه رشد هر شئی همه تضادهای اصلی آن به یکباره بالفعل نمیگردند، بلکه همواره یک تضاد اصلی است که برای یک دوره بالفعل شده طالب حل شدن میگردد و خود را در مجموعه‌ی شماری از تضادهای نمودی بیان میکند. این تضاد اصلی را تضاد عمده آن شئی گویند. بنا بر این تضاد عمده یک شئی آن تضادی است که برای یک دوره حیات تضادهای دیگر شئی را تحت الشعاع خود قرار میدهد. عمده در مرحله مرکب شئی است که از بین تضادهای اصلی، تضاد اساسی عمده شده و با حل آن شئی تغییر کیفی کرده و نفی میگردد. تضادهای فرعی نیز میتوانند بنوبه خود در مقاطعی برای یک دوره عمده گردند.

۵) تضادهای ضروری و تصادفی. در هر شئی، تضادهای جوهری بیان تضادهای ضروری آن هستند که وجود آنها برای حیات آن کل ضروری است. ضروری بودن یک تضاد لزوما - بمعنی اجتناب ناپذیر بودن آن نیست. تضادهای ضروری زمانی اجتناب ناپذیر میشوند که همه تضادهای ضروری دیگر بعنوان یک اثر ناتمام از لحاظ تاریخی حذف شده باشند. تضادهای نمودی هر شئی معمولا بصورت تضادهای تصادفی بروز میکنند حال آنکه تضادهای تصادفی خود بیان ضرورتی پنهان میباشد.

۶) تضادهای واقعی و ممکن. تضادهای واقعی آن تضاد -



از خوانندگان

● آمریکا - کالیفرنیا، لوس آنجلس
ن: چک ارسالی شما دریافت شد.
ضمن تشکر، اقدام میشود.

● آمریکا - شیکاگو، بیژن: رفیق عزیز، نامه شما دریافت شد. از اینکه با وجود اشتراک "جهان"، موفق به دریافت مرتب این نشریه شده اید، متأسفیم. اخیراً اصلاحات جدی در تنظیم ارسال نشریات به مشترکین صورت گرفته است. نامه شما فاقد هر نوع آدرسی بود. برای تسهیل در پیگیری تأخیرات پیش آمده، نیاز به آدرس شما داریم.

● آمریکا - مدیسون: چک ارسالی و درخواست شما دریافت شد. ضمن تشکر بسیار، اقدام میشود.

● آمریکا - میامی، م. ج: دوست عزیز، نامه شما دریافت شد. با پوزش بسیار، مسئله مورد نظر پیگیری میشود.

● آمریکا - اکلاهوا، ا. ش: نامه و مبلغ ارسالی شما دریافت شد. بسیار متشکریم.

● آمریکا - آستین تگزاس، بس: درخواست و چک ارسالی شما دریافت شد. ضمن تشکر، اقدام میشود.

● آمریکا - هسته شامویان (هوادار سچفا): نامه و نوشته ارزنده شما دریافت شد. بدلیل تراکم مطالب در شماره های بعدی حتماً از آن استفاده خواهد شد. بسیار متشکریم.

● قطر - دوست عزیز ط. خسرو مبارکی: نامه شما دریافت شد. شما میتوانید از طریق همین آدرس لیست کتب درخواستی خود را بفرستید و وجه لازم را به آدرسی که در صفحه مربوط به کدهای کمک های مالی و آدرس ها (۵۰ یا ۵۱) "جهان" درج میشود، ارسال دارید و کپی چک یا حواله بانکی ارسالی را برای ما نیز بفرستید تا در ارسال نشریات و کتب تاخیری صورت نگیرد. با آرزوی موفقیت.

● آمریکا - لوس آنجلس، ع: چکهای ارسالی شما رسید. با تشکر، نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد.

● آمریکا - ویرجینیا، م. ا: نامه محبت آمیز و چک ارسالی شما رسید. ضمن تشکر بسیار، اقدام میشود.

● فرانسه - کمیته خبر (هواداران سچفا): "اخبار جهان" تا شماره ۱۳۶ دریافت شده است. از زحمات و همکاری های شما بسم خود قدردانی میکنیم.

● ترکیه - "مشول روابط بین المللی انجمن دانشجویان هوادار سچفا": نامه شما و اخبار مستدرج در آن که گزارش ۵ عملیات بمب گذاری نیروهای انقلابی ترکیه در اعتراض به وضعیت زندانهای سیاسی بود، دریافت شد. ضمن تشکر، انتظار داریم اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان و اقشار مختلف مردم ترکیه و نیز سازمانهای مترقی و انقلابی این کشور در ابعاد و اشکال گوناگون آن مورد توجه قرار گرفته و برای درج در "جهان" ارسال گردد.

● هواداران سچفا (گوتنبرگ): رفقا نامه شما در پاسخ به نامه قبلی ما دریافت شد. از توجه جدی و مسئولانه شما بسیار ممنونیم. با بهترین آرزوها.

● آمریکا - ایندیاناپولیس، جاوید: رفیق عزیز، اخبار ارسالی شما رسید. از همکاری مداوم شما صمیمانه تشکر میکنیم.

● آمریکا - شیکاگو، ک. م: نامه محبت آمیز شما دریافت شد. از بابت تاخیر مورد نظر که در ماههای اخیر پیش آمده است، متأسف هستیم. تلاش میشود با اصلاحات جدید، مشکلات این چنینی حل شود.

● استرالیا، سیدنی - رفقای عزیز: نامه مورخه ۱/۸/۸۴ شما دریافت شد. ما متأسفیم که نشریات ارسالی بدستتان نرسیده است. اقدام لازم جهت ارسال مجدد نشریات درخواستی شما بعمل آمد. موفق باشید.

● آمریکا - ویرجینیا، م. ا: نامه محبت آمیز و چک ارسالی شما رسید. ضمن تشکر بسیار، اقدام میشود.

● آمریکا، میسوری - ع. ص: در - خواست اشتراک شما رسید. ضمن تشکر، اقدام میشود. برای اطلاع از مقدار هزینه اشتراک به صفحه ۵۱ "جهان" مراجعه کنید.

● آمریکا - میامی، رفیق ب: از طرح و بریده های ارسالی شما بسیار متشکریم. ملاحظاً مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

● آمریکا - دیویس، رفیق م: مقاله ارزنده و با مناسبت شما رسید. بزودی از آن استفاده خواهد شد. بسیار ممنونیم. در مورد منابع مورد نیاز شما، تماس خواهیم گرفت.

● سوئد - رفقای مشول سازمان استکپلم: برای امکانات مورد درخواستان جهت برگزاری مراسم بزرگداشت قیام و سیاهکل، بهتر است با مشولین تشکیلاتی و فرهنگی سازمان آمریکا تماس بگیرید. موفق باشید.

● هند - رفیق م: نامه شما دریافت شد. از احساس مسئولیت و جدیت شما ممنونیم. در مورد کتاب، مستقیماً با شما تماس خواهیم گرفت.

● کانادا - "حیدر عمو اوغلی": اشعار ارسالی شما دریافت شد. ضمن تشکر، بموقع و بتدریج مورد استفاده قرار خواهد گرفت. توصیه میکنیم اشعار انگلیسی را برای استفاده در Iran Solidarity برای رفقای مشول آن در کمیته دفاع سازمان آمریکا ارسال دارید.

● آمریکا - نیویورک، رفیق م: ترجمه ها، اخبار و مطالب ارسالی شما که بسیار مورد استفاده و مناسب هستند، دریافت شد. ضمن تشکر برای توضیحات بیشتر تماس گرفته خواهد شد.

● هند - ع. ش: رفیق عزیز، نامه محبت آمیز شما و نکات انتقادی تان دریافت شد. ضمن تشکر، نکات مورد نظر شما منتقل و مورد توجه قرار خواهد گرفت.

● **آلمان، دوتموند** - رفیق ر: نامه محبت آمیز شما با مدتی تاخیر بدست ما رسید. ضمن تشکر، در پاسخ به استوالات شما باید بگوئیم که برای چاپ اشعار هواداران پیش شرط هائی قائل نمیشویم بجز اینکه شعرهای رسیده (چه از هوا داران و چه غیر هواداران) مناسب باشد یعنی هم محتوای سیاسی اجتماعی مترقی داشته باشد و هم از غنای نسبی ادبی و هنری برخوردار باشد. لیکن از آنجا که سعی می شود تا حد امکان اشعار بمناسبت تم اصلی هر شماره "جهان" یا وقایع مهم تاریخی و اجتماعی همزمان با آن شماره نشریه انتخاب گردد، بسیاری از شعرهای رسیده در نوبت می ماند تا در فرصت مناسب مورد استفاده قرار گیرد. مسلماً از دریافت شعر شما نیز استقبال خواهیم کرد.

● **اسپانیا** - سازمان سیاسی - ورزشی کونگ فوتوا در خارج از کشور - ف. م: نامه محبت آمیز شما که حاوی نکات اطلاعاتی در مورد وابستگی سازمانی لیست شهدا، منتشره از طرف سازمان مجاهدین بود، دریافت شد. ضمن تشکر بسیار، از اطلاعات ارسالی شما در بررسی های خود استفاده خواهیم کرد. ضمناً دومین کلاژ ارسالی شما هم دریافت شد. برای ما مشخص نیست که آیا بریده های جمع آوری شده را شما به نام سازمان خود منتشر میکنید و آیا عنوان خاصی دارد یا خیر؟

● **پاکستان** - "مدهای از هواداران سابق سازمان مجاهدین خلق ایران": اعلامیه همبستگی شما با بلوچ راج - زرمیش (جنبش خلق بلوچ ایران) دریافت گردید. متشکریم.

● **آمریکا** - دیویس، و.و.: نامه شما دریافت شد. ضمن تشکر در مورد انتقادات در این زمینه که چرا در "جهان" راجع به سرکوب و ستمی که بر بهائیان میشود، مطلبی نمی گنجانیم، باید بگوئیم که ما همواره سرکوب اقلیت های ملی و مذهبی ایران را توسط رژیم ارتجاعی و ستم پیشه جمهوری اسلامی محکوم میکنیم. اگرچه ما نیز مثل شما تفاوت اساسی بین

موقعیت تاریخی - سیاسی و اجتماعی بهائیان با خلقهای تحت ستمی نظیر خلق کرد، قائل هستیم، اما هر نوع ستمی را از جمله ستم بر اساس مذهب، قومیت یا جنسیت و... را محکوم دانسته و علیه آن مبارزه می کنیم. اگر خود شما مطلب مستند، علمی و مفیدی در زمینه سرکوب بهائیان تهیه کنید، در صفحات "جهان" مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

● **هند** - رفیق م.س.: شعر، نامه مسئولانه و انتقادهای بجا بهمراه ترجمه ارسالی شما دریافت شد. ضمن تشکر بسیار چاپ آنها بررسی خواهد شد. در جواب به نکات مورد سؤال باید بگوئیم که مقاله مورد اشاره - ثان در باره مجاهدین تا بحال دریافت نشده است. سایر نکات مطروحه نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت.

● **آمریکا** - کالیفرنیا سان ولسی - د.م.: چک ارسالی شما دریافت شد. ضمن تشکر اقدام میشود.

● **سوئد** - رفیق بر: طرح زیبای شما که بمناسبت سالگرد شهادت صدبهرنگی تهیه و ارسال داشته بودید متأسفانه دیر بدست ما رسید. وب دلیل محدودیت های مالی امکان چاپ پهنکی آن را نداریم و البته چاپ سیاه و سفید آن نمای طرح را بهم میزند ما در اینجا قسمتی از نامه نوشته دلنشین شما را عیناً نقل میکنیم: "این هدیه ای کوچک از رفیقای کوچک در این سوی دنیاست در سال گذشت شهادت معلم بزرگ انقلاب برای شما گه با اندیشه او در راه او قدم میزنید و در تلاشید... میتوانم بگویم ما در زمانه ای زندگی میکنیم که "صد دیگر از تک بودن و در اسطوره ماندن - که مطمئناً نه خواست او و نه تک، تک ما ست - بیرون آمده و به تداوم رسیده است. چرا که اینک صدها فراوان، فراوان در میان توده های انقلابی میهنمان، از شهرها و روستاهای دور و نزدیک گرفته تا کارخانه ها و کلاسهای درس و نهائین در زندانها و پهای جوخه های اعدام، با اندیشه کمونیستی به تلاش خستگی ناپذیر در راهها میزنند و مشغولند. دیگر ما هم سیاه کوچولو" به تنهایی راه دریا را نمی پوید... وجود هزاران زندانی قهرمان و پایداری هوادار سچفا... نما یا نگردد و ام راه صد و تلاش ما همان کوچک قصه های اوست که اینک به واقعیت پیوسته اند و بسوی دریاهای آینده در حرکتند..."

● **آمریکا**، کالیفرنیا - ع.ش.: چک ارسالی و درخواست شما رسید. ضمن تشکر، اقدام میشود.

نشریات رسیده

● سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا (هوادار سچفا): خبرنامه Iran Solidarity News شماره - اکتبر ۸۴، دریافت شد. متشکریم.

● کمیته سیاهکل (هوادار سچفا) تایلند: نشریه ارسالی شما دریافت شد. متشکریم.

● سازمان دانشجویان ایرانی در هند (هوادار سچفا) - خبرنامه شماره ۱۸ و اعلامیه های ارسالی شما دریافت شد.

● سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند و ولز (هوادار سچفا) - خبرنامه شماره ۲۵ شما دریافت شد. متشکریم.

● سازمان دانشجویان ایرانی در وین - اطریش (هوادار سچفا) - از ارسال جزوه ما چه میخواهیم و برای چه مبارزه می کنیم، طرح برنامه سچفا، متشکریم.

● هواداران سچفا در لوئیزیانا - سومین شماره نشریه همبستگی بدستمان رسید. متشکریم.

● سازمان سوسیالیستهای ایران - نشریه جنبش سوسیالیستی شماره اول دریافت شد. متشکریم.

● هواداران سچفا، گوتنبرگ - نشریه اخبار، شماره ۳ دریافت شد. این شماره حاوی مقالاتی در باره نامه بنی صدر به خمینی، بازی های المپیک، درماندگی و استیصال بیماری حزبی ها، خدمات درمانی در کوبا، ارتش و نقش آن در جامعه، اخبار دانشجویی و... میباشد.

● حزب دمکرات کردستان ایران، تشکیلات اروپا - بولتن خبری شماره ۸۷ دریافت شد. متشکریم.

● انجمن های دانشجویان ایرانی در کانادا (هوادار سچفا): هفته نامه خبری شماره ۶۳ شما دریافت شد. متشکریم.

● انجمن دانشجویان هوادار سچفا در ترکیه - خبرنامه ارسالی شما، شماره ۷ دریافت شد. متشکریم.

انبوه انتظار

با چشمانه با دهان
 با قلبها نه با زبان
 با یادگار داماد شعر من میخواند
 آیا رطوبت چشمان درشت قبیله من
 لطافت زنده بهار را
 در شداوم پایش
 بشارت نمیدهد؟
 آیا تحول سفیده چشمان قوم من
 به رنگ خون
 طلوع رنگ دگر را
 صدا میدهد؟
 در پای چوبه های ستم
 شلیک بی امان توهم
 از انتهای شب آیا
 خبر نمیدهد؟
 حجم عظیم فریاد غاصبین
 چکیدن خون ماشه های نفرت را
 با دست بچه های محله پائین
 پیام نمیدهد؟
 های ای عطف پر نکوه
 رنگین گمان ازدهام
 سر زن میان جنگل و کوه
 میان منطق اعدام
 در سینه های شنه فقر
 بر شانه های مقاوم زحمت
 در بیکران جنگل ما
 سر زن نوید رسای فتح
 در لایبای جمع اسیران
 در فوج فوج سیاه مزدوران
 در لانه های توطئه
 سرتاسر جهان ...

با نام و با نشان
 با نام حیدر و وارطان
 با نام موج خون، توماج
 در گشتزار ترکمن
 با نشان تقسیم تفنگ
 با نشان حکومت شورا
 با نشان آزادی زن

م- دیدار
 بهار ۱۳۶۲

با من بگو

با من بگو، دیگر
 با کدامین نگاه مرا به شرابخانه
 عشقت خواهی برد
 همه جا پر از کمینگاه است
 باشلیک، باشلیک، نگاههای عاشق را
 دیربست گلوله باران زهر آکین ترین
 خنجرها کرده اند
 چشمان شاد و شیدایی ترا
 ای محبوب من، محبوبه من
 کدامین سیاهچاله ها به گوری می خواهند
 (۲ مرداد ۶۳، حمید، دهلی)

بگذار گریه کنم

بگذار گریه کنم
 بیارم دریاها را خون
 اقیانوسی در چشم من است
 شاید هم بیشتر
 امان نمیدهد
 گرفتاری
 سحر تا شام دوییدن
 چانه زدن برای لقمه نانی
 کدامشان را گریه کنم
 محمود را عمق آسمان آبی صاف را
 مریم را ستاره را
 حسن را خورشید را، کدامشان را
 اشک بریزم
 گلناز چشمه زلال را
 پروانه را، آفتاب را
 عزیز، جلال، عباس
 فرشته، زاله، محبوبه، همه را کشند
 بگذار گریه کنم
 تمام اسمها را
 به اندازه تمام ابرهای آبدار
 بگذار اشک بریزم

۲۲ اردیبهشت ۶۳
 حمید، دهلی

از کجا میدانید

از کجا میدانید
 که مذاپی از فریاد
 در کلویی از آتش
 خاموش
 نمی جوشد
 در سینه کنجی از این تیره شیشمان فراموشی
 از کجا میدانید
 که نخواهد جوشید
 ناگهان بغض پتیمانه ای این خاموشی؟

اسمعیل خوبی

... خاک

خاک میل به بیداری در خود من پروراند
 خاک تمنای سخن دارد
 خاک زمزمه خشم سرداده است
 خاک تنوره نفرت می کشد
 خاک خسته
 خاک خونین.

خاک عمیانگر

کشور من ...

ز خالیزارهای سبز شمال
 تا صحراهای تفت خده جنوب
 ز آسمان بی دغدغه بلوچستان
 تا کوهساران پر شنتنه کردستان
 ز لچک بمران نرنجکار
 تا نخل کاران جنوب
 همصدا ... فریاد نفرت سرداده اند
 و سرود همبستگی به دست باد سپرده اند
 ز تنهایی های کوچ کنندگان بلوچ
 تا جان فشانی های پیشمرگان کرد
 همه همقدم زبهر آزادی اند

و سلسله های انتقام به سوی رجای نشانه رفته اند ...

... و خاک می جوشد
 و شکوفه ها نمو می کنند
 و تولدی دیگر را نوید می دهند
 تولد جهشی دگر
 تولد شراره نوین

تولدا انقلاب راستین

خاک آستن سوسیا لیزم است "دسم"

هموطن! نشریه "جهان" را برای خود و دوستان خود مشترک شوید.
شما میتوانید نشریات "کار"، "ریگای گدل" و "جهان" را از طریق آدرس های زیر تهیه نماشید.

اتریش
ISV
IRANISCHER STUDENTENVERBAND
PF 370-1061
WIEN, AUSTRIA
۱۲۰ شیلینگ برای ۶ شماره
۲۳۰ شیلینگ برای ۱۲ شماره

آلمان غربی
POSTFACH 3653
7500 KARLSRUHE, W.GERMANY
۱۵ مارک برای ۶ شماره
۲۵ مارک برای ۱۲ شماره

آمریکا
JAHAN
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185
U.S.A.
۸ دلار برای ۶ شماره
۱۵ دلار برای ۱۲ شماره

انگلستان
OIS
BM KAR
LONDON, WC1N 3XX
ENGLAND
۵ پوند برای ۶ شماره
۹ پوند برای ۱۲ شماره

ایتالیا
M.C.P. 6329
ROMA PRATI
ITALI
۹۰۰۰ لیر برای ۶ شماره
۱۷۰۰۰ لیر برای ۱۲ شماره

بلژیک
E.I.
B.P. 8
1050 BRUXELLES 5
BELGIQUE
۵۰۰ فرانک برای ۶ شماره
۹۰۰ فرانک برای ۱۲ شماره

سوئد
ISS
BOX 50057
10405 STOCKHOLM
SWEDEN
۸۰ کرون برای ۶ شماره
۱۲۰ کرون برای ۱۲ شماره

فرانسه
A.C.P.
B.P. 54
75261 PARIS CEDEX 06
FRANCE
۷۰ فرانک برای ۶ شماره
۱۲۰ فرانک برای ۱۲ شماره

کانادا
ISF
P.O. BOX 101, STATION H
MONTREAL,
QUEBEC H3G2K5
CANADA
۱۰ دلار برای ۶ شماره
۱۸ دلار برای ۱۲ شماره

۵۴	بوسنیون + مریم توسلی	۲۰	برایبوی ۱	۱۵۰۰۰	ایتالیا
۲۲	بوسنیون + احسن ساحید	۲۰	برایبوی ۲	۱۵۰۰۰	یوگیا
۲۰۰	بیزن - نیویورک	۲۰	رفیق اسکندر	۲۵۰۰۰	پروچا
۳۰	آرادی رسا	۱۷	صمد بیهنگی	۲۵۰۰۰	شهره
۲۰	م - ۲۶	۱۰	رفیق بویان	۱۸۰۰۰۰	رفقای مدنا
۱۰	کاوه	۳۰	سیما مگ آیدیان	۱۰۰۰۰۰	واحدیلوسیا
۱۱۶	رفقای زندانی در هلند	۲۵	بدون کد	۱۰۸۰۰۰۰	واحدساماری
۴۰	ک - همبستگی	۵۰	صمد لیسستر	۱۰۸۰۰۰۰	پروچا - زندان ۱۰۰۰۰۰
۱۰۰	سرس روز	۳۹	رفیق اسکندر	۲۰۰۰۰	وعدان همبستگی
۱۰۰	برکلی، کردستان مهرمان	۲۰	لندن ت	۵۰۰۰	۱۲
۱۰	برکلی - اسکندر، چه گوآرا	۲۰۰	فدائی کیمبریا مگ آیدیان (اسکندر)	۵۰۰۰	ایران
۲۰۰	م.س.م. کار ریدل	۸	لندن	۵۰۰۰	۲۰
۲۰	فیلادلفیا	۲۰	فرانسه	۵۰۰۰	۲۰
۱۲۵	لا مایت ۱۲۵	۱۰۰۰	پاریس - صمد سلطان پور	۵۰۰۰	۲۰
۱۵	م. نیوا ورتشان	۲۰۰	پاریس - رفیق هادی	۷۰۰۰	۲۰
۱۰۰	حرب کمونیست ایران	۲۰	پاریس - شهدای چاپ و انتشار	۵۰۰۰	۲۰
۱۵۰	سعید سلطان پور - ویرمنیا	۲۰	پاریس - هادی	۵۰۰۰	۲۰
۲۰	آکسیون کمکیهای مالی برای کردستان - صبه همبستگی بوس - الخللی - ماسی فلوریندا	۱۰۰	پاریس - رفیق هادی	۵۰۰۰	۲۰
۲۲۶	گاسا	۲۰۰	پاریس ۲۵۰۰ تومان	۵۰۰۰	۲۰
۲۰	بجرسی	۲۰۰	گروپ	۲۰۰۰	۲۰
۲۰	به یاد رفیق صمد	۲۰	ن - لیل	۲۰۰	۲۰
۲۰	لاله ۲ - B	۲۰	لیدل ۵۹ - بستمگ مسعود رحیمی	۱۵۰۰۰	۲۰
۲۰	به یاد ماریا	۲۰	هوای	۱۰۰۰۰	۲۰
۲۰	مونیترال شعبان	۲۰۰	ترکیس صحرای زینب	۲۰۰۰۰	۲۰
۲۰	رفیق حمید مومنی	۱۵۰	ج ۹۱۲	۱۵۰۰	۲۰
۲۰	سارمان چرتکههای فدائی خلق ایران	۱۰۰	رفیق میرداد	۲۰۰۰	۲۰
۱۵	سیما - ۱۰۴	۲۰	فدائی ۲	۱۰۰۰۰	۲۰
۲۰	رفقای گمبون ۱	۱۰	کشتوس	۲۰۰۰	۲۰
۲۲	به نام صمد	۱۰	مدنی صراحتی	۳۰۰۰	۲۰
۲۰	رفیق دکترا عطسی	۲۵	کنیموس الف	۲۰۰۰	۲۰
۱۰	رفیق فدائی، مسعود اسکندری	۵	حیا	۵۰۰۰	۲۰
۲۰	رفیق فدائی، شیرام میرانی	۲۴۰	لا مایت ۲۴۰	۱۰۰۰۰	۲۰
۲۰	به یاد رفیق چه گوآرا	۱۵	نیوا ورتشان ر - ۱۵	۲۰۰۰۰	۲۰
۲۰	رفیق صمد بیهنگی	۲۰	س - داربونی	۲۰۰۰	۲۰
۲۰	رفیق بیزن	۲۰۰	آرلیستون	۲۰۰	۲۰
۲۰	راهدار فدائی صبه	۵۰	نوکل ۱۱۱	۸۵	۲۰
۲۰	بسمت روزگ	۵۵	بوسنیون - ایظم رومی اسکرا	۵۰ (۷)	۲۰
۲۰	رفیق نادره نوری	۱۷	بوسنیون - میرام میرانی	۲۰	۲۰
۲۰	رفیق مهدی خان راده	۲۰	بوسنیون - اسراج سپهری	۲۰	۲۰
۲۰		۵۰	بوسنیون - اسور اعظمی	۲۰	۲۰
۲۰		۵۰	بوسنیون - جزسی	۱۰	۲۰

کدکهای مالی خود را نیز میتوانید
آدرس ارسال کنید.
با نام حساب
شماره حساب
A. A. H.
739066 F
Credit Lyonnais
134 B d. Voltaire
75011 Paris, France
رسید خود را به همراه کد مورد نظریه
آدرس پستی ذیل ارسال نمائید.
A.C.F.
B.P. 54
75261 Paris, CEDEX 06 France

**برای تماس با "جهان" با آدرس
زیرمکاتبه نمائید:**

JAHAN جهان
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

